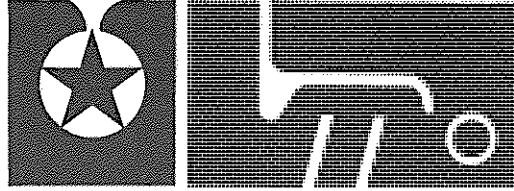


شماره ۸
فوریه ۱۹۸۳
بهمن ۱۳۶۱



ویژه قیام و سبیا هکل

اتحاد
مبارزه، پیروزی



نشریه دانش‌جویان هوادار سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و پایگاه داخلی

صفحه ۴۸

فهریه ۱۹۸۳
بهمن ۱۳۶۱

سال دوم شماره ۸ ویژه قیام و سیاهکل

بهمن سرخترین ماه جنبش خلق مبارک باد

سالگرد قیام پرشکوه خلقهای ایران

درستاخیز سرخ سیاهکل گرامی باد

صفحات ۱۹ تا ۲۹



سرمقاله
"فضای باز سیاسی" امامانه

پیام ۸ ماده‌ای خمینی

در ۲۲ آذر ماه خمینی فرماتی در ۸ ماده به مسئولین قضائی ما نوشتی و اجرایی رژیم ما در گردن بلا فاصله بعد از انتشار آن تمام دستگاها و تبلیغاتی رژیم بکار افتاد تا "امت مسلمان" را از "احکام جدید الله" با خبر سازند. سردمداران رژیم هر يك بنا به فراخور حال و توان خود طی مباحثه مساوی مقالات و تفسیرها و نظایرهای نماز جمعه به شرح وسط نتایج نظری و عملی پیام "مهم" امام پرداختند. اما گذشته از تمام ترسناکات رژیم پیرامون فرامین اخیرا ما م بقیه در صفحه ۲

اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی

در چهارم دسامبر آخرین روزهای آسایشی دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی به نشانه اعتراض به جنایات روزمره رژیم خونخوار جمهوری استعماری به تصرف دانشجویان مبارزه‌داران سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران درمقدار آمد. ظرف چند دقیقه تمام بساط ارتجاع بهم ریخت و دیوارها مملو از شعارهای انقلابی و ضد رژیم شد و آکسیون ما باقی برنا مه تعیین شده بسته در صفحه ۳۳

بزرگاری پلنوم وسیع سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در صفحه ۴

در این شماره:

سالگرد شهادت شاهرخ میثاتی

اخبار ایران و جهان

هواداران مجاهدین

انظر یکی از مسئولین نفت

انتایج مبارزه خلخال

شورش در میامی

دینک‌گاهها:

در صفحه ۱۲

آنتونیو گرامشی

تجربه شوراهای کارخانه در ایتالیا

آمریکا و سران جمهوری اسلامی

در مقطع قیام بهمن ۵۷

خاطرات ویلیام سولیوان سفیر سابق بق آمریکا در ایران

صفحه ۲۶

توطئه آمریکا

علیه نیکاراگوئه:

"خلیج خوکها" تکرار میشود؟

صفحه ۱۰

پس نایب‌شکر دو زندان (زنان در زندان سنن)

در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

فضای باز سیاسی امامانه

بقیه از صفحه ۱
باید دید که عین اصلی از این مانور چیست، از چه نئآت گرفته است، منافع و خواسته‌های چه افشاری را تامین میکند، و بالاخره چه نتایجی بدنبال خواهد داشت. زمین‌هایی که مانور جدید را می‌آفرینند

رژیم طرف چند سال گذشته بخصوص ۱/۵ سال اخیر چنان خود را متزلزل یافت که چاره‌ای جز تشدید فشار همه جانبه بر روی توده‌ها و بخصوص نیروهای انقلابی ندید. به اعتراف رفسنجانی "یک وقت انسان خشونت می‌کند برای اینکه پایه حکومت لیزان است" (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۷ آذر ۶۱). دامنه سرکوب و ترور و خفقان تا بدانجا گسترده شد که نه تنها آزادی‌های سیاسی، که اثری از آزادی‌های فردی و حقوق مدنی نیز باقی نماند. خانه و محل کار مردم عرصه تاخت و تاز اراذل و اوپاش کمیته‌ها و پاسداران جهل و سرمایه شده و کوچکترین حرکات، افکاره عقاید و زندگی خصوصی مردم زیر شدیدترین تجسس‌ها و تفتیش‌ها قرار گرفت بطوریکه مثلاً زن و شوهر بدون همراه داشتن قبالة ازدواج تأمین جانی برای خروج از خانه نداخته‌اند. برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر شهر چندین بار اتوموبیل شخصی افراد متوقف شده، مورد بازرسی قرار می‌گیرد. خمینی فتوا داد که هر کسی همسایه خود را کنترل کرده و علیه همدیگر جاسوسی کنند تا بدین ترتیب - "سازمان اطلاعات ۲۶ میلیونی" بوجه آوردند. از طرف دیگر چند پارچگی موجود در درون حاکمیت و حکومت عیبه ملوک الطوائفی هر آخوند شهر و محله، زمینه گسترش "بسی نظمی و هرج و مرج" در امر سرکوب را تا بدانجا کفاند که نه تنها زحمتکشان و سازمان‌های سیاسی، بلکه اقشار مرفه و "مردم عادی" جامعه نیز فاقد حداقل آزادی‌های امنیتی قانونی و اقتصادی و اجتماعی گشته.

اند و هر روز ناراضی و تنفر و انزجار آنها از حکومت سرنیزه و خفقان عمق - بیشتری یافته است. اعدام روزانه ده‌ها هزار مبارز و به‌زیربند و شکنجه کشیدن ده‌ها هزار مبارز و انقلابی حتی خون کشیدن از زندانیان سیاسی با فتوای مستقیم خمینی، چهار سال بمباران و سرکوب خلق زحمتکش کرده، بستن دانشگاه و گفتار دانشجویان، سرکوب علم و هنر و فرهنگ انقلابی و مترقی، به‌بند کشیدن قلم و بیان و ... آیا برای سرکوب توده‌ها و به شکست کفاندن انقلاب دیگر حرکتی و تاکتیکی باقی مانده بود که رژیم بدان - دست نیازیده باشد؟ اما حداقل بخشی از سردمداران رژیم با تمام کودنی و عقب - ماندگی تاریخی شان بالاخره متوجه این واقعیت شده‌اند که روی سرنیزه نمیتوان نشست و گسترش سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه نمیتواند حکومتی با ثبات فراهم آورد. از این گذشته دیگر جانی برای فشار بیشتر بر توده‌ها باقی نمانده است. در عین حال میزان و نحوه شرکت مردم در انتخابات مجلس خبرگان و به مسخره گرفتن آن از طرف مردم، مثل رای دادن بنام "عمر" و "یزید" و غیره نیز زنگهای خطر را بیشتر از پیش در گوشه‌های سنگین سران جمهوری اسلامی صدا درآورد. ارتجاع دریافته است که حاکم بودن جو پلیسی مداوم، نه تنها انقلابیون که دامن اقشار دیگر جامعه و تمامی ارکان سیستم را نیز می‌گیرد. در این جو ناامنی و کنترل قرون وسطایی، حتی سرمایه داران نیز زمینه اجتماعی و فرهنگی لازم را برای سرمایه گذاری و زیست خود نمی‌یابند و بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌هایی که وجودشان

لازمه بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است رغبتی به همکاری و زیست در زیر سایه سرنیزه پاسدار و حاکم شرع نشان نمیدهند. سرمایه داران در شرایطی که بحران - سیاسی تا اعماق جامعه نفوذ کرده و حاکمیت سیاسی را کاملاً در تزلزل نگاهداشته است حاضر به ریسک نخواهند شد و از طرف دیگر

خصلت علیقتی و سونجویانه آنها را و میدارد که سرمایه‌های خود را در پرسودترین و کم خطرترین بخش اقتصاد بکار اندازد. این بخش یعنی بخش تجارت و توزیع خود از جانب سران رژیم حمایت شد. بنا بر این اقتصاد بیمار جامعه با تضعیف هرچه بیشتر بخش تولید، بخش توزیع سود آورتی یافت. بخشی از سران رژیم بارها و بارها از سرمایه داران خواستند که برای بقای - حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه‌های خود را به بخش تولید منتقل کنند، لیک سرمایه معیاری جز سود نمی‌شناسد. شناخت غریزی سرمایه داران از وضعیت بحرانی مغایر با درخواست سران رژیم بود. آنها از یک طرف صدای انقلاب را همواره شنیده و می‌شنوند و از طرف دیگر سلطه ضوابط و فرهنگ قرون وسطایی فضای اجتماعی لازم برای بازتولید سرمایه و فرهنگ بورژوازی را تنگ و محدود کرده است. آنها بطور طبیعی سرمایه را در بخشی بکار می‌اندازند که درصد ریسک آن به مراتب باثبات تر باشد و هم سود بیشتری را برای آنها فراهم کند و هم بسا روینا و فرهنگ غالب همخوانی داشته باشد. زیرا با تمرکز دادن سرمایه در بخش تجارت آنها اولاً با کارگران و مزاحمت‌هایشان روبرو نیستند، ثانیاً به محض نزدیک شدن خطر، یعنی وقوع انقلاب، قادرند مثل اسلافشان با استفاده از کانال‌های نفوذی خود در حکومت سرمایه را به خارج منتقل کنند و ثالثاً با موازین و ضوابط قرآن و تجارت و سرمایه‌داری به سبک اسلامی در تضاد آشکار قرار نگیرند.

تمرکز سرمایه در بخش واردات و توزیع همراه با کمبود وسایل معیشت و بی‌کفایتی مزمن و وسیع و انحطاط سیاسی است اندر - کاران رژیم زمینه را برای ایجاد بازار سیاه کاملاً مساعد کرده، بطوریکه طی سال گذشته چند میلیون نفر بیکار از طریق همین بازار سیاه گذران "زندگی" کرده‌اند



فضای باز سیاسی امامانه

بلیه از صفحه ۲
و سیاست باج گیری رژیم نیز به این حرکت
بیمارگونه سرعت و وسعت بیشتری بخشیده
است.

خلاصه کنیم: تداوم بحران عمیق
اقتصادی و تداوم ناراضی و فرار متخصصین
و تکنوکراتها و تداوم و گسترش ناراضی
و بی اعتمادی و اعتراضات توده‌های مردم
علیرغم بیات وارد آمده بر بیکر سازمان -
های پیشرو، کاهش نسبی وحشت جنون آسای
رژیم از نیروهای انقلابی که بدلیل ضربات
وارد و پراکنندگی موجود فعلاً تهدید بلا
فصلی علیه رژیم بشمار نمی‌آید، عدم رغبت
و اطمینان سرمایه گذاران خارجی برای
سرمایه گذاری و بی آبرویی و افشای چهره
رژیم در سطح بین المللی به مثابه رژیم
قرون وسطایی و جنایتکاره، تداوم بن بست
رژیم در جنگ ویرانگر با عراق و بدنبال
اینجا تحولات جدید در زمینه تضادهای
درونی حاکمیت و تکوین "ائتلاف جدید" ...
همه و همه عوامل اقتصاد - سیاسی اجتماعی
هستند که زمینه ساز پیام اخیر خمینی -
میشوند. ما خمینی این بار نیز برای
پنهان ساختن انگیزه‌های اصلی و توجیه
فرامین جدید خود "جانشین نمودن احکام الله
در نظام جمهوری اسلامی بجای احکام طاغوتی
رژیم جبار سابق" را مستمسک قرار داد. گوئی
به حکم الله که البته به خمینی وحی میشود
یک روز مثلاً جاسوسی عین دیانت و مسلمانی
است و روز دیگر "تجس و دنبال اسرار
مردم بودن و افشاء گناهان دیگران نمودن
و یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگسری
بی نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کردن"
از گناهان بزرگ شمرده شده مستحق تعزیر
شرعی" میشود.

حال ببینیم در صورتیکه پیام ۸ ماده‌ای
خمینی و چند فرمان بعد از آنرا مانع
تحلال ادارات گزینشی، چنانکه رفسنجانی

اعلام کرده است "فصل جدیدی در حرکت
رژیم و تلاش در جهت اجرای یکسری رفرم
بدانیم، این رفرم چه ارتباطی با تضادهای
درونی حاکمیت دارد و اگر به اجرا درآید
در خدمت خواستها و منافع کدام اقترا جامعه
قرار میگیرد و اساساً تا چه حد امکان تحقق
داشته و کدام نتایج را بدنبال خواهد
داشت.
رفرم موعود و تضادهای درونی رژیم

بسیار از طرد جناح لیبرالی بنی صدر از
حکومت بنظر میرسد که حاکمیت از همانسی
نسبی برخوردار شده است. ولی از آنجا -
تیکه بحران جامعه نه در وجود بنی صدرها
بلکه یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی
ریشه دار است و تاکنون نتایج خود را در
تضاد دو صفا انقلاب و ضد انقلاب متبلور ساخته
و با اینگونه تصفیه‌های درون طبقاتی حل نمیشود
بنا بر این طبیعی بود که پس از اندک مدتی
تضاد جدیدی در درون حاکمیت جایگزین تضاد
حل شده قبلی گردد. در ابتدا ابعاد مختلف
این تضاد روشن نبود ولی کم کم شکل واضح -
تری بخود گرفته ابتدا گروه بندی‌های درون
حاکمیت بصورت تضاد بین جناح "خط امام"
و "حجتیه" شکل گرفت. با ادامه آن کم کم
بخشی از "حجتیه" با بکارگیری سیاستهای
مشخص تر در "ائتلاف جدید" متمرکز در
کسب پهنه رژیم در مقابل اکثریت مجلس -
نشینان توأم گرفت. "ائتلاف جدید" با
برنامه‌های کاملاً حساب شده نسبت به جناح
مقابل سعی کرده است در یک پیرویه آرام و
بدون درگیری‌های انعکاسی نسبت به رقیب
یا آنها را در خود ادغام یا ایزوله نماید
در عین حال سعی کرده است که جریان مقابل
را در عمل قانع سازد که با تجدید نظر در
دگم‌های مذهبی و سنتی واقعیت عینی و
قوانین حاکم بر روابط سرمایه داری را -
بپذیرد. (برای مطالعه دقیق و جامع تر
جناح بندی‌های درون حاکمیت و رشد تضاد
درونی آن به مقاله "بن بست قدرت" کار

رگان سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران
شماره های ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، و ۱۵۹ مراجعه
نمائید)

تمام کوشش "ائتلاف جدید" بر آن بوده
است که از نظر سیاسی تمام نهادهای خودروی
بعد از قیام بهمن ۵۷ مثل سپاه، کمیته‌ها و
جها د سازندگی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفین
را علی بروسه حساب شده‌ای بزیمر کنترل دولت
یعنی نهادی که خود بر آن تسلط دارد، در -
آورد. امری که لیبرالها چه زمان نخست
وزیری بازرگان و چه زمان رئیس جمهوری
بنی صدر کوشیدند بدان دست یابند لیکن
موفق نشدند. البته این سیاست بر آن است
که شکل مذهبی حکومت را حفظ کند. در زمینه
اقتصاد تلاش "ائتلاف جدید" بر آن است که
با حمایت دولت، سرمایه‌های خصوصی بزرگ
و متوسط تقویت شده و با کمک کشورهای
امپریالیستی حتی امکان به بخش تولید
کامالیزه شوند و اقتصاد از وضع شکننده
بودن مغرطض نجات یابد. از طرف دیگر تلاش
این جناح آنست که "دوران انقلابی" را
با بیان یافته اعلام نموده جامعه را به
"آرامش" کفاند. این است که همواره سعی
دارد تمام نهادهای وابسته به حاکمیت را
که خود به بحران دامن زده و آنا رشی باز
تولید میکنند تا جر بستر آن به حیات خود
ادامه دهند در نهادهای باصلاح قانونی و
با حفظ سلسله مراتب ضروری آنها هدایت
کند. امری که از جانب قدرتمندان درون این
گونه نهادها، مثل "نادگاه انقلاب" با -
مخالفت روبرو شده است. جناح مخالف
"ائتلاف جدید" و سیاست آنها سعی دارد که
تحت نام مبارزه با "لیبرالیسم اقتصادی"
(یعنی سیاستی که خواهان عدم مداخله
دولت در حرکت سرمایه میباشد). و قریب
ساختن آنها با لیبرالها، مانع از رشد
آنها گردد. این جناح ("خط امام") همواره
از خرده بورژوازی سنتی ارتجاعی هرج و مرج
طلب و بحران زا مدد می جوید تا مانع از
بقیه در صفحه ۴۴

افت کیفیت آموزشی

وزیر آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی اعتراف میکند که کیفیت آموزشی افت کرده است.

علی اکبر پرورش در مجلس شورای اسلامی رژیم مورد مواخذه نمایندگان مجلس قرار گرفت و ضمن پاسخ به نمایندگان مجلس رژیم اعلام نمود که بدلیل مشکل نیروی انسانی، کمیود تجربه کافی معلمین جدید و حضور فعال دانش‌آموزان در جبهه‌های جنگ تحمیلی کیفیت آموزشی در مدارس افت کرده است. (اطلاعات شنبه ۴ دیماه ۱۳۶۶).

دلایلی که وزیر آموزش و پرورش رژیم ارائه داده که منجر به افت کیفیت آموزشی شده است کاملاً در ارتباط با سیاست‌های ارتجاعی رژیم قرار دارد. وزیر آموزش و پرورش خمینی ۳ عامل را در افت کیفیت آموزشی دخیل دانسته است که خود رژیم بوجود آورنده این عوامل بوده است. سه عامل از دید وی به ترتیب عبارتند از: ۱- مشکل نیروی انسانی، ۲- کمیود تجربه کافی معلمین جدید و ۳- اعزام دانش‌آموزان به جبهه جنگ.

پرورش، زمانی از مشکل نیروی انسانی صحبت میکند که ده‌ها هزار نفر از معلمین مترقی و انقلابی بدنبال اعمال سیاست ارتجاعی رژیم مثل تصفیه‌های فرقه‌ای، امتحان ایدئولوژی یا داشتن سابقه مبارزاتی و فعالیت‌های سیاسی و غیره اخراج شده‌اند و یا ده‌ها هزار نفر از جوانان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها که توان آموزشی دارند به مدت ۴ سال است که بیکار و سرگردانند. بنا بر این مشکل نیروی انسانی دقیقاً ناشی از سیاست ارتجاعی بکار گرفته شده خود رژیم است. دومین مشکل به زعم پرورش، بکارگماردن باصلاح معلمین کم تجربه و جدید است. زوشن است که وقتی معیار انتخاب معلم یا مدیر

برگزاری پلنوم وسیع

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

و «اکثریت» در صف بندی سیاسی لحظه کنونی در موضع خدا انقلاب قرار نگرفته‌اند، لذا پلنوم سازمان تصریح میکند که حزب توده و «اکثریت» بنا به مصوبات کنسفره در صف بندی سیاسی موجود، در صف خدا انقلاب قرار دارند.

از آنجا که متن کامل اطلاعیه مذکور و گزارش پلنوم درست نبود، چاپ آنرا به شماره آینده «جهان» موکول میکنیم.

هیئت تحریریه «جهان» ضمن ابراز مراتب شادمانی خود از برگزاری موفقیت آمیز این پلنوم، معتقد است که بی شک اینگونه نشست‌ها و موفقیت‌های رفقای فدائی در اوج خفقان، سرکوب و پیگردنای همه جانبه انقلاب بیون توسط عمال رژیم، امت محکمی است بر بوزه ارتجاع و تمامی خدا انقلابیون!

در آخرین ساعاتی که «جهان» به زیر چاپ میرفت، طی تماس تلفنی اطلاع یافتیم که اخیراً سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران پلنوم وسیعی را در ایران برگزار کرده است. برطبق اطلاعات تشکیلات خارج از کشور سازمان این پلنوم با حرکت مرکزیت، مشاورین و مسئولین بخش‌های مختلف تشکیلاتی سازمان با موفقیت کامل برگزار شده، دست‌آوردهائی نیز به همراه داشته است.

از جمله نکات مطرح شده در این پلنوم نارسائی‌های مربوط به قطعنامه کنگره درباره شیوه برخورد به احزاب و سازمان‌های سیاسی بوده است. در این اطلاعیه آمده است که از آنجا که تشکیلات در قطعنامه کنگره سازمانی در باره شیوه برخورد به احزاب و سازمان‌های سیاسی، این ابهام برای برخی از رفقا و هواداران سازمان بوجود آمده بود که گویا حزب توده

مدرسه و رئیس منطقه یا شهرستان و استان نه عایستگی علمی و لیاقت و کاردانی و سابقه مبارزاتی آنها بلکه رابطه‌های خویشاوندی و دوستی و یا داشتن تمایلات هیستریک ضد انقلابی باشد نتیجه‌ای جز این ممکن نیست. بارها دیده شده است که افراد بسیار کم سن و سال و بی تجربه و بی سواد را به صرف اینکه خواهر یا برادر یا فرزند فلان دست‌اندر کار رژیم است و یا دارای خصلت‌های ضد انقلابی فائزتری است به مدیریت این مدرسه و آن مدرسه و این منطقه و آن شهر گمارده‌اند. بنا بر این نتایج حاصل از این سیاست احمقانه و ارتجاعی چیزی جز پائین آمدن کیفیت آموزشی و از هم پاشیدن سیستم آموزشی نیست.

سومین عاملی که آقای وزیر ذکر کرده

است اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌های جنگ است. با زهم روشن است که وقتی رژیم حتی کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله را به جبهه میفرستد تا از آنها بعنوان گوشت دم تانک استفاده کند نباید انتظار داشت که مدارس نیز هدف آموزش دانش‌آموزان را دنبال کند. زمانیکه معیار ارزش‌ها برای دانش‌آموزان نه دانش و یادگیری و سهم آنها در زندگی جامعه باشد بلکه ارتباط و عضویت آنها در انجمن اسلامی مدارس باشد و زمانیکه رژیم از ضعف تشخیص کودکان کم سن و سال سو - استفاده کرده آنها را برای شرکت در جنگ تحریک میکند و از احساسات ماجراجویانه و تمایلات شکل‌نگرفته مذهبی آنها سو - استفاده میکند نتایجی جز این بیار نخواهد آمد.

طبعی است که سیستم آموزشی رژیم از



معرفی چهره‌هاک ادب و هنر مفرقی

بقیه از صفحه ۴۷

واقعی و زمان روی برده باشد. وی میدید که از طریق نماهای فیلم میتواند ترکیب زمان واقعی را بکلی بهم بزند.

در فیلم "پوتمکین" ملاح جوانی که افسری او را کدک زده است و بعلمت ناچیزی جیره اش از گرسنگی تلف میشود، و در نهار خوری بران مغفول ظرف شوئی است بشقابی بدستش میرسد که روی آن نوشته اند:

"خدایا روزی ما را برسان" - سرباز ناگهان چنان خشمگین میشود که بشقاب را به زمین میکوبد و خرد میکند. شکستن

یک بشقاب - برداشتن و به زمین کوبیدن آن - در واقع یک لحظه بیشتر طول نمیکشد، ولی این لحظه چه از نظر قهرمان داستان

و چه از نظر جریان کلی فیلم لحظه بسیار مهمی است، و نخستین تظاهر انقلابی است که سیس همه جا شویمان کشتی را فرا میگيرد

آیزنشتاین بجای اینکه این حرکت را در یک نما و از یک زاویه بردارده که در آن صورت حرکت با زمان واقعی نشان داده -

میشود تعیین حرکت را از چند زاویه گوناگون برداشت و سیس آنها را برید و بهم پیوند داد. نتیجه عبارت بود از -

تاکید حرکت به وسیله رگباری از نماهای گوناگون و تمديد زمانی که این حرکت در آن انجام گرفته بود.

آیزنشتاین فقط در همین فصل درخشان فیلم "پوتمکین" کتاب کاملی برای راهنمایی کارگردانان فیلم پدید آورده و نمایش

حقیقتا زبردستانه ای از اسلوب "برش" دو واقعه به موازات یکدیگر دست داده است و نمونه های درخشان از بازی هنرپیشگان

و استفاده از شیوه "تکان" نشان داده است. بعدها هنگامی که آیزنشتاین دربار نظریات سینمایی خود سخنرانی میکرده، کلمه

فرانسوی "مونتاز" را که به معنی "سوار

کردن" یا "پیوند کردن" است برای توضیح روش خود بکار میبرد. ولی از هنگامی که "پوتمکین" و "ده روزی که دنیا را تکوان

داد" برده های سینماهای دنیا ی غرب را فرا گرفت و در میان فیلمسازان و منتقدین طوفان برپا کرده، دیگر کلمه "مونتاز"

در مورد هر نوع برشی بکار نرفت بلکه به معنی خاصی برش تند و تکان نهدده ای که آیزنشتاین در فیلم خود بکار میبرد

استعمال شده. استفاده از این کلمه تا به امروز نیز نزد سینماگران متداول است بنظر میآید که کنایه و استعاره

سینمایی بین از هر چیز هنگام ساختن فیلم "اکتبر" نظر آیزنشتاین را بخود جلب کرده است، ما موریت ساختن این فیلم را

بعناست دهمین سال انقلاب ۱۹۱۷ به آیزنشتاین داده شده بوده تمام وقایع

مهیج بین بازگفت پنهانی لنین از تبعید تا به روی کار آمدن بلشویکها را نشان میدهد. چنانکه آیزنشتاین در نظر داشت،

این فیلم میبایست فعالیت جبهه های مختلف را شامل شده، مانند جلسات دولت کرنسکی و حوزه های پرشور بلشویکها و جبهه جنگ

و محله های کارگران میبایست همه اینها در هم بجوشند و در آخرین حمله قطعی به کاخ زمستانی تزار به نقطه بحرانی برسند.

در اینجا نیز موضوع فیلم آیزنشتاین وسیع تر از آن بود که بتوان آن را در یک فیلم داستانی عادی پروراند. در این فیلم حتی

بیش از "پوتمکین" آیزنشتاین ملزم بود که عناصر و وقایع گوناگون یک دوره را به صورت تصاویر تند و گذرا خلاصه کند.

آیزنشتاین این مشکل خود را با سبیل های سینمایی دقیق و بیش از حد ظریف حل کرده بدین ترتیب که مثلا استبداد کرنسکی را در نمایی که کرنسکی را با قیافه ای

بسیار جدی و گرفته هنگام بالا رفتن از بلکان کاخ زمستانی نشان میدهد هجو میکند

سرداران و دولتیان چابکوس به او تعظیم میکنند و درود میگویند. کرنسکی تنگ

بلوری را به آهستگی و ظرافت بیش میکشد و با دقت فراوان تاجی بر سر آن میگذارد.

همچنین به مجسمه مرمری که دستش را بسا یک خلقه گل طلایی دراز کرده، خیره میشود.

این صحنه های کنایه ای است از جاه آلبیسی های ناپلشونی کرنسکی. جنبه تشریفاتی

محافل ضد انقلاب با درهای سنگین و مزین که آهسته بازو بسته میگردند نشان داده

میشود و جوش و خروش بلشویکها با مکرر بهم خوردن در شکسته ساختمان حزب نمایانده

میشود. نمایش جزئی بعنوان نمونه ای از کسل وسیله ای است که بمنظور خلاصه کردن وقایع

مکرر بکار میرود. در اینجا نقش مهم ادوارد تیس (Edouard Tisse) فیلم - برداری که با آیزنشتاین همکاری میکرد

نیز قابل توجه است. مهارت او در تاکید لازم بر روی این صحنه ها به معنی و تاثیر هر یک از آنها بر روی بیننده میافزاید.

زنان و مردان را می بینیم که توپی را میکشند و آساده آتی می کنند. دوربین کج میشود تا شواری کشیدن توپ را برساند.

و سرانجام در پایان، حمله به کاخ زمستانی و پیروزی بلشویکها فیلم خاتمه می یابد.

افت کیفیت آموزشی

سایر بخشهای آن جدانیت، مرکزیت کشاورزی، صنعت، هنر ادبیات، علم، ورزش، فرهنگ، دانشگاه و غیره نزول نیافته است؟ پس در ارتباط با کیفیت شئون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جامعه، طبیعی است که نهاد آموزشی نیز نزول یابد. راه چاره برای جلوگیری از سقوط سیستم آموزشی نه انتقاد این مهره مجلس از آن مهره کابینه، که هر دو از یک قاشقند، بلکه نابودی کل سیستم حاکم و استقرار نظامی مردمی است.

"فضای باز سیاسی" امامانه

بقیه از صفحه ۴۵

امروز رژیم جمهوری اسلامی از فـسـرط ناتوانی و ناچاری متوسل به " رفرم" شده است. اما از قبل پیداست که سیاست سرکوب همه جانبه و وحشیانه رژیم با چند رفرم مشروط تغییری نخواهد کرد. مشکل رژیم بسیار اساسی تر از آن است که بتوان با کاهش توحش، آنرا حل نمود. جامعه ایران تنها با یک دگرگونی بنیادین میتواند از

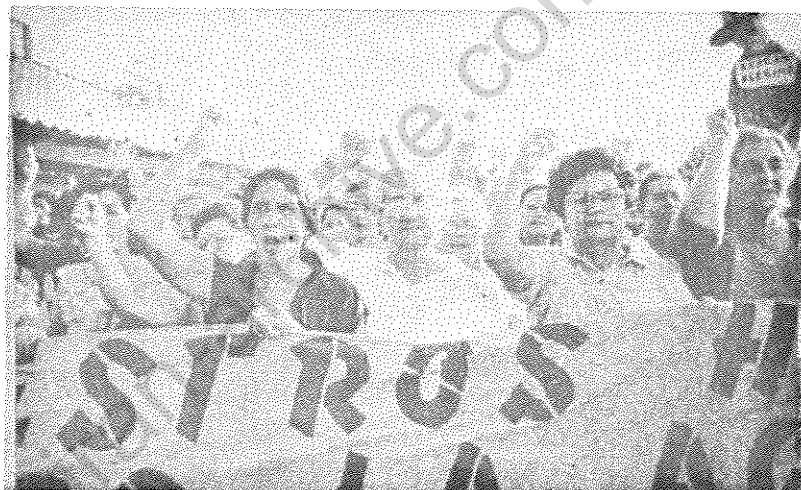
بحران اقتصادی و سیاسی فعلی بدرآید و اولین شرط این دگرگونی سرنگونی قهرآمیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

بارها گفته شده است که رژیم قادر نخواهد بود سرکوب را در ابعاد گسترده آن برای همیشه ادامه دهد. او در مواجهه با بن بست ناچار خواهد شد که نسبت به مانورهای جدیدی بزند. سازمانهای انقلابی با آگاهی از اهداف مانور رژیم بی شک قادر

خواهند شد که با استفاده بجا و مناسب از آن بدون آنکه توهمی نسبت به رژیم پیدا کنند به شدت مبارزه بیفزایند و از هر افغانی که به رژیم تحمیل شود بنبغ اباد انقلاب بود جویند و میر سرنگونی قهری رژیم و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را که تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان ایران از جنگال حکومت جهل و تباهی کنونی و رسیدن به سوسیالیسم است را هموار سازند.

توطئه امریکا علیه نیکاراگوئه ..

بقیه از صفحه ۱۰



" کمیته مادران ساندینستها " در تظاهرات خود (۱۲ دسامبر ۱۹۸۲) مسبب جنایت مربوط به کشتار ۷۵ کودک در سقوط هلی کوپتر، یعنی امریالیسم آمریکا را محکوم میکنند.

تولده های دولت ریگان شده است. بخصوص با سفر اخیر ریگان و به دنبال او غارون وزیر دفاع اسرائیل، تصاب خلق فلسطین، به هندوراس، دخالت وسیع تر دولت هندوراس به عنوان کارگزار طرح ها و تولده های آمریکا علیه نیکاراگوئه تشدید و تقویت شده است. دولت ریگان تلاش دارد با اعمال فشار - های اقتصادی و نظامی مداوم بر روی ساندینستا و دولت انقلابی نیکاراگوئه و تقویت جناح های " میانه رو" و بورژوازی داخلی، از سوتی باعث تضعیف و انفراد خلوط انقلابی و پرولتری در رهبری کنونی حکومت نیکاراگوئه شده اختلاقات داخلی حکومت نیکاراگوئه را تشدید و زمینه بحران

سیاسی و نهایتاً سقوط دولت فعلی را فراهم نماید و از سوی دیگر مانع هرگونه حمایت نیکاراگوئه از گسترش انقلاب در منطقه بخصوص در کشورهای السالوادور و کواتما لاگردد. اما بی شک خلق قهرمان نیکاراگوئه با وجود فشارها و مشکلات موجود اقتصادی و نظامی خواهند توانست تحت رهبری نیروهای پیشرو پرولتری و با پشتیبانی نیروهای انقلابی و مرفقی بر سنگ اندازیها و توطئه های امریالیسم فائق آیند و جمهوری - توده ای جوان خود را از جنگال سازی امریالیسم رها نموده مسیر ترقی و تکامل به سوسیالیسم را با تمام سختی های پیش طی خواهند کرد.

۲۲- براساس این اطلاعات، سرانجام لیستی بما داده شد که مرکب از بیش از یکصد افسر ارشد بود که انتظار میرفت از دست خود استعفا داده و بعد از رفتن شاه، مملکت را ترک کنند. بما گفتند دستگیری و انتقام - جوئی در کار نخواهد بود. حتی پیشنهاد شد که این افسران بتوانند ثروت و دارائی خویشان را نیز بدون مقاومت و بدون سرو - صدا از کشور خارج کنند. گرچه هرگز بما گفته نشد که در سلسله مراتب نظامی چه کسی جای این افسران را برخواهد کرد ولی درک ما چنین بود که لیستی از افسرانی که برای اینکار در نظر گرفته شده بودند در دست رهبران نهضت آزادی است. ما به دارد

امریکا و ...

بقیه از صفحه ۴۱

کرده بودند که میخواهند نیروهای مسلح حفظ شده و توان و یکپارچگی شان همچنان باقی بماند. ضمناً آنها بما گفتند که - تعداد زیادی از افسران ارشد مورد لعن آنها هستند. در همین دور مذاکرات و در مذاکراتی که با افسران ارشد داشتیم برایمان روشن شد که تعداد قابل ملاحظه ای از افسران ارشد در بخشهای مختلف - استراتژیک درون فرماندهی نظامی نه تنها نسبت به اهداف نهضت آزادی سمباتی داشتند بلکه با رهبران آن نیز منظمآ در تماس بودند. بنا براین نهضت آزادی آشکارا از گرایش ها و عملیات مقامات نظامی آگاه بود.



اخبار

لایران

سفارش اتوموبیل ضدگلوله

⑥ رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که در بین مردم بایه دارد اما از ترس مردم هرروز تعداد ماشین‌های ضدگلوله خود را افزایش میدهد. امروز دیگر هزاران اتوموبیل ضد گلوله میراث رژیم ضد مردمی شاه برای رژیم خمینی کفایت نمیکند، چرا که هرچه میگذرد افراد بیشتری از سران رژیم مجبور میشوند چهره ضد مردمی خود را پشت آهن و شیشه‌های ضد گلوله بنهان کنند تا مبادا خشم بجوش آمده مردم واقعتاً شکست آنها را با گلوله سرخ به آنها بفهمانند.

متن زیر ترجمه‌ای از يك روزنامه آلمانی بنام (Süddeutsche Zeitung) بتاريخ ۲۷ نوامبر ۸۲ است که نشان میدهد یکی از کامیونهای حامل اتوموبیل‌های ضد گلوله سفارش داده شده توسط رژیم خمینی بطور تصادفی واژگون شده و گوشه‌ای از بازار بنهان رژیم "مردمی" را عیان ساخته است.

"بخواست الله اتفاق افتاد"

با واژگون شدن ماشین باربری گسه علت آن هنوز معلوم نیست ۸ ماشین مدرن هر يك به قیمت ۱۲۰۰۰۰ مارک از هم باغیبه میشوند. این حادثه در اتوبان زالسبورگ اتفاق می افتد که به راننده یونانی صدمه‌ای جزئی وارد میشود. ○○○○○○○○○○

ماشینهای سواری با شیشه و بدنه ضد گلوله مجهز به بلندگو و آژیر خطر بودند که طبق همین خبر ماشینها جهت محافظت رهبر انقلاب آیت‌اله خمینی سفارش داده شده و راننده آنها را از يك انبار ماشین در اعتراض والین حمل کرده بود. ○○○○○○○○○○
بقیه در صفحه ۸

منع نواختن ارگ

⑥ مرتضی خمینی داستان دادگاه مبارزه با منکرات در جلسه‌ای با حضور رهبران روحانی مسیحی در تهران به آنها اعلام کرد از نواختن ارگ به هنگام برگزاری مراسم نیایش روزهای یکشنبه در کلیساها خودداری کنند. چندی قبل نیز این دادگاه از رهبران اقلیت‌های مذهبی خواسته بود تا مقررات اسلامی و حجاب اسلامی را رعایت کنند. ○○○○○○○○○○

نتایج مبارزه خلخال با اشاعه مواد مخدر

یکی از مقربین درگاه خمینی در حین قاچاق تریاک در آلمان دستگیر میشود:

⑥ مطابق گزارش خیرگزاری آلمان غربی روز چهارشنبه ۱۲ ژانویه ۸۳ پلیس فرودگاه شهر دوسلدورف آلمان، صادق طباطبائی را به جرم حمل ۱/۶ کیلوگرم تریاک دستگیر نمود. وی با سپردن ۲۰۰۰۰ مارک برابر ۸۰ هزار دلار آزاد شد. طباطبائی در ماه نوامبر برای انجام یکسری مذاکرات با مقامات دولت آلمان از طرف رژیم خمینی وارد این کشور شد. طباطبائی از مقربین درگاه خمینی است در مقطع پیروزی قیام ۵۷ همراه با دیگر غاصبین قدرت وارد ایران شد و به دلیل نزدیکی اش با خمینی در پست معاونت نخست‌وزیری (گویا سرپرست او) نیز قرار گرفت. لو رفتن طباطبائی پرده از ادعاهای دروغین رژیم مبنی بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر برمیدارد. قاچاق تریاک توسط یکی از مقامات رژیم زمانی اتفاق می افتد که تابحال دهها نفر بهمین جرم، تحت پوشش مبارزه با اشاعه مواد مخدر زندانی و یا اعدام شده‌اند. لو رفتن طباطبائی یا آور لو رفتن اشرف بهلوی و هویدا در فرودگاههای وین و فرانسه در سالهای حاکمیت بهلوی در ایران است. هر دو رژیم با دمیدن در بوق و کرنا مدعی مبارزه با قاچاق مواد مخدر بوده‌اند. دستگیری طباطبائی نمونه کوچکی است از آنچه سران رژیم مخفیانه مرتکب میشوند. چندماه قبل وزیر ارشاد رژیم خمینی در حالیکه سرگرم عیش و نوش و خوش گذرانی بود دستگیر و سپس از کار برکنار شد. برکی یوغیده نیست که رژیم بسیاری را نیز به جرم نوشیدن مشروبات الکلی و یا داغتن روابط نامشروع در ملا عام شلاق زده و یا زندانی و حتی اعدام کرده است. بنا براین عمل طباطبائی تصادفی نیست بلکه در رفتن او تصادفی است. با لو رفتن طباطبائی مردم مفهوم "مبارزه" با اشاعه مواد مخدر (ادعای رژیم) را بهتر درک میکنند. ○○○○○○○○○○

محاکمه نمایشی مهره‌های رژیم - ۶ مقام قضائی و اجرائی رژیم به "محکمه" احضار شدند!

بنیبال پیام ۸ ماده‌ای خمینی روزنامه‌های رژیم اعلام کردند که ۶ تن از جانبان رژیم به "محکمه" احضار شدند. روزی نامه‌های رژیم نام این افراد را فاش نکردند ولی مسئولیت ۵ تن از آنها را بشرح زیر اعلام نمودند: ۱- معاون اداری و مالی وزارت کار، ۲- مسئول سیاه پاسداران بوکان، ۳- داستان ایلام، ۴- داستان شهرداری، ۵- داستان قم. (روزنامه اطلاعات - ۵ دیماه ۶۶)

پاداش گرانفروشی مشاورت وزارتخانه است

⑥ حجت‌الاسلام برهانی معاون داستانی انقلاب اسلامی ویژه امور منفی گفت: "يك گرانفروشی که بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان گرانفروشی داشت و در دادگاه مجرم شناخته شده، متأسفانه به عنوان مشاور خرید یکی از وزارتخانه‌ها بگمار گرفته شد." وی اضافه کرد "باید به يك واقعتاً اشاره بکنم و آن اینکه: عده‌ای از سرمایه داران زالو صفت همچنان بکار خود ادامه میدهند و متأسفانه بعضی از افراد مسئول هم از این عوامل اصلی فساد اقتصادی حمایت میکنند." ○○○○○○○○○○



دنباله اخبار

با حاد شدن تضاد درون رژیم دزدان یکدیگر را لو میدهند

همکاری ضمنی موسوی اردبیلی و عسگر اولادی وزیر بازرگانی رژیم با رشوه گیران

حجت الاسلام عزیزیان حاکم شرع بیدادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی اعلام کرد:

"در عرض ۴ روز ۱۸۰ تن آهن را وارد بازار سیاه کرده اند" وی در توضیح این مملکت و رشوه گری معاملات شیعه و کره توسط وزارت بازرگانی اضافه کرد: "در رابطه با رسیدگی به این پرونده با آقای عسگر اولادی و آیت الله موسوی اردبیلی جلسه داشتیم و با وجودی که قرار شد این پرونده را ما رسیدگی کنیم ولی تاکنون از همکاری با ما در این زمینه دریغ شده است. و حتی وقتی برادران ما رفتند که آنها را جلب کنند گفتند برویستد مزاحم نشوید آقایان دارند در رابطه با بودجه سازمان تصمیم گیری میکنند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۵ دی ۶۶)

رژیم جمهوری اسلامی مقام اول را احراز کرد

سازمان عفو بین المللی در گزارش سالانه خود، لیست رژیم‌هایی را که با اعمال شکنجه و حبس و اعدام و زیر پا گذاشتن اولیه ترین حقوق انسانها به نقض حقوق بشر پرداخته اند اعلام نمود. در این گزارش رژیم جمهوری اسلامی در راس رژیم‌هایی چون آرژانتین، آفریقای جنوبی، گواتمالا و السالوادور قرار دارد. براساس این گزارش در سال ۱۹۸۱، ۳۶۶۶ نفر در زندانهای جمهوری اسلامی اعدام شده اند که این تعداد $\frac{2}{3}$ کل اعدام‌هایی است که در سراسر جهان صورت گرفته است.

تعریف انقلاب اسلامی

آیت اله گیلائی حاکم شرع و رئیس بیدادگاه های انقلاب اسلامی مرکز در پاسخ به این سؤال که تشکیلات نوین قضائی متناسب با جامعه چگونه است گفت:

"من خیال میکنم که تمام پاسخ از این سؤال بر محتوا در لغت انقلاب خواهد پیوسته است. انقلاب یعنی برگشت. قرآن کریم هم انقلاب را به معنی بازگشت معنی میکند. انقلاب اسلامی یعنی بازگشت به آن حالات اولیه مسلمین. چه در مرتبه خوانی اش باشد و چه در کشورداریش و چه در قضائی اش"

خمینی حامی سرمایه

خمینی در دیدار با استانداران سراسر کشور طی سخنانی بطور مستقیم حمایت خود را از سرمایه داران ز الوصفت و مالکین بزرگ تان داده و گفت: "سرمایه مردم مسال خودشان است، صرف کننده کشور را تقویت کنند و دولت هم بقتیبان آنهاست"

بناهندگی سیاسی

جواد منصور، معاون فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی طی مصاحبه ای گفت که در ابتدای سال ۱۳۶۰ تاکنون جمعا حدود ۳۳ نفر از نمایندگان های جمهوری اسلامی در کشورهای خارج بناهنده سیاسی شده اند.

دولتی شدن بازرگانی خارجی

شورای نگهبان لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی را رد کرده و آنرا غیر اسلامی دانست. مهدوی کئی عضو شورای نگهبان در این باره گفت که دولت حق ندارد با دولتی کردن تجارت خارجی مالکیت مردم را لغو کرده و به صورت یک کارفرمای بزرگ درآید.

کدهای کمکهای مالی ارسال شده به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

فراوانی (فراوانی)	فراوانی
۳۰	الف - ی
۵۰	میتا قی
۲۰۰	ستاره سرخ
۸۳	نویپورک
۱۸۱	شرخ
۱۵۱	بهمن - هادی
۱۰	حمید اشرف
۲۶	استب کالج
۱۰۰	رفیق حکم
۱۰۰	استب زائر
۶۰	ز - ۱۰۰
۸۳	نویپورک
۱۰۰	دال
۶۰	سین جیدانی
۵۰	نهما
۵۲	کلمبوس
۱۵۸	اوما بو - کلمبوس
۲۱۰	آستین
۳۰	م - ل
۳۳	زندانی سیاسی
۱۱۱۳	بلومینگتون
۵۱۲	سان دیاگو
۴۰	س
۳۰	ب - ۴
۶/۲۵	ب - ۵
۵۰	بلومینگتون
۳۱	تویان
۱۰۰	میتا قی
۸۰	میا رز
۴۱۰	ستاره سرخ
۱۰۰	اسکندر
۳۰	بمکان
۱۴۲۲	رفیق میتا قی
۸۲۵/۱۰	نویپورک
۵۰	با نکرنا ون
۱۰۰	اسکندر
۲۰۰	اعتصاب سیاسی
۱۸۰	میتا بولیس
۴۵۰	با لالو
۸۸۵/۵۰	مورگان تا ون
۴۶	آبندیا نا
۳۰	سن
۵۰	ز - ۱۰۰
۲۲۰	رفیق حمید
۱۰۰	آرلینگتون
۱۲۵/۲۰	میا می
۴۰۰	فرناد
۳۰	لارنس
۴۰	م - د
۱۰۰	رالی
۵۲	لنچن
۵۲	لنچن
۵۴	لنچن
۲۸۴۶/۲۵	رفیق حکم
۲۸۴۶/۲۵	یک عدد
۲۸۴۶/۲۵	زنجیرگردن بند یک عدد





امریکا و ...

بقیه از صفحه ۳۷

این گفتگو را عیناً به واغنگتن گزارش کردم. در پایان گزارشم متذکر عدم که این برایم مسلم شده است که برنامه‌های را که در تلگرام نهم نوامبر پیش‌بینی کرده بودم (سازش مذهبیون و ارتش با وساطت آمریکا) درست از آب درمی‌آید. حکومت نظامی در - ما موریت خود برای استقرار نظم و قانون شکست خورده بود. سقوط شاه حتمی بود. بنابراین تصمیم گرفتم طرح خودم را که در نهم نوامبر به واغنگتن مخابره کرده بودم عملی کرده و با ایوزیسیون و نیروهای مسلح وارد مذاکره شده و به آنها کمک کنم تا به توافقی برسیم که مانع تجزیه نیروهای مسلح گردد. در مقابل این تلگرام هیچ پاسخی که مرا از علم منع کند نرسید. معذالک دو روز بعد با کمال تعجب شنیدم که ایالات متحده مجدداً حمایت خود را از شاه اعلام دادند.

روز بعد که شاه را دیدم در مورد بیماری از هاری یا او صحبت کردم. شاه بیشتر در مورد جان‌نشین از هاری حرف می‌زد. تا آن زمان شاه در زمینه مذاکره با افران گوناگون ایوزیسیون تا اندازه‌ای تن به مصالحه داده بوده اما هنوز کسی را برای بست نخست‌وزیری انتخاب نکرده بود. او در مورد یک یا دو نفر که ممکن بود مایل باشند این بست را بپذیرند صحبت کرد. یکی از این افراد بختیار بود. بختیار تحصیل کرده فرانسه و باتوقی - کلوب فرانسویهای تهران بود. ما گاهی با بختیار در تماس بودیم. او فاقد پایه توده‌ای بود و قابلیت او بعنوان یک رهبر سیاسی تقریباً هیچ بود. شاه نقاط ضعف بختیار را برایم بازگو کرد و گسفت او "یکی از آن کرم‌ها" است که همیشه بهنگام مشکلات از لای چوب بیرون می‌آیند. چند روز بعد شاه بمن گفت که بختیار وظیفه تشکیل کابینه را پذیرفته است و شاه آماده است او را بعنوان نخست‌وزیر منصوب کند.

ما موریت تئودور الیوت (از فصل ۲۱ کتاب)

۱- از آنجا که هیچ بستوری مبنی بر - مخالفت با طرح مذاکره بین رهبران ایوزیسیون و رهبران نظامی بمنظور جلوگیری از برخورد انقلاب و نیروهای مسلح بمن نرسیده از طریق سفارت یک سری - فعالیت را در دستور کار قرار دادیم. در مذاکره با واغنگتن توصیه کردم که مجموعه فعالیت‌های مشابهی نیز در پاریس با همکاران آیت‌اله خمینی شروع شود.

۲- میدانستم که این فعالیت‌ها از چشم سرویس‌های جاسوسی ایران مخفی نخواهد

منه‌بی معتقد بودند که لازم است به توافقی هائی برسند. افسران نظامی دریافتی بودند که روحیه سربازان به حدی تحلیل رفته است که بسیاری از آنها دیگر قابل اتکا نیستند. آنها ضمناً میدانستند که بسیاری از تظاهرکنندگان فرزندان برادران نظامیان هستند. گرچه واحدهای نظامی مرتباً از شهری به شهر دیگر در حرکت بودند تا مشکل خویشاوندی بین قوای نظامی و تظاهرکنندگان در بین نباشد، ولی تخمین فرماندهان نظامی و عقیده مشاوران نظامی ما که همراه نیروهای ایرانی بودند بر این بود که وضعیت بسیار متشنج است.

... به نظرم رهبری مذهبی از جمله خود خمینی با این طرح موافقت می‌کردند زیرا اهداف اصلی آنها را که شامل حذف شاه، جلوگیری از خونریزی و حفظ ارتش برای استقرار نظم به نفع رژیمشان بود، در بر می‌گرفت. این طرح از نقطه نظر ما هم رضایت بخش بود زیرا مانع هر نوع هرج و مرج شده و یکپارچگی ایران را تأمین کرده، استقرار رهبری تندرو را غیرممکن ساخته و تسلط شوروی بر خلیج فارس را عمیقاً مسدود می‌کرد.

۱- در پاسخ به پیشنهاد ما در مورد تماس (با آیت‌اله خمینی) در پاریس، وزارت خارجه به سفارت ما در پاریس دستور داد که ما موری را برای ملاقات با ابراهیم - یزدی مشخص کند. این ما موریت به رئیس بخش سیاسی سفارت آمریکا در پاریس، وارن زیمرمن سپرده شد. زیمرمن که بسیار حرفه‌ای بود و دستورات را بخوبی انجام میداد دو یا سه بار در یک رستوران کوچک در نزدیکی اقامتگاه آیت‌اله خمینی با یزدی ملاقات کرد. از آنجا که دستوراتی که به زیمرمن داده شده بود بسیار محدود بود و از آنجا که او با شرایط داخلی ایران آشنائی نداشت، این ملاقاتها چندان ثمر بخش نبود. در هر حال ماهیت کلی این مذاکرات منعکس کننده همان نقطه نظرهای بود که ما در تهران بدان دست‌یافته بودیم. همکاران آیت‌اله عمیقاً در مورد چشم‌انداز برخورد با ارتش نگران بوده و مایل بودند از این برخورد جلوگیری بعمل آید. از آنجا که آنها فاقد سلاح بودند و بویژه اینکه

مانده از این رو برای احتیاط موضوع را با هوشنگ انصاری که یکی از نزدیکان شاه و رئیس شرکت ملی نفت ایران بود در میان گذاختم. به او متذکر عدم کسه مقامات ایرانی بایستی این فعالیت‌ها را امری عادی جهت حفظ منافع ملی آمریکا در نظر بگیرند. روز بعد بمن تلفن کرد و گفت موضوع را با شاه در میان گذاخته است و گفت شاه هم مسئله را درک می‌کند. در ضمن شاه به او گفته بود که بمن همدار بدهد که ما مثل انگلیسی‌ها که در سال ۱۹۰۶ بعنوان پشتیبان روحانیت و حامیان قیام مشروطیت عمل کردند هرگز مسائل نشویم. به انصاری گفتم متوجه مطلب هستم و مطلب را بحال خودش می‌گذارم. در تمام گفتگوهای بعدی با شاه، او هرگز در مورد فعالیت‌های ما اظهار نگرانی نکرد و حتی در اواخر دوره حکومتش با کنجکاوئی از من می‌پرسید که "از دوستانتان، ملاها چه خبر؟"

۳- برداشتهای اولیه ما مبین این بود که رهبران نظامی، نهضت آزادی و رهبران -



توطئه آمریکا ... بقیه از صفحه ۴۸

طریق نیروهای مترقی و نشریات ضد امپریالیستی نظیر مجله "ضد جاسوسی" - Counter Spy بلکه بطور براه کننده و غیرمستقیم در مطبوعات امپریالیستی نیز انعکاس یافت تا جائیکه حتی مجله نیوزویک Newsweek نیز برده از بخشی از توطئه‌های دولت ریگان بر علیه نیکاراگوئه برداشته و اشاره میکند که سازمان نهاده فعلی عملیات خرابکارانه در مرزهای نیکاراگوئه سفیر آمریکا در هندوراس (کشور مجاور نیکاراگوئه) جان نگروبا نته میباشد. علاوه حدود ۵۰ تن از کارمندان تمام وقت سفارت آمریکا در هندوراس که یا سمت رسمی دارند یا از بیوشش‌های رسمی استفاده میکنند در اجرای عملیات دخالت دارند. البته مدت‌هاست که بین آمریکا و ارتش هندوراس در مناطق مرزی نیکاراگوئه مانورهای مشترک نظامی صورت میگیرد و تا بحال در چند مورد مزدوران و تروریست‌های ضد انقلابی که توسط آمریکا و ارتش هندوراس تجهیز و سازماندهی شده‌اند به مناطق حساس کشور نیکاراگوئه حمله کرده و تلفات جانی و مالی فراوانی ببار آورده‌اند. بعنوان مثال در ماه جولای گذشته تأسیسات نفتی ماناگوا در نقطه کلیدی نیکاراگوئه واقع در ساحل باسیفیک توسط دو جت جنگی هندوراس بمباران شد. تا کنون ۲۵ میلیون دلار صرف مخارج نظامی مربوط به طرح‌های پنهانی دولت ریگان علیه نیکاراگوئه شده است. بر طبق گزارشات مختلف، می‌باید صرف مبالغی هنگفت جهت تربیت افراد گارد ملی سابق و در اختیار گذاشتن تسلیحات بسرای آنها جهت تدارک یک حمله نظامی خود را آماده میکنند. همچنین نمایندگان از هندوراس، شیلی، کلمبیا، ونزوئلا و آرژانتین برای برآوردن این طرح در نظر گرفته شده‌اند. بنا به گزارش روزنامه آمریکائی "میامی هرالد" دولت ریگان حداقل یک میلیون و پانصد هزار دلار در اختیار تبعیدیهایی نیکاراگوئه‌ای قرار داده و دست کم ۱۲۵

کارمند سازمان جاسوسی CIA در کشور هندوراس در عملیات مخفیانه برای سرنگون کردن حکومت نیکاراگوئه شرکت دارند. به کمک دولت ریگان تبعیدیهایی نیکاراگوئه از طریق اداره گمرک شهر میامی (آمریکا) اسلحه قاچاق، خارج و برای اجاره خانه‌های امن و پناهگاه در هندوراس از مشخصات یک شرکت تقلبی جوب بری استفاده می‌کنند. این عوامل آمریکائی که "کنترا" خوانده میشوند، گاه تا ۱۷ اردوگاه در اختیار داشتند و دو هواپیما کوچک مجهز به دستگاه موشک انداز نیز خریداری کرده‌اند.



تمام این طرح‌های پنهان و آشکار از طرف آمریکا و حکومت‌های دست‌نشانده در آمریکا و لاتین برای به شکست کشیدن انقلاب نیکاراگوئه، که الگوی خوبی برای سایر خلقهای منطقه است میباشد. یک مقام رسمی آمریکا گفت "یا بایستی تن به قبول یک رژیم مارکسیست - لیننیستی در نیکاراگوئه بدهیم و یا اینکه در جهت سرنگونی این دولت حرکت کنیم". میزان خرابکاریها و تهدیدات و حملات تروریستی ارتجاع وابسته به امپریالیسم علیه نیکاراگوئه تا بحدی است که از دو ماه پیش نیکاراگوئه مجبور شده است در پنج ناحیه از شمال کشور که با هندوراس همجوار است اعلام آمادگی نماید. عمده عملیات خرابکارانه و حملات تروریستی در روستاهای مرزی و علیه دهقانان

و مزارع صورت میگیرد. ضد انقلاب‌های کرده است قبایل سرخپوست ماسکیتو را علیه دولت مرکزی نیکاراگوئه تحریک و بسیج نماید و با حملات بی دریغی به این نواحی بخشی از سرخپوست‌ها را بخود ملحق کند. دولت نیکاراگوئه برای خنثی کردن این توطئه‌ها و مصون نگذاشتن روستائیان این نواحی از حملات ضد انقلاب مجبوری شده است که روستاهای مرزی را تخلیه و ساکنان آنها را به نواحی دیگری انتقال دهد. البته امپریالیستها در بلندگوهایی تبلیغاتی خود به این عمل دولت نیکاراگوئه بعنوان ستمی بر علیه اقلیت‌های قومی حمله کرده و به عوامفریبی‌های مذبح‌نمای برداشته‌اند. اواسط دسامبر گذشته طی یکی از این عملیات مربوط به انتقال روستائیان مرزی به مناطق مرکزی کشور بود که در اثر خرابکاریهای سیا، هلی کوپتری که حامل تعداد زیادی کودک روستائی بود سقوط کرد و در نتیجه آن ۷۵ کودک بطرز فجیعی به هلاکت رسیدند. هلی کوپتر دیگری نیز که برای کمک به آسیب دیدگان نشتافته بود هدف آتشبارهای ضد انقلابیون واقع شد.

بدینال این جنایات نجیب امبریالیسم و فاجعه گفتار کودکان، دولت نیکاراگوئه اعلام سه روز عزای ملی کرد. مردم نیکاراگوئه بخصوص زنان و مادران نیکاراگوئه‌ای طی تظاهراتی با شرکت بیش از ۵۰ هزار نفر در ماناگوا (کل جمعیت نیکاراگوئه ۴ میلیون نفر است) خشم و نفرت شدید خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا و نیروهای ضد انقلابی وابسته به آن ابراز کرده برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم اعلام آمادگی تا پای جان نمودند.

دولت نیکاراگوئه خطر حمله نظامی همه جانبه ضد انقلاب منطقه به رهبری آمریکا را به خاک نیکاراگوئه جدی اعلام کرده و خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده کشورهای غیر متعهد برای رسیدگی به طرح‌ها و



نقد فیلم :

یُل - تدوینگر دیوانه‌ها

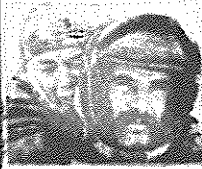


Winner Best Film
1982 Cannes
Film Festival

The Official Swiss Entry
For Academy Award
As Best Foreign Film

One Of The Year's
10 Best Films
NATIONAL BOARD OF REVIEW
Los Angeles Times
William Wolf, SYNDICATED COLUMNIST
The New York Times VILLAGE VOICE

Golden Globe
Award Nomination
Best Foreign Film



YOL

YOL (راه) از آن دسته فیلم‌های سی‌ما است که هنر سینما را با تمام قدرت و از تمام جوانب بکار گرفته است تا زندگی توده‌ها و ستمکاران را در محیط سیاسی و اجتماعی آنها به نمایش درآورد. این فیلم که شهرت جهانی کسب کرده است برخلاف معمول محصولات سینمای غرب نبوده ساخته و پرداخته هنرمندان ترک و خاصه کارگردان مترقی ترکیه Yilmaz Guney (یلماز گونی) میباشد. سینمای مترقی غرب عمدتاً با کارگردانان روشنفکر اروپائی نظیر گوستا گوراس و برتولچی معرفی شده است و بندرت فیلمی به اصالت و زیبایی فیلم یُل از سینمای کشورها تحت سلطه بیرون آمده که توجه و تحسین جهانیان را نیز جلب کرده باشد، بطوریکه جایزه نخل طلائی ۱۹۸۲ نستیموال کان مشترکاً به فیلم یُل و فیلم Missing گوستا گوراس تعلق گرفت و در آمریکا نیز فیلم یُل به عنوان بهترین فیلم خارجی سال معرفی شده است.

یلماز گونی کارگردان و نویسنده فیلم یُل، خود هنرپیشه‌ای برجسته، فیلمساز معتبر در سطح بین‌المللی و نویسنده زبردستی است اما رژیم نظامی ترکیه مانند سایر رژیم‌های ضد مردمی و وابسته آثار او را تحت عنوان "تبلیغات کمونیستی" تحت پیگرد قرار داده و نمایش فیلم‌هایش اکثراً ممنوع است. گونی در دوره حکومت‌های مختلف ترکیه بارها به زندان افتاده است و از ۱۹۷۴ بی‌عبد به اتهام قتل یک قاضی دست‌راستی به ۲۶ سال حبس محکوم می‌شود. اما در اکتبر ۱۹۸۱ وقتی به او اجازه داده می‌شود بمناسبت عید قربان از زندان مرخصی بگیرد از فرصت استفاده کرده از چند رژیم به یونان می‌گریزد و در حال حاضر در تلاش گرفتن بناهندگی

یُل یک فیلم سیاسی با قالب و مفهوم متداول آن نیست. سرتاسر فیلم از شماره‌ها، لفاظی‌ها، نماهای سمبلیک و تجریدی و زست‌های انقلابی‌گرایانه سطحی و روشنفکرانه بدور است و سیاست را در لابلای زندگی روزمره مردم آمیخته در زره زره دردها و رنج‌ها و فشارها، عادات و افکار و سنن ستمبار فرهنگی و اجتماعی به نمایش می‌کند. کارگردان فیلم ابتدا بیننده را به درون فضای یک زندان دولتی میکشاند. نماهای کوتاه ولی بسیار گویائی از محیط زندان، چهره‌ها، احساسات و آرزوها و روحیات زندانیان را با مهارت به تصویر می‌کشد. کاراکترهای فیلم زندانی سیاسی به مفهوم متداول کلمه نیستند اما تا ما اگر فیلم غیر مستقیم فرا می‌گیرد که هر نوع زندان و زندانی در چنین رژیم‌ها بی ارتباط با سیاست است و اساساً کل جامعه یک زندان است. دوربین پنج کاراکتر مختلف را از بین زندانیان نشان می‌کند. وقتی به هر یک از آنها یک هفته مرخصی از زندان تعلق می‌گیرد، دوربین عکس العمل‌های متفاوت و درجات مختلف اشتیاق و بی‌تابی این پنج نفر را برای استفاده از هفت روز "آزادی" تعقیب می‌کند.

بقیه در صفحه ۱۲

سیاسی از دولت‌سوئیس است. بخشی از داستان یُل بی‌شبهت به زندگی و فرار خود او از زندان نیست. او در واقع داستان فیلم را در زندان نوشته است. گونی خود از دل یکی از روستاهای کرستان ترکیه و از خانواده‌ای کشاورز برخاسته است و از کودکی شاهد بوده است که کرنا را رسماً "ترک‌های کوهستانی" می‌نامند و اساساً قائل به وجود مسئله‌ای بنام خلق کردن نیستند و صحبت از "خلق کرد" حرکتی خرابکارانه و خائنانک محسوب می‌شود بنا بر این گونی با تمام وجود و گوشت و پوست خود ستم ملی را تجربه و درک کرده است و بدلیل نیست که یکی از موفق‌ترین و باشکوه‌ترین قسمت‌های فیلم او مربوط به کرستان و مبارزات خلق کرد در ترکیه میباشد.

آنچه که فیلم یُل به نمایش می‌گذارد مخصوص جامعه ترکیه نیست بلکه (چنانکه خود کارگردان در ابتدای فیلم متذکر می‌شود) گونه‌ای از زندگی روزمره مردم محروم در کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و ... میباشد. یُل فقط به نمایش و افشای زندان سیاسی حکومتگران نظامی ترکیه نمی‌پردازد بلکه به طرز استادانه و بی‌نظیری زندان بزرگتری را که کل جامعه را دربر گرفته، به تصویر می‌کشد.

یل ...

بقیه از صفحه ۱۱

پس از بیرون آمدن زندانیان از بیست حصارهای زندان رسمی، زندان بزرگتر در هر صحنه از فیلم به نمایش گذاشته میشود. دیکتاتورهای نظامی بر روی تمامی آنها و اجزای جامعه سایه افکنده است و احساس خفقان موجود در هر گوشه جامعه، با طرافت تمام به بیننده منتقل میشود. نحوه گذران این یک هفته "آزادی" در مورد هر یک از کاراکترها، داستان فیلم یل را تشکیل میدهد. گویی بتدریج بیننده را با زوایای باریک و نهفته فرهنگ مردم آشنا میسازد و تاریک‌ترین گوشه‌های زندان افکار و عقاید و سنن ارتجاعی را برملا میسازد. زندان نامرئی که چون تار عنکبوت بر تمام حرکات، اراده و رفتار اجتماعی مردم تنیده شده است، گویی ضمن تعقیب مسیری که هر یک از کاراکترها طی میکنند و حوادثی که با آن روبرو میشوند، خصوصیات فرهنگی و اجتماعی اقشار مختلف طبقات پائین جامعه را به نمایش درمیآورد. یکی از زندانیان یک جوان محروم، بیسواد و ساده روستائی را با تمام عواطف خام و معصومش، بلور کاملاً طبیعی مجسم میسازد. او کسه مشتاق تر و بی تاب تر از همه برای آزادی و گرفتن مرخصی است. همراه با قفس قناری و تنها مونس دوران زندانش به دیدار عروس هجران کشیده اش میشتابد اما در همان اولین مرحله ورود به زندان بزرگتر به دلیل گم کردن جواز مرخصی اش دوباره در چهار دیوار زندان ارتش به انتظار مرخصی دقیقه شماری میکند.

زندانی دوم یک خرده بورژوازی مدرن و متوسط شهری را نمایندگی میکند. در خلال نماهایی از زندگی خانوادگی او، نحوه غذا خوردن، نوع لباس و نحوه آشناسی و نامزدیش و نوع تفریحات، مثلاً موسیقی که گوش میکند و فاحشه خانه‌ای که می‌رود و...

مظالم مختلف فرهنگ منطبق وارداتی این قبیل جوامع که خود تقلید ناشیانه‌ای از فرهنگ بورژوازی است به چشم می‌خورد. در عین حال کمترین این فرهنگ وارداتی با فرهنگ دیرین فتودالی بطرز جالبی دوگانگی فرهنگی موجود در جوامع تحت‌سلطه را به نمایش درمیآورد. بی تعقیب مسیر دو زندانی دیگر، - جسدال عواطف و تمایلات و نیازهای انسانی با زندان افکار و سنن ارتجاعی بطرز بی نظیر و هنرمندانه‌ای به نمایش درآمده است. و بالاخره زندانی پنجم یک جوان کرد روستائی را مجسم میکند که پس از سالها بازگشت به روستای خود بسا حلاوت و صبیخون‌های مداوم نظامیان علییه چریک‌های کرد مواجه میشود و پس از مشاهده زندگی زجرآور و ستم حاکم بر مردمش به جای بازگشت به زندان به جنبش خلق کرد کرد می‌پیوندد.

همچنانکه گویی خود می‌گوید، فیلم یل درباره "مرمها" است که میتوانند با شما مت‌باشند و قهرمانانیکه میتوانند قیام کنند، اما در عین حال نسبت به زنان برخوردار بسیار ارتجاعی داشته باشند.

زنان در زندان سنن

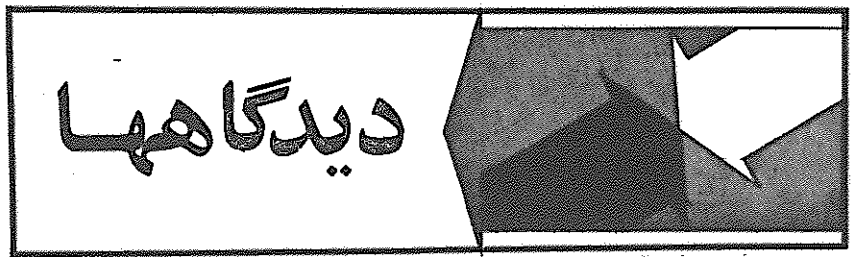
از تم‌های اصلی آن فرهنگی که گویی به مثابه یک زندان به تصویر میکشد، شوونیسیم جنسی (پدرسالاری) و شوونیسیم ملی و تعصبات منهبی و ارزش‌ها و سنن فتودالی است. شکنجه بارتترین و تدرک‌ترین حصارهای این زندان از آن زنان محروم جامعه است. اکثر صحنه‌های فیلم و در مورد تمام کاراکترها نمودارهایی هرچند کوتس‌اه از اقشار مختلف زنان و ستم‌کیدیگی آنها ارائه میشود و بنا براینکه هر کدام از زنان - متعلق به چه قشری باشند شکل و میزان ستم‌کیدیگی تفاوت میکند. فیلم نشان میدهد که زن خرده بورژوازی متوسط شهری که بقول معروف تنش به تن فرنگی‌ها خرده بالنسبه

از "آزادیهای" برخوردار است و مثلاً در انتخاب همسرش خود فعالانه دخالت میکند. اما در عین حال در صحنه‌های مربوط به "گرفتن زن با نامزدش در حالیکه دوزن چادر بسر از خانواده دختره لحظه به لحظه در حال تعقیب و کنترل آنها هستند، و صحبت‌ها و قرار و مدارهایی که در مورد زندگی مشترک آینده تماماً از طرف مرد دیکته میشود و زن اطاعت میکند، و بدنبال آن در صحنه مربوط به همان مرد که بر چیران محدودیت موجود در روابط خود با نامزدش به فاحشه خانه می‌رود و... - محدودیت‌ها و سلطه مردسالاری بر این قشر از زنان نیز به طرز طنزگونه‌ای به نمایش درمیآید. در مورد سایر موارد مربوط به ستم‌کیدیگی زن، نماهای صریح تر و مشخص تری ارائه میشود از جمله در مورد زنان محبوس در زندان فاحشه خانه‌ای زن که به دلیل تعصبات و کینه جوئی‌های پدر و برادرانش از دیدار همسر و پدر فرزندان محروم میشود و پس از پیوستن مخفیانه به همسر مورد علاقه‌اش، توسط برادر خود بسا گلوله‌ای به قتل میرسد و نماهایی از فقر و محرومیت و ستم‌کیدیگی زنان کرده و - بالاخره صحنه‌های مربوط به ماجرای زنی که به خاطر یکبار مبادرت به عملی که برای مردان همان جامعه قاعده‌ای است قابل تحمل یعنی بیوفائی به همسر، همانند حیوانی به مدت هشت ماه توسط پدرش در طویله به غل و زنجیر کشیده میشود. فقط با دادن نان و آب این زن را آنقدر زنده نگاه میدارند تا شوهرش از زندان بازگشته و خود بتواند طبق سنتن زن بیوفایش را با دست خود به کیفر رسانده و بکشد.

نمایش ستم‌کیدیگی زن از تم‌های قوی و مشخص بارز فیلم یل است که بندرت میتوان در فیلم‌های سینمای خاورمیانه و کشورهای مسلمان نشین مشاهده نمود.



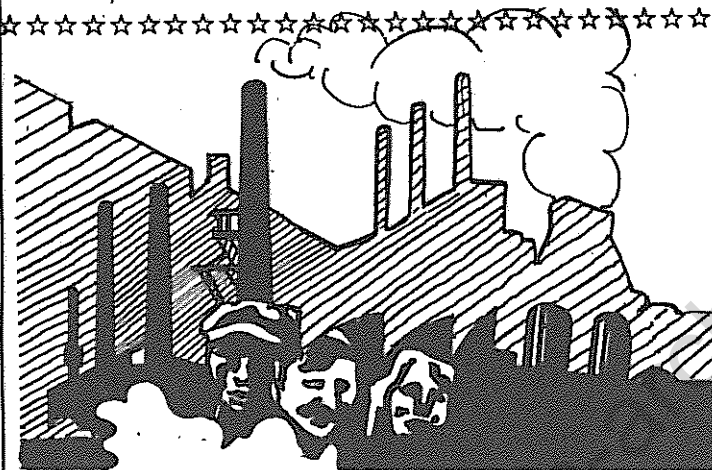
بمنظور پیشبرد آرم مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.



آنتونیو گرامشی تجربه شوراهای کارخانه ایتالیا

معرفی آنتونیو گرامشی (۱۸۹۱-۱۹۳۷)

آنتونیو گرامشی در سال ۱۸۹۱ در ایتالیا متولد شد. او یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایتالیا بود. در خلال سالهای ۲۰ (۱۹۱۹) او بعنوان هدایت کننده اصلی جنبش شوراهای کارخانه در شهر تورین ایتالیا و ادیتور روزنامه "وردین فوا" و "ایتالیا ما" و در مذاکرات کمینترن و تعیین سیاست‌های آن شرکت داشت. آنتونیو گرامشی در سال ۱۹۲۶ دستگیر و زندانی شد که تمام عمرش را در زندان گذراند. کتاب "میانداخت‌های زندان" حاصل کارهای تئوریک او در زندان است. او برخلاف لنین به نقض آگاه‌گری عناصر خارج از کارگران بهائی تمینا د.



مراکز صنعتی و نارضایتی عمومی شاهد پیشرفت شوراهای کارخانه را بنحویکه در نوشته‌های آنتونیو گرامشی آینه‌ی شده است در ارتباط با برائت آنها در ایتالیا مورد بررسی قرار دهیم. ضرورت دارد که به پیرویه تشکیل و عملکرد شوراهای در جمهوری شوراهای نیز بطور جداگانه بررسی شود. این مقاله به هیچ وجه در حد و برد بررسی عمه جانبی و جبهه تئوریک فلسفه گرامشی نبوده و به مقایسه نظری وی فقط تا حدی که بتواند به درک مسئله اصلی یعنی تئوری و عملکرد شورای کارخانه در ایتالیا کمک کند اشاره می‌گردد.

السف: "زمینه" تاریخی. پایان جنگ جهانی اول و از هم گسیختگی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی ناشی از آن. بحران پرده‌های را به همراه آورد که در نهایت به بقدرت رسیدن موسولینی و فاشیست‌ها در ایتالیا در پایان سال ۱۹۲۲ منتهی شد. در فاصله این سالهای بحرانی دو سال ۱۹۲۰ و ۱۹۱۹ سالهای سرخی بودند که از دیدگاه جنبش کارگری ایتالیا می‌توانستند نوید بخش پیروزی یک انقلاب سوسیالیستی در ایتالیا باشند. عضویت در اتحادیه‌های کارگری از ۲۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۱۸ به ۲ میلیون نفر در سال ۱۹۲۰ افزایش یافته بود و مبارزه بین کارگران و کارفرمایان در تمامی بخش‌های صنعتی ایتالیا به نقطه اوج خود رسیده بود. در عین حال دهقانان و کارگران بدون زمین روستایی نیز شروع به سازماندهی سیاسی خود کرده خواهان

اصلاحات ارضی بودند. موجی از اعتصابات پایه‌های اقتصادی جامعه ایتالیا را پلرزه در آورده و رنگ خطرناک برای کارخانه داران و طبقات متوسط بوده آنها را به سوی اتحاد با موسولینی و جنبش فاشیستی که در سال ۱۹۲۰ و ۲۲ به قدرت رسیده بود سوق میداد. سیستم لیبرال پارلمانی نیز قادر به مقابله با بحران نبود و بنظر می‌رسید که کشاکش و فروپاشی اوضاع موقعیت را برای انقلاب هر چه مهیا تر می‌سازد.

در این میان شهر تورین (torino) یکی از صنعتی‌ترین شهرهای شمال ایتالیا بشمار میرفت که تعداد کارگرانش در بخش اتومبیل سازی (اتومبیل فیات) در زمان جنگ بنحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود. در این شهر صنعتی از یکسو از اواخر سالهای ۱۹۱۷ تظاهرات وسیع ضد جنگ و اعتراضات قهرآمیز بر علیه کسب و کار مواد غذایی منجر به دستگیری معترضین و نیز ترسیت کارهای رهبری بسیاری در جنبش کارگری گردید. و از سوی دیگر بدلیل وجود اتحادیه‌های کارگری قدرتمند و کمیته‌های کارگری که سابقه شان به سالهای پیش از جنگ بازمی‌گشت مبارزات کارگری با قوت جریان داشت.

در چنین زمینه‌ای ایده سازماندهی شورای کارخانه در شهر تورین در سلسله مقالاتی که در نشریه "مظم نو" (L'Ordine Nuovo) منتشر میشد توسط گرامشی فرمولبندی شد (۲۱-۱۹۱۹). از دیدگاه گرامشی شورای کارخانه مدل یک دولت پروتاری در بطن جامعه سرمایه‌داری بشمار میرفت. چندان شگفت آور نبود که در تابستان و پاییز ۱۹۱۹ یعنی در اوج ناآرامی در



پیشبرد يك پروسه انقلابی طولانی به شكلی كهنه گرامشی در نظر داشت باقی نگذاشته بودند. در چنین شرایطی یعنی شرایطی که برای انقلاب کمونیستی به هیچوجه قادر به کنترل و تأیید نبوده و امکان وقوع انقلاب را نیز باورند اشتند^۱ و ایسن در حالی بود که از زمان انقلابی بسیار مد میکرفتنند. در چنین شرایطی کارخانه اران به سرعت خود را در گفد راسیونهای صنعتی متشکل ساخته و برای مقابله با جنبش کارگری و جلب حمایت حکومت خود را مهیا می ساختند. بطوریکه در بهار ۱۹۴۰ کارخانه اران تورین از برصیت شناختن شوراهای کارخانه خود داری کردند که این خود منجر به اعتصابات کارگران شد و حکومت برای مقابله با آنان نیروی بسیاری به تورین اعزام داشت. شکست اعتصابات کارگری تورین در آوریل ۱۹۴۰ با اشغال کارخانهها توسط کارگران در نقاط صنعتی در سیتامبر دنبال شد در بخشهایی از جنوب ایتالیا نیز دهقانان بی زمین زمین ها را با شغال خود در آوردند. پس از طی سه هفته که هر آن انتظار وقوع انقلاب میرفت و بدنحال کاهش قابل ملاحظه ارزش لیره در مبادلات بین المللی بالاخره بین کارخانه اران و اتحادیه های کارگری سازش برقرار گردید. سازشی که حکومت نقش اصلی را در آن ایفا نمود. در واقع اشغال کارخانهها که در تئوری گرامشی می بایست نقطه فراز يك موج انقلابی باشد به قدرتی گیری مجدد اتحادیه های کارگری رفرمیستی منجر شد. اشغال کارخانهها و قدرت شوراهای کارخانه منجر به قدرتی گرفتن کارگران نشد. از دیدگاه گرامشی سال ۱۹۴۰ در واقع با حصیت و یا سخته یافتن چرا که کارخانه اران تورین جنبش شورای کارخانه را شکستند. بیش از آنکه به دلایل جنبش شکست و محدودیت های تئوری شورای کارخانه گرامشی ببرد ازیم به فرمولبندی وی درباره "ویژگیها و فونکسیون شورای کارخانه اشاره می کنیم.

ب: ویژگیها و وظائف شورای کارخانه در تئوری گرامشی: ایده شورای کارخانه گرامشی عواره دوگانگی بین شوراهای بعنوان يك پروسه طولانی برای آموزش و کسب اتحاد کارگران بمنظور قدرتی گیری را از یکسو و شوراهای بعنوان ابزار عمل فوری و مستقیم انقلابی را شمعکس میبازند. در عر حال از دیدگاه گرامشی دولت سوسیالیستی از قبل بالقوه در نهاد های اجتماعی ویژه طبقه کارگر استثمار شده وجود دارد.^۲ از اینرو گرامشی شورای کارخانه را مدلی از دولت پرولتری توصیف میکند که کارگران را در تصمیم گیریها شرکت داده و از بوروکراسی مستقر در جنبش اتحادیه های کارگری جلوگیری مینماید. از دیدگاه گرامشی این سازمان جدید همچنان که رشد و گسترش می یابد باید خود را با وظایفی که بشکل سلسله مراتبی سازمان می یابند آشنا ساخته و به چهار جوب يك دولت سوسیالیستی و ابزار دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه تولید صنعتی مجهز شود.^۳

گرامشی شورای کارخانه را نفی قانونیت صنعتی می شمرد. از دیدگاه وی شوراهای طبقه کارگر را بصوی کسب قدرتی صنعتی رهنمون ساخته و در واقع او را به منیع قدرتی صنعتی بدل میسازند. حال آنکه اتحادیه

کارگری نماینده قانونیت بوده و هدف آنستکه اعضایش را به احترام به چنین قانونیتی وادارد.^۴ گرامشی در نظر داشت که نهادهایی مشابه سوسیتهای روسیه ایجاد نماید (در استراتژی بلشویکیها سوسیتهای ساختهای قدرت درگاه در اوج انقلاب در سال ۱۹۱۷ بشمار میرفتند). در فاصله سالهای ۱۹۱۹-۲۱ گرامشی در مقالاتش درباره شورای کارخانه بیشترین تأکید را به اصل کنترل در تولید می گذشت. در واقع شوراهای نهادهایی بودند که از دل کسبونهای داخلی سنتی (Internal Councils) که نهاد های انتخابی اتحادیه های کارگری بشمار میرفتند تکامل یافته بودند. ^۱ در فرمولبندی گرامشی چنین فرض میشد که تمامی کارگران در يك کارخانه به عضویت شورای کارخانه در خواهند آمد. از سوی دیگر فرضیه اصلی تئوری گرامشی درباره شورای کارخانه نه بر قبضه قدرت بلکه بر يك پروسه تکامل انقلابی استوار بود که در مبارزات جاری کارگران ریشه داشته و به ایجاد يك "شبكة کیفیتا" حدید " نهاد های پرولتاریایی" منجر خواهد شد.^۲ بنابر نوشته های گرامشی وجود شوراهای کارگران مسئولیت مستقیم برای تولید را عرضه کرده آنان را بصوی پیشبرد کار و ایجاد يك دیسیپلین آگاهانه و داوطلبانه هدایت مینماید.^۳

با بر تحلیل کارل بکره گرامشی با مددگیری از برخی اندیشه های آنارکو سندیالیستی بر این عقیده بود که يك سوسیالیسم اصولی باید دو انقلاب را در بر بگیرد. يك انقلاب برای نابودی دولت بورژوازی و دیگری برای تغییر اقتصاد سرمایه داری. گرامشی این دو را بدون پیوند و جدا از هم فرض میکرد و معتقد بود که در این انقلاب دوم است که در چهار جوب کارخانه هسته يك دولت جدید گزاره میشود. ساختمان سوسیالیستی (یعنی شوراهای واسطه ای خواهند بود که از طریق آنها حمایت هستی پرولتاریایی، اقتصاد پرولتاریایی، سیاست فرهنگ و روابط اجتماعی و آگاهی عمومی پرولتاریا بتدریج تغییر و تکامل خواهد یافت.^۴

حفظ کرده و ۳) در پروسه تکامل خود می بایست دولت سوسیالیستی آینده را که از قبل بصورت بالقوه در نهاد های زندگی اجتماعی ویژه طبقه کارگر وجود دارند بی ریزی نمایند.^۱ ما نیز بر آنیم که سه ویژگی فوق از مهمترین امتیازات شوراهای بنام میرونده ولی کارگر آنسها را نمی توان ارزیابی کرد مگر بر زمینه دیدگاه گرامشی درباره رابطه حزب طبقه کارگر و شوراهای استراتژی و تاکتیک انقلاب و نیز ارتباط بین جنبش کارگری و جنبش توده ای.

ج- محدودیت های تئوری شورای کارخانه گرامشی: پس از شکست تجربه شوراهای در شهر تورین گرامشی خود در نوشته های "یادداشت های زندان" (۱۹۲۹) به بررسی مجدد این تئوری پرداخت. یکی از مهمترین اشکالات فرمولبندی گرامشی از شوراهای کارخانه آن بود که بدام نوعی "تولید گرائی" (Productionism) افتاده بود. یعنی تعمیم سیستم تولیدی کارخانه های سرمایه داری بعنوان اساس و پایه يك دولت جدید پرولتری. گرامشی ساخت و ضمون تکامل سرمایه داری را در نظر نگرفته تنها به این اصل بسنده مینمود که طبقه کارگر باید این ساخت را کنترل و در آن شرکت نماید. این خود منجر به بدی زیش بدون قید و شرط "مدیریت طبقی" بنحویکه در تئوری فردریک تیلور آمریکایی (تیلریسم Taylorism) درباره سازمان کار در کارخانه فرمولبندی گردیده بود شد. گرامشی بعدها خود این "تولید گرائی" که نوعی کپی برداری از تکامل جامعه سرمایه داری است را مورد انتقاد قرار داد.

در واقع عملکرد شوراهای در تورین (کارخانجات اتومبیل سازی فیات) شمعکس کننده این شکل بودند که کارگران فاقد مهارت برای مدیریت صنعتی می باشند از همه محترم متنگل اصلی عبارت بود از تلاش برای یک اندازی يك کارخانه خاصه شیوه سوسیالیستی کار جایگه اقتصاد بطور کلی و نیز دولت در تحت کنترل بورژوازی اداره میشد.

یکی از مهمترین اشکالات فرمولبندی گرامشی از شوراهای کارخانه آن بود که بدام نوعی "تولید گرائی" (Productionism) افتاده بود. یعنی تعمیم سیستم تولیدی کارخانه های سرمایه داری بعنوان اساس و پایه يك دولت جدید پرولتری گرامشی ساخت و ضمون تکامل سرمایه داری را در نظر نگرفته تنها به این اصل بسنده مینمود که طبقه کارگر باید این ساخت را کنترل و در آن شرکت نماید. این خود منجر به بدی زیش بدون قید و شرط "مدیریت علمی" بنحویکه در تئوری فردریک تیلور آمریکایی (تیلریسم Taylorism) درباره سازمان کار در کارخانه فرمولبندی گردیده بوده شد. گرامشی بعدها خود این "تولید گرائی" که نوعی کپی برداری از تکامل جامعه سرمایه داری است را مورد انتقاد قرار داد.

از سوی دیگر مقالات گرامشی درباره شورای کارخانه تأکید بسیاری بر اهمیت کنترل تولید بعنوان مقدمه و پیش شرط مبارزه برای قبضه قدرت سیاسی داشت و نه برعکس یکی دیگر از محدودیتها و دلایل بقیه در صفحه ۳۰

بطور خلاصه از نظر سیاسی شورای کارخانه در تئوری گرامشی سه هدف را دنبال میکردند. ۱) این شوراهای کارگری بوروکراتیزه شدن و ژا کوینیسیسم (Stalinism) مقابله کرده ۲) خود مختاری و هویت جنبش انقلابی را در برابر نهادهای بورژوازی



شورش در میامی

نمایشی از فقر و نژاد پرستی در آمریکا

فقر اهالی شهر Overtown و نژاد پرستی پلیس میامی باعث یک شورش سه روزه در میامی شد. ظاهراً شروع این شورش بخاطر قتل جوان سیاه‌پوست ۲۰ ساله‌ای بنام جانسون توسط پلیس نژاد پرست میامی بوده است. بدنیاال مرگ این جوان حدود ۱۰۰۰۰ نفر از سیاهان مردم تحت‌تتم شهر نسبت به شورش وسیعی زدند. چیزی شبیه به این حادثه در ماه می دو سال پیش نیز اتفاق افتاد که در آن زمان نیز پلیس مردم سیاه‌پوستی را تا حد مرگ کتک زدند و به قتل رساندند. بود که به

مغازه‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی منطقه Overtown (فلوریدا) را به غارت بردند. (این حرکت خود نشان بارزی از نیاز مردم به مواد غذایی بوده است) چند موتورسوار سفیدپوست متجاوز توسط جوانان سیاه پوست کتک خوردند و گروهی از آنان با سنگ و اسلحه به اتوموبیل‌ها در اتوبان حمله بردند.

این خشم اگرچه با جرقه مرگ جوان سیاه‌پوست شعله‌ور شد لکن بدبختی و فقر عوامی در این منطقه در طول سال‌های نژاد پرستی



دنبال آن شورش تغییر این روز شهر را به آتش کشید. در این حادثه چندین تن از اهالی همراه با چهار روزنامه نگار سیاه‌پوست و بوسیله چند مأمور و ۴ هلی‌کوپتر به رگبار آتش بسته شدند. یک مغازه دار نیز به وسیله باتوم بطرز فجیعی مضروب گردید و شخصی دیگر بوسیله سنگ‌های پلیس بشدت مجروح گشت. دو مرد سیاه‌پوست دیگر نیز از ناحیه پا و ۲۴ تن دیگر از سایر نقاط بدن زخمی شدند. مردم محل بدنیاال این فجایع بیرحمانه

عوامل اصلی شورش سیاه‌پوستان منطقه بوده است. چرا که حدود $\frac{2}{3}$ از کل جمعیت Overtown ۱۸۰۰۰ نفری منطقه ۳۰ درصد از بزرگسالان و نیمی از جوانان بیکارند.

شورش اخیر شهر میامی نه برای اولین بار و نه برای آخرین بار اتفاق افتاده است. این شورش که نتیجه مستقیم سیاست‌های نژاد پرستانه امپریالیسم است، یاد آور شورش‌های متعددی است که بارها در شهرهای بزرگ کشورهای امپریالیستی مثل

نیویورک، و واشنگتن و لندن و ... اتفاق افتاده است.

امروز زمانیکه خلق‌های تحت‌تتم برای رهائی از چنگال حکومت سرمایه و گذار به سوسیالیسم مبارزه میکنند. امپریالیست‌ها تنها در کشورهای تحت‌سلطه از طریق دیکتاتوری‌های دست‌نفاخته خود بلکه در داخل کشور خود نیز سیاست نژاد پرستانه و تبعیض علیه رنگین‌پوستان را اعمال میکنند. تنها در کشور امپریالیستی آمریکا میلیون‌ها رنگین‌پوست از سیاست نژاد پرستانه موجود رنج می‌برند. امروز که محتم جهانی سرمایه داری به بدلیل ماهیت استثمارگرایی‌اش خود، درگیر بحران عمیق اقتصادی است، بیشترین فشار به فقیرترین بخش جامعه از جمله اکثریت سیاه‌پوستان مقیم در این کشور اعمال میشود. درصد بیکاری در بین سیاهان، بخصوص زنان و نوجوانان بالاترین سطح را داراست. آیا با توجه به فشاریکه نه تنها از جنبه اقتصادی توسط سرمایه داران بلکه از لحاظ سیاسی و فرهنگی توسط پلیس فاعیست‌آنها به سیاه‌پوستان در آمریکا اعمال میشود نتایجی جز شورش‌های مقطعی برای تخلیه فشارها باقی میماند؟ تا شکل‌گیری یک سازمان طبقاتی منجم که نه تنها دربرگیرنده سیاه‌پوستان زحمتکشان بلکه کلیه زحمتکشان در اینگونه کشورهای باشد انرژی و توان سیاه‌پوستان فقیر و تحت‌فشار بصورت شورش‌های مقطعی و منطقه‌ای و عمدتاً بی‌هدف و بی‌نتیجه هدر میرود. تنها راه برای دستیابی به خواست‌های آنها ایجاد تشکیلات طبقاتی و مبارز است.

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

هواداران مجاهدین ...

بقیه از صفحه ۴۸
کاسبکارانه و تغییر سیاست هواداران سازمان مجاهدین خلق در رابطه با اتحاد عمل برای مبارزه ضد رژیم جمهوری اسلامی است. ماعین گزارش‌های مربوطه را در زیر نقل می‌کنیم.

گیسن - (آلمان)

بدنبال خبر مربوط به تصمیم اوباشان حزب الهی برای برگزاری یک تظاهرات در روز شنبه ۸۲/۱۲/۱۸ در شهر گیسن، و جمع آوری قداره بندمای خود از شهرهای دیگر سازمانها و افراد مترقی شهر گیسن تصمیم به برگزاری یک آکسیون افناگیری از جنایات رژیم در مقابل تجمع لمین‌های حزب الهی می‌گیرند. بمنظور مقابله با توطئه‌های اوباشان حزب الهی تمام نیروها و افراد مترقی دست به ایجاد یک کمیته مشترک زده تا بتوانند بنحو موثرتری توطئه‌های ارتجاع را خنثی نمایند. انجمن دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ناگهان دست به تغییر سیاست زده و از شرکت‌سازمانی در کمیته خودداری می‌کنند. در اطلاعیه مربوط به برگزاری آکسیون می‌خوانیم:

" در این لحظه نماینده انجمن دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین که تا بحال هیچگونه اظهار نظری در موارد بحث شده از طریق رفقا نکرده بود مدعی شد که این دوستان بطور سازمانی در آکسیون شرکت نمی‌کنند و فقط بصورت فردی از اهداف این تشکیلات بصورت فیزیکی در تظاهرات شرکت خواهند کرد."

در قسمت دیگری از اطلاعیه آمده است: " با برداشتی که ما از صحبت نماینده انجمن و شناخت قبلی که از حرکات این سازمان در رابطه با سایر نیروها داریم به این نتیجه رسیدیم این دوستان تصمیم دارند که از نیروی سازمانها و افراد دموکرات که هیچگونه وابستگی با نزدیکی با سازمان مجاهدین ندارند ولی حاضر به

همکاری در یک مجموعه دموکراتیک می‌باشند استفاده نموده و در روز شنبه با بالابردن عکس رجوی و یا حرکاتیکه از این دوستان مکررا در شهرهای دیگر هم دیده شده آنطور ارفکار عمومی جلوه نهند که برگزارکننده این آکسیون هستند و پرچمدار مبارزات دانشجویی خارج از کشور و از این طریق کاسبکارانه برای شورای ملی مقاومت تبلیغ نمایند. این اولین بار نیست که این دوستان با اینگونه حرکات انحسار طلبانه از همکاری با سایرین خودداری میکنند ولی بنظر ما این نوع اعمال غیر اصولی است. نتیجتا سایر نیروها تصمیم به برگزاری آکسیون بدون شرکت انجمن دانشجویان مسلمان را گرفتند.

در زیر گزارش کوتاهی از چگونگی برگزاری تظاهرات آورده می‌شود: پلیس آلمان با آگاهی، محل تظاهرات دانشجویان مترقی را در منلی دور از مرکز شهر و خلوت تعیین کرده بود که دانشجویان مترقی از آنجا تیکه قصد جلوگیری از انجام تظاهرات مرتجعین را داشتند تظاهرات را تا وسط مسیر ادامه داده و در آنجا با خواندن بیانه‌ای که محل نامناسبی جهت تظاهرات از طرف پلیس به آنها داده شده تظاهرات خود را همانجا قطع کرده و برای جلوگیری از تظاهرات تروریستهای جمهوری اسلامی و افناگری جنایات رژیم در سطح شهر شروع به پخش اعلامیه می‌نمایند. سازمان دانشجویان هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در گیسن و بهرها و اطراف همراه با دیگر نیروها و افراد مترقی با بلاک‌ها و آمادگی قبلی به محل تظاهرات فالنژها رفته ولی کسی را آنجا نمی‌یابند که این امر خود نشانه وحشت عناصر مرتجع رژیم جمهوری اسلامی از افکار عمومی و صمیمت نیروهای انقلابی و مترقی در افنا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی می‌باشد. تظاهرات نیروهای مترقی فقط از شهرهای نزدیک و در سطح منطقه‌ای برنامه

ریزی شده بود و با وجود اینکه مدت کوتاهی بود که از برگزاری تظاهرات رژیم جمهوری اسلامی باخبر شده بودند ولی بعزت نفرت عمیق آنها به رژیم و آمادگی و عکس العمل سریع افراد و سازمانهای مترقی دانشجویی در مقابله و افنا هرچه بیشتر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توانست مشت محکمی را برهان تروریستهای خمینی بکوبد و آنها را در برگزاری هرگونه تبلیغات ضد خلقی شان در مجامع عمومی مثل همیشه با شک و روبرو ساخته و بی‌آبرویی هرچه بیشتر آنها به نمایش گذاشته شود.

لوس آنجلس - (آمریکا)

بدنبال برگزاری آکسیون موفق رفیق سعید سلطانپور در هند و دستگیری تعدادی از دانشجویان مبارز در بمبئی که شرح آن در همین شماره، ویژه نامه آکسیون رفیق سعید آمده است تظاهراتی در شهر لوس آنجلس - کالیفرنیا برگزار شد. این



صحنه‌ای از تظاهرات لوس آنجلس

تظاهرات در روز سه شنبه چهاردهم سامبر ۸۲ در مقابل دفتر هواپیمائی هند و با شرکت هواداران چند نیروی سیاسی و تعداد چندی از هموطنان آگاه و متعهد ایرانی انجام گرفت. تظاهرات با خواست آزادی رفقای دستگیر شده در هند که باخطر اخراج از کشور روبرو بودند، بنا به دعوت سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و با همت سازمان‌های دانشجویی دیگر، علیرغم وقت محدود برای تدارک این





هواداران مجاهدین ...

چرا هواداران سازمان مجاهدین خلق "وین-اگریتی" حاضر به اتحاد عمل با نیروهای مترقی نیستند؟

وین-اگریتی

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همچون تمامی رژیمهای مرتجع دیگر راه نجات خود را در مقابل مبارزات رعدیابنده توده‌های زحمتکش که بر بستر مضطرب اقتصاد سیاسی در جریان است متنبها در فریب و سرکوب هرچه بیشتر با عداوت‌های دسته‌جمعی و تجاوز و ترور و به‌بند کشیدن هزاران هزار مبارز جتجو میکند. رژیم ناتوان از پاسخگویی به میرمترین خواسته‌های بحق توده‌های مردم همچون رژیم شاه با تکیه بر اوباشان باسدار و کمیته‌های ساوا و ارتش تلاش میکند تا مگر بتواند چند صیاحی به عسکر ننگین خویش بیشتر ادا کند. بر بستر همین سیاست ترور و اختناق با به‌بند کشیدن بیش از ۵۰ هزار تن از مبارزین و انقلابیون راه آزادی و استقلال میهن و اعلام ۲۰ هزار تن از بهترین فرزندان این مرزوبوم قتل عام مردم بی‌دفاع کرستان و ترکمن صحرا و ... در تلاش تثبیت پایه‌های لیزان کاخ پوسیده اش میباشد. رژیم در بی‌بستن دانشگاهها در ایران و گسترش اختناق و ترور طرح تهاجم به نیروهای مبارز و دانشجویان مترقی خارج از کشور را امروزه در دستور کار خویش قرار داده است. و از همین رو دسته‌هایی از اوباشان چاقو و تدارک‌بند را تحت پوشش کارمندان سفارتخانه‌ها و دانشجویان به خارج گسیل داده تا مگر بتوانند حرکت آزادیخواهان را در هر گوشه‌ای از جهان سرکوب کنند. عبادت ۲ تن از دانشجویان انقلابی در فیلیپین و هند توسط جانیان چاقو با همکاری توده‌های ما و اکثریتی های خائن برهم گلوگون جنبش دانشجویی را برافراشته و تصد مسوومی آنها با جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان میهن - مان مستحکمتر نموده است. پرویز ابادی رژیم به خوابگاههای دانشجویان و میتینگها و تجمعی دانشجویی در کنورهای مختلف اروپایی و آمریکا بهترین معنای لزوم هرچه فزنده‌تر کردن و نزدیکی وحدت عمل نیروهای مترقی میباشد. بر حول این مسئله مدعی حرکت نکردن هر یک از نیروهای مترقی در آکسیونهای دفاعی بر علیه چاقو تاران رژیم جهل و وابستگی بیاناگر درک نادرست آنان از مبارزه خدا میریالیستی - دموکراتیک میباشد.

جنبش دانشجویی خارج از کشور با حرکت از سنتهای مبارزاتی خود که همواره سنگر مبارزه بر علیه رژیمهای مرتجع و وابسته به امپریالیسم شاه و غمینی بوده و از همین رو از جانب هواداران سازمانهای مترقی ایرانی در شهر وین برای هر چه فزنده‌تر کردن صفوف مبارزاتی خویش علیه سیاست ترور و وحشت رژیم جمهوری اسلامی در بین دانشجویان ایرانی با هدف مقابله و غنشی کردن سایر چاقو تاران سفارت نشستی برگزار کردند و از کلیه نیروهای مترقی برای شرکت در این نشست دعوت بعمل آمده. این عمل دفاعی در مرحله اول خود که منجر به فرار چاقو تاران حزب الله از سالن نهارخوری دانشگاه شده، با موفقیت بیابان رسیده. (شرح کامل این درگیری در اعلامیه‌ای جداگانه به اطلاع مکان رسیده است.) هواداران سازمان مجاهدین خلق در وین با تحریم این اتحاد عمل و حرکت مبارزاتی در آن شرکت نکردند و حتی هیچ استدلالی در رابطه با تحریم و حرکت نکردن آنان در این حرکت دفاعی علیه چاقو تاران سفارت ابران نداده‌اند.

آنها عاملی که باعث جلوگیری از حرکت هواداران مجاهدین خلق در این برنامه دفاعی بر علیه چاقو تاران رژیم جمهوری اسلامی بوده، انصارطلبی آنان در امر مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و درک انحرافی آنان از همکاری مشترک با نیروهای مترقی از یکطرف و شناخت نادرست آنان از نیروهای ابرزیسمیون از جانب دیگر نیست؟

هواداران مجاهدین بر پایه چه اصول مبارزاتی و کدامین استدلال این برنامه عمل مشترک نیروهای هوادار سازمانهای انقلابی و دموکراتیک را تحریم کرده‌اند؟

آنها هواداران مجاهدین خلق معتقدند که افتاگری و مبارزه قاطع و بیگنبر بر علیه چاقو تاران و قداره بندگان سفارت جمهوری اسلامی که تاکنون باعث شهادت ۲ تن از مبارزین جنبش دانشجویی و مجروح شدن بسیاری از دانشجویان مترقی در کشورهای مختلف شده، حرکتی است نادرست؟ بدیده ما تحریم و حرکت نکردن در برنامه‌های مبارزاتی و همکاریهای عملی با نیروهای انقلابی و مترقی دانشجویی در مبارزه قاطع و بیگنبر بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و امپریالیسم و اوباشان و زائده‌های هواداران حرکتی در خدمت تضمین جنبش دانشجویی و مبارزه خدا میریالیستی - دموکراتیک میباشد.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
سرگبر امپریالیسم جهانی
هرگبر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران
برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خدا میریالیست

اتحاد مبارزه
هواداران حزب دمکرات کرستان ایران - اطریش

هواداران چریکهای فدایی خلق ایران

سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانشآموزان (ستاد)

انجمن مصلحین و دانشجویان ایرانی مقیم وین
هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۹۸۲/۱۲/۱۶

آکسیون با موفقیت برگزار گردید. نکته قابل توجه توافق کلیه سازمانهای دانشجویی برای شرکت در این آکسیون بود که بر خلاف همیشه بدون اتلاف وقت عملی گردید.

اما نکته قابل تاسف پیشمانیدن انجمن دانشجویان مسلمان هوادار مجاهدین خلق برای شرکت در تظاهرات علیه ارتجاع و فاسق اولیه خود برای شرکت بود. ظاهراً دوستان هوادار مجاهدین بعد از اینکه موافقت میکنند در تظاهرات شرکت کنند یا دشان می‌آید که گویا در شان "دولت" نیست که علیه یک دولت دیگر دست به اعتراض بزنند اگرچه چندی پیش پلیس فاشیست همین دولت (هند) نظاره گر شهادت دو دانشجوی انقلابی توسط قداره بندگان اعزامی رژیم جمهوری -

اسلامی بوده است. ظاهراً دوستان مجاهد ما، برایشان مهم نبود که ممکن است در صورت عدم اعتراض به دستگیری ۲۱ دانشجوی مترقی در هند، دولت هند آنها را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل دهد و به بهانه اینکه با تظاهرات علیه سیاستهای دولت ارتجاعی باعث گرایش بیشتر آن بطرف رژیم -

خمینی میشوند از شرکت در تظاهرات تفره رفتند! جالب اینکه این دوستان ما را در اینجا و آنجا مارا متهم به بی عملی نیز می‌کنند. در یک کلام دوستان مجاهد ما، امروز دیگر شیوه‌های دیپلماتیک و مراجع ازبالا را به شیوه‌های اعتراضی ترجیح میدهند. اگر این سیاست که چیزی جز رقمیسم نساب و زد و بنسد با این دولت و آن دولت ارتجاعی برای "معقول" جلوه دادن خود نیست، بخواهد ادامه یابد سرنوشت سازمان مجاهدین تاسف بارتر خواهد شد.



پاتریس لومومبا

۲۲ سال قبل در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ -

پاتریس لومومبا به نست "سیا" ترور شد. وی اولین نخست وزیر منتخب و محبوب خلق کنگو بود. در سال ۱۹۶۱ مستعمره کنگو که امروز بنام زئیر معروف است پس از چند سال مبارزه از یقید بلژیک آزاد گشته



لومومبا جان خود را برای اتحاد تمام مردم کنگو جهت ایجاد کشوری آزاد و مستقل از دست داد. از همان هفته اول استقلال کنگو دولت بلژیک به نام حمایت از جان بلژیکی های مقیم کنگو اما در حقیقت برای دخالت در امور کشور نیروی به کنگو اعزام کرد. بدنبال توطئه مشترک دولت بلژیک و امپریالیسم فرانسه و آمریکا و تحت سرپرستی موسی جومبه نخستین دولت مستقل کنگو را تحت فشار همه جانبه قرار دادند تا اینکه دولت جوان کنگو سقوط کرد. وحتی امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا از جنبش خلق کنگو آنان را برآن داشت تا بوسیله سازمان های بین-

المللی تروریستی خود و سیا همراه با "نیروهای پاسدار صلح" سازمان ملل دست به ترور زندگین لومومبا بزنند. اگرچه ادامه دهندگان راه لومومبا توانستند بر قسمت کوچکی از سرزمین کنگو حاکمیت دموکراتیک مردم کنگو را برقرار سازند اما قسمت اعظم خاک کنگو زیر سلطه روابط

«فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد»

۱۴ بهمن سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی



در ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۱۸، در درون سلولهای تنگ و تاریک زندان یکی از درخشانترین چهره های مبارزاتی خلق دلیر ایران بوسیله مزدوران رضاخان قزاق به شهادت رسید. او دکتر تقی ارانی دانشمند و انقلابی بزرگ معتقد به ایدئولوژی طبقه کارگر بود.

ارانی در سال ۱۲۸۱ در تبریز بدنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۰۱ - برای ادامه تحصیل عازم آلمان شد و در سال ۱۳۰۸ در رشته فیزیک و شیمی درجه دکتری گرفت. در سال ۱۳۰۹، او به ایران بازگشت تا بیشتر بتواند در خدمت توده های ستمدیده ای که در زیر چکمه های دیکتاتوری رضاخانی هر حرکت آزا دیخوانه شان سرکوب میشده قرار گیرد.

او برای گسترش مارکسیسم - لنینیسم و بحث و تبادل نظر نشریه "دنیای ما" منتشر کرد. سرانجام مزدوران رژیم که به اهمیت فعالیت های ارانی علیه رژیم واقف بودند در اردیبهشت ۱۳۱۶ او و گروهی دیگر را که به گروه ۵۳ معروف شدند دستگیر کردند. او را متهم به جاسوسی برای بیگانگان و محکوم به ده سال زندان کردند. او در زندان به آموزش سیاسی زندانیان میبرد. او برای ضربه زدن به حیثیت او ارتجاع همه جا پخش میکند که عامل لو رفتن گروه بوده است. اما ارانی همیشه با صبوری میگفت "معلوم میشود" و سرانجام معلوم شد که عامل لو رفتن گروه نه او بلکه

نواستعماری امپریالیسم و حکومت دست نشانده موبوتو باقی ماند. لومومبا این مسئله را بخوبی درک کرد که عوامل سدکننده آزادی و استقلال کنگو همان عواملی بودند که مبارزات تمامی خلق های آفریقا را سد نموده بود. وی میدانست برای آنکه کنگو بتواند به حیات خود ادامه دهد و به نام

کسی که بعدها به رهبری "حزب تسوده" رسیده یعنی عبدالصمد کامبخش بوده است. حزب توده همواره کوشیده است که با استفاده از نام ارانی خیانت خود به جنبش راسرود گذارد و نام و اعتبار او را وثیقه منافع گروهی خود قرار دهد.

ارانی همواره بر لزوم مبارزه با دشمنان توده ها تاکید میکرد و در این راه جان خود را فدا کرد. اما رهبران حزب توده در حساسترین لحظات تاریخ به بناه گاههای امن در خارج از کشوری گریزند. آیا ارانی میتواند به گروه خیانتکاری چون حزب توده تعلق داشته باشد؟ هرگز!

ارانی به خلق ایران به بیروان صديق او به بویندگان راستین طبقه کارگر متعلق است. ارانی به رزمنده کرده دلاور بلوچ و مبارز ترکمن تعلق دارد. برچم نبرد که ارانی بستان گرفته بود پس از شهادت نه بوسیله حزب توده، که بوسیله انقلابیون راستین این مرز و بوم برافراشته نگاه داشته شده است.

در آستانه چهل و سومین سالگرد شهادت ارانی، یاری و راهش را گرامسی داریم. وسودجویان خیانت پیمانه که در زیر نام او برچم سفید تسلیم و سازش را برافراشته اند افنا سازیم.

سیاست های نواستعماری امپریالیستها نیفتد مبارزه مردم کنگو باید در تمام وجوه مبارزه ای ضد امپریالیستی و انترناسیونالیستی باشد. اگرچه خلق کنگو فرزند خلف خود لومومبا را از دست داده لیکن او در قلب نیروهای آزا دیخواه و صلح دوست وتمام خلقهای تحت ستم جهان جاودانه باقی ماند.



سالگرد قیام پرشکوهِ خلفتهای ایران و رستاخیز سرخ سپاه مکل گرامی باد

ریشهٔ سپاه مکل

رگبار آتشی که از دهانه‌ی مسلسل حناهِ آفرینان سپاه مکل در نوزدهم بهمن ماه سال ۱۳۴۹ زبانه کشیده آغاز حرکتی بود در - تاریکی و سکوت سالهای طولانی شکست و تردید و نیز نقطه‌ی پایانی بود بر بیهودگی تسلسل نومیدی و هراس با شلیک بی امان تنسی چند از فداکارترین کمونیستها و سازمانی انقلابی در صحنه‌ی مبارزات خلق ایران تولد یافت که برای تحقق آرمانهای والای طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان دیگر، با میراث خشم و خون، معیارهایی نوین و مانا در امر - مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم از خود بی‌نیاد آن کوهوارگان جنگل و آن حماسه‌سازان سپاه مکل، بذریع آرزو توفان بودند و بر زمین‌های خونین حرکتکشان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، با تلاش و از خود گذشتگی و با اندیشه و ایثار حیات پرثمر و نیز برفراز و فرود خود را آغاز کرد.

برای ترک اهمیت رستاخیز سپاه مکل به منزله پدیده‌ای سیاسی و شناخت شرائط اقتصادی - اجتماعی آن زمان و بررسی کوتاه روندی که طی آن ساختار سرمایه داری - وابسته بمنابای تولیدی غالب در ایران مستقر شده ضروری است .
کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد. شکست جنبش و گریز بزدلانه رهبران خیانت‌پیشه‌ی حزب توده، همراه با دستگیری و اعدام

کمونیستها و مبارزان صادق، توان و روحیه‌ی مبارزاتی را در توده‌ها تضعیف کرد اما علیرغم استقرار دیکتاتور عریسانه مبارزه‌ای که هنوز در عمق جامعه چریسان داشت، سرانجام در حوادث سالهای ۴۲-۴۹ تبلور یافت .

بخش روحانیت مرتجع با پیشینه‌ی «مخشان» بیوستگی خود به دربارهای ظلم و زحمت و با گذشته‌ی تاریک خیانت - از جنبش ملی مشروطیت تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد - بنا به ماهیت ارتجاعی و سازشکار خود نتوان آنرا نداشت که از شرایط مساعد سالهای ۴۲ - ۳۹ ارزیابی درستی بمنت دهد و - مبارزات خلق ایران را در جهت فرود آوردن ضربه‌ای کاری بر پیکر پوسیده‌ی رژیم پهلوی سامان بخشد. از دیگر سوی، طبقه‌ی کارگر چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی از رشد چشمگیری برخوردار نبود و جنبش علیرغم هرزه‌دراستی‌های رهبران خیانتکار حزب توده، این کاریکارتور حزب طبقه کارگر را از یک رهبری انقلابی که مبارزات مردم را در جهت سرنگونی انقلابی نظم کهن سمت و سو دهد محروم بود. در چنین شرایطی رژیم منفور پهلوی، با کمک اربابان آمریکائی خود پس از در هم شکستن موجی از مبارزات مردم، ایجاد جزیره‌ی ثبات و آرامش را به سرمایه داران خودی و بیگانه بشمارت داد و چپا و لگران جهانی را از چهارسوی گیتی فضا خواند تا به بهای فقره جهله

سپه روزی و نابامانی کارگران زحمتکشان و خلقهای ایران، خود را هرچه بروارترس کنند، انقلاب سقید شاهانه که بستر مناسب را برای تغییر مناسبات تولیدی ما قبلاً سرمایه داری ایران به مناسبات تولیدی سرمایه داری در چهارچوب وابستگی به انحصارات امپریالیستی فراهم آورده بود، ایران را در بازار جهانی سرمایه داری و تقسیم کار بین المللی انجام کرد. ساختار سرمایه داری وابسته که جزئی از نظام جهانی نواستعماری و بازار جهانی سرمایه داری است و بصورت زمینه‌ی مادی سلطه امپریالیسم در ایران درآمد. وابستگی به امپریالیسم و سرمایه داری دو جز لاینفک از نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران شد .
ایران بهشت سرمایه داران و سپاه حال کارگران، زحمتکشان و آزاد اندیشان گردید. خفقان حاکم بر جامعه و بی پروائی ارتجاع در ارتکاب هرگونه جنایت و خیانت نومیدی را بر ذهنیت و با ورتوده‌ها مستولی کرد. رهبران خائن حزب توده، بسیاق همه نامردمان جیون، در گرما گرم نبرد از - صحنه مبارزه گریخته بودند. ارتجاع بخش عمده‌ی روحانیت را با خود همسو و هم‌امان کرده بود و لیبرالهای هفت خط، از هراس سیاست مرضیه‌ی «هم از توبره، هم از آخور» را کنار گذاشته دست به عصا سر بر آخور پهلوی فرو کرده بودند. در شرایطی که خفقان و بیداد پهلوی کولاک میکرد و تنها -
پنجمه در صفحه ۲۰

ویژه سیاهکل

بنده ای را یارای زمزمه‌ای از مخالفت نبود، رزمندگان جنگل آتشی چالاک در سرما یا تابآوری مردم برا فروختند بیبهای زندگی ارجمند خویش، برای اعاده اعتماد از دست رفته توده‌ها و برای درهم شکستن افسانه‌ی قدر قدرتی رژیم شاه، تلاش می‌سهمناک را آغاز کردند. عشق عمیق و سرخ به توده‌ها و ایمان درهم ناشکستی به رهائی طبقه‌ی کارگر و همه زحمتکشان، خط روشنی بود که هر فدائی را در آن سال‌ها سیاه و یاس و فقرت به مبارزه بیبوند میداد.

موجودیت امروزین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنای به‌ی بزرگترین و انقلابی ترین سازمان کمونیستی کشور، بدون مبارزات انقلابی بنیان گذاران آن - که با رستاخیز سیاهکل آغاز شد - امکان پذیر نبود. مبارزه خونین و مستمر مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی در ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۴۹ سرآغاز زودن تمام بلشویستها و پلیدیهای ناشی از خیانت‌های حزب توده‌ها از دامان مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران بود. این حرکت انقلابی توانست مشت رفرمیستها و فرصت‌طلبان بی عملی را که از گوشه و کنار جهان برای جنبش ایران "ثوری انقلاب" ما در می‌کردند، باز کند. مبارزه‌ی مسلحانه علیرغم تمام می

ضعفها و انحرافات خود بنا به شرائط آن دوران امری ضروری بود و توانست جنبش کمونیستی را اساسا گامی به پیش رهنمون شود و در شکل‌گیری و استحکام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نقشی اساسی داشته باشد.

تلب گوزن‌های جوان

- قلب انفجار -

در چشمه ما آتش و خون

خفت

بادی هراسناک برآمد

قلب هزار چمنه‌ی خونین

در جنگل سیاهکل آشفته

جنگل شکافت

و پانزده ستاره‌ی خونین

با نعره‌های سوزان، برخاست از نهفت

و بر مدارهای گریزان

چرخید

چرخید روی جنگل و

توفید روی شهر

فدائی شهید سعید سلطانی

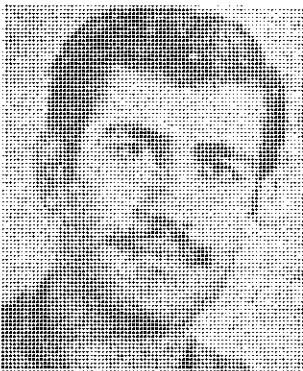
در ۱۹ بهمن ۴۹ نبری حماسه آفرین در جنگلهای سیاهکل آغاز شد و بر سال‌های بی عملی و خیانت خط بطلان کشید و آتشی شوری تازه را در دل خسته خلق شعله‌ور

"درباره مبارزات کرستان" مختصری از از تاریخ جامعه" و همچنین ترجمه آثار از جمله ترجمه کتاب "دولت نادرشاه افشار" با مقدمه آموزنده‌ای از خود رفیق را نام برد. رفیق در ۱۸ بهمن ماه ۵۴ دریک درگیری بشهادت رسید. یادش گرامی باد.



کرد. نبرد حماسه آفرین کمونیستها آغاز شد و با همه اشتباهات و کمبوهایش، سرخ و بوینده از میدان‌های اعدام و شکنجه گاهها سرفراز گشت و شکنجه شکن و شکست‌ناپذیر، یکبارچه درس ایمان و از خود گشتگی و مقاومت شد و در میان توده‌های ستمدیده، در خانه و خیابان و کارخانه و مزرعه، جوانه‌های مبارزه را با خون آبیاری کرد. سیاهکل نقطه‌ی آغاز جنبش بود. جنبش جوان، ثوریهای خود را در براتیک مبارزاتی می‌آموزده و از آن - آزمونها تجربه‌ها می‌اندوخت و بیروز میشده شکست می‌خورد و دوباره بیروز میشد. از هر شکست درسی می‌گرفت و هر روز آرموده تر و بخته‌تر از پیش به پیشواز نشواریهای مبارزه در راه رمانی طبقه‌ی کارگر و همه زحمتکشان می‌شتافت. سازمان از میان خط خون و خاکستر می‌گشت و ناپیدگیگران متزلزل را در نیمه راه برجای مینهاد.

نه انشعاب اکثریت‌خائن، نه ضربات رژیم ننگین جمهوری اسلامی و نه جدائی یاران نیمه راه از شور مبارزاتی‌ها زمان و پیگیری رزمندگان راستین فدائی ذره‌ای نخواهد کاست. آن آتش‌سوزی که حماسه آفرینان سیاهکل برافروختند و سازمان هنوز و همیشه نگاهبان آنست، حرکت سرخ مبارزه را تا بیروزی نهائی طبقه‌ی کارگر در دل سازمان زنده نگاه خواهد داشت. جاودان باد خاطره رزمندگان دلاور سیاهکل.



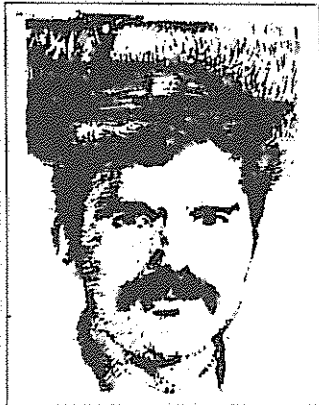
گرامی باد خاطرۀ فدائی شهید رفیق حمید مومنی

فدائی شهید رفیق حمید مومنی یکی از چهره‌های برجسته جنبش نوین انقلابی است. رفیق در ضمن بیببرد امر مبارزاتی در زمینه تحقیقاتی نیز کارهای ارزنده‌ای بجای نهاده است. از آثار رفیق میتوان "رشد اقتصادی و رفاه اقتصادی" "ساخت به فرصت طلبان" "طرح برنامه انقلاب رضی" و



یافتن چکاوک خونبال

علی‌اکبر صفائی فراهانی چند بار به خارج از کشور سفر می‌کند. تیزی در ایجاد ارتباط و تدارک اسلحه نقش بسزایی دارد در اواسط سال ۴۹. همراه با دیگر رفقا، در سیاهکل سرگرم تدارک مقدمات فعالیت‌های چریکی می‌شود.



در حمله به پاسگاه سیاهکل، دستخوش می‌شود و سرانجام در بهمن ۴۹، همراه با رفیق فراهانی و رفیق جلیل انفرادی، در روستایی در سیاهکل دستگیر می‌شود. دلار حساسه آفرین، رفیق تیزی، در ۲۶ اسفند ۴۹ پس از تحمل شکنجه‌های فراوان، همراه با ۱۲ تن از رفقا، به دست مژخیسان رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا تیرباران می‌شود.

رفیق اسکندر رجیبی مسیحی، سال ۱۳۲۶ در شهرستان لاهیجان به دنیا می‌آید تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس لاهیجان می‌گذراند، رفیق، سال ۱۳۲۶، زمانی که دوره اجباری را می‌گذراند، وارد گروه می‌شود و پس از پایان دوره اجباری در آموزش و پرورش استخدام و در شهرستان قومن به تدریس می‌پردازد. رفیق اسکندر مسئول ارتباط گروه با تیم گره است.



رفیق در جریان حساسه شکنجه سیاهکل دستگیر می‌گردد و پس از شکنجه‌های بسیار در سپیده دم ۲۶ اسفند ۱۳۲۹ همراه با ۱۲ رفیق رزمنده خلق توسط مژخیسان رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا تیرباران می‌شود.

پیگیری دوکار سبب می‌شود که سالها بعد دبیر سندیکای فلزکاران و مکانیکها شود. از این زمان تلاش طولانی او برای احقاق حق زحمتکشان به مرحله تازه‌ای گام می‌نهد. پیگیری و انتشاری او از چهره و نسیم کارفرمایان برای کسب ابتدائی‌ترین خواسته‌های کارگران در یاد حسه روقایش هست. در سندیکا، رزمنده خلق اسکندر صافقی نژاد نیز با اوست، و در اینجا است که زندگی این دو رفیق بهم بافته می‌شود. جلیل و اسکندر مدتها دبیر سندیکای فلزکاران و مکانیکها بانس می‌مانند، و در همین دوران فعالیت سندیکائی، یک سازمان کوهسوردی به نام سازمان کوهسوردی کاروه را بنیاد می‌گذارند. این سازمان با کمک رفقای کارگر و با اسکانی اندک پناهگاهی به نام پناهگاه «کارگر» بر فراز توجال می‌سازد که هنوز پابرجاست.

بهمن سال ۱۳۲۷، رفیق با گروه کوهسوردی راهی کوه‌های شمال کشور می‌شود و نخست سلیمان را فتح می‌کند. بهمن سال ۱۳۲۸، نیز، رفیق با گروهی ۹ نفری راهی صعرد تا تخت سلیمان می‌شود که در میان راه گرفتار کرلاک شده و ۲ تن از همراهان زیر بهمن می‌مانند.

انتشارگرهای جلیل انفرادی از کارفرمایان و رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا، رفیق را ناچار به ترک فعالیت‌های سندیکائی می‌کند. در پی این کاره گیسری ابتدا اسکندر صافقی نژاد و در پی او جلیل در سال ۴۸ به انتقال به جرنل می‌پیوندند خود را برای اقدام مسلحانه علیه رژیم جنایتکار آماده می‌کنند. به علت قابلیت و داشتن تجربیات کوهسوردی و آشنائی به جنگل، رفیق جلیل «در گروه جنگل» به فعالیت پیگیری می‌پردازد.

تابستان ۱۳۲۹، دسته جنگل آماده حرکت می‌شود. در اواسط شهریور بهمن سال رفیق انفرادی عیشر دسته ۶ نفری شناسائی است و به رهبری رفیق صفائی فراهانی برنامه سفر و بسطیقه ۵ ماه شناسائی را آغاز می‌کند. مقاومت و فداکاری او در برابر سختیها، و شناسائی رفیق در کوه و جنگل رفا را به تحسین وامی‌دارد. رفیق با ۲۰ کیلو بار استخفا در نواحی صعب‌العبور به راه ادامه می‌دهد.

۱۹ بهمن ۴۹، دسته جنگل با چند عضو دیگر، عملیات تمرین در جنگلهای شمال را آغاز می‌کند و حساسه شکنجه سیاهکل را می‌آفریند. در همین هنگام رفیق اسکندر در تیم شهر سرگرم فعالیت‌های انقلابی است.

رفیق جلیل در تیردی تیرا بر در بهمن ۴۹ همراه رفیق مجروحی در یکی از روستاها غائلگیر و به دست مژخیسان مزدور رژیم وابسته دستگیر و به شکنجه گران شاه جلاذ سپرده می‌شود. مقاومت رفیق در زیر شکنجه، شکنجه گران پلید را به زانو در می‌آورد فرزند خلق، کارگر رزمنده، تا پای جان ایستاده است.

پس جانیان پیدادگاه در ۲۶ اسفند ۴۹ حکم به تیربارانش می‌دهند و خبر شهامت و رزم‌آور حساسه آفرین فتنم فروردین ۵۰ در جراید چاپ می‌شود اما جلیل با خلق و در میان خلق تاجردان می‌ماند.

رفیق هوشنگ تیزی، سال ۱۳۲۷، در شهرستان لاهیجان متولد می‌شود تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهرستان به پایان می‌رساند و سپس در یکی از روستاهای خرم‌آباد لرستان به عنوان سپاهی دانش به تدریس می‌پردازد. رفیق، در این زمان، علا به کار سازماندهی دست می‌زند و به همراه رفیق

از ۱۹ بهمن، روز رستاخیز شکرهند سیاهکل، تا ۱۸ اسفند، تیم جنگل مورد حمله مشترک دشمن قرار می‌گیرد رفقای نیم قهرمانانه می‌جنگند و بیش از ۶۰ نفر و درجه‌دار دشمن را از پا در می‌آورند.

رفیق صفائی و هرزمنانش در قریه «چهل ستر» مورد حمله عده‌ای از روستائیان به رهبری گدخدا قرار می‌گیرند و دستگیر می‌شوند. گفته می‌شود رفیق صفائی زیر شکنجه شهید می‌شود اما رژیم جلاذ و سرسره امیر یالیسم آمریکا نام رفیق و ۱۲ هرزمن دیگرش را جزو تیرباران‌شدگان در ۲۶ بهمن اعلام می‌کند.

رفیق صفائی در زمینه تاکتیک و استراتژی جنبش تلفیاتی دارد که رساله «آنچه یک انقلابی باید بداند» از آن جمله است.

نام رفیق علی‌اکبر صفائی فراهانی همچون دیگر شهیدان بخون خشته در سینه خلق ایستاد و رزمنده‌گان راه آزادی طبقه کارگر تا جاودان برجاست.

رفیق جلیل انفرادی ۲ تیرماه سال ۱۳۱۹ در شیراز و در خانواده‌ای از طبقه کارگر به دنیا می‌آید. دوران کودکیش با رنج و محرومیت‌های بسیار همراه است. مادرش به تنهایی می‌باید مخارج زندگی آنان را تأمین کند. اما با حسه تلاشی که مادر می‌کند و از ته دل می‌خواهد که جلیل را خود پرورش دهد، نس تیراند و پنجاه جلیل را به پرورشگاه می‌سپارد.

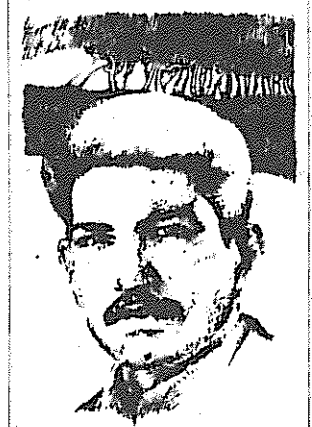
پدر جلیل کارگر راد آهن است. پدر جلیل ۱۱ سال است که دچار بیماری تومور مغزی است و جلیل، توجران ۱۴ ساله‌ایست که پدرش می‌میرد. جلیل به کار می‌پردازد و در کارگاه کار چون فولادی آید به می‌شود.

سال ۱۳۳۰ که رفیق در شرکت «شعله» خاوره کارگر جرشکار است، مدت ۲ سال از خانواده جدا می‌شود و در انتائی اجاره‌ای در دروازه غار با رفیق کارگری زندگی بسیار ساده‌ای را می‌گذراند. پس از آن برای آشنائی بیشتر با فقر طبقه خود مدت زمانی در کرد عربها زندگی می‌کند.



پس از سال ۴۴، رفیق در شرکت «پنجبال سازی ارج» با حقوق روزی ۶۲ ریال به کار می‌پردازد و سپس به شرکت «چترال استیل» می‌رود و سرویس کار پنجبالهای چترال استیل می‌شود. آگاهی رفیق به طبقه خود و فعالیت‌های

رفیق علی‌اکبر صفائی فراهانی، سال ۱۳۱۸، در تهران به دنیا می‌آید. پدرش کاسب تنگدستی است. تحصیل ابتدائی را تا کلاس ششم در مدرسه عقل امینی، خیابان دلگشا، به پایان می‌رساند. پس از آن به هزرستان صنعتی تهران می‌رود و از همان سال اول هزرستان با رفیق سعید (مشعوف) کلانتری آشنا می‌شود. دشمن تحصیل می‌کند تا حداقل خرج خوش را در آورد. شهبازی جمعیه را تا صبح به کار در چاپخانه می‌برد. با کجکاری بسید، به وقایع دور و بر خود توجه دارد تا دیپلمش را از هزرستان می‌گیرد و می‌رود و دبیر هزرستان ساری می‌شود. سازمان با کار تدریس در ساری، در دانشکده علم و صنعت تهران به تحصیل می‌پردازد.



رفیق صفائی همراه با سازمان سیاسی مخفی که عضویت آن را دارد و «گروه جزئی» نظریه‌ی در سالهای ۳۹ تا ۴۲ در فعالیت‌هایی که تحت نام «ملی» آغاز شده، شرکت می‌کند. از سال ۴۲ که گروه به تعدید سازمان دست می‌زند و به تدارک مبارزه مسلحانه می‌پردازد علی‌اکبر همراه با رفیق کلانتری و دیگران «تیم گره» را بنیان می‌نهد.

پس از بازداشت عده‌ای از فعالین گروه، رفیق صفائی مخفی می‌شود و برای گسترش مبارزه با رفیق صفائی به عراق می‌رود پس از مدتی بازداشت در آنجا، راهی فلسطین می‌شود و به عضویت «جبهه آزادیبخش خلق فلسطین» در می‌آید و پس از چندی به فرماندهی یک پایگاه مهم چریکی برگزیده می‌شود.

تابستان ۴۸، به ایران باز می‌گردد و بعد از همکاری در سازماندهی گروه دوباره به فلسطین می‌رود. اوایل سال ۴۹، همراه رفیق صفائی به ایران باز می‌گردد و دو کادر رهبری گروه قرار می‌گیرد. ۱۳ بهمن سال ۴۹، پس از بازداشت رفیق حسن پور از تیم شهید، حمله تدارک شده سراسری «سازا» به گروه آغاز می‌گردد. رفیق صفائی از کم و کیف پرورش پلیس مزدور آگاه می‌شود. اینک مسلم شده که پلیس امکان دست یافتن به کلیه اطلاعات را پیدا کرده است. همه تدارک‌های چند ساله گروه با پرورش پلیس رژیم جلاذ دموعرض نابودی کامل قرار گرفته است. درگیری با دشمن خلق و برپا کردن جنبش مسلحانه برترین وظیفه تیم جنگل است. برغم شرایط نامساعد، رفیق صفائی که در نبردهای فلسطین روحیه نظامی خوبی کسب کرده است، تاریخ ۱۹ بهمن را برای حمله به پاسگاه ژاندارامی سیاهکل برمی‌گزیند. پس از کشته شدن افراد و خلع سلاح پاسگاه «تیم» به سوی جنگل حرکت می‌کند.

پانزده چکاوک خونبال

صفی - سیاسی دانشگاه تهران است که همراه با دیگر رفقا، قدیمی، غفور حسن پور، حمید اشرف، هادی فاضلی، صفائی فراهانی و... فعالانه به مبارزه می پردازد



رفیق دانش بهزادی از جمله آخرین رفقانی است که در سیاهکل زنده دستگیر می شود و از راه تحت شکنجه قرار می دهد. اما از دل طبلر فرزند خلق چیزی که بتواند به جیبش رها نشود بخش خلفبای ایران خدشده ای وارد کند بیرون نمی آید. در صبحم ۱۲ اسفند ۱۳۴۹، همراه با رزمندگان دیگری، به سمت جانبان رژیم سرسپرده امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود

رفیق ناصر سیف دلیل صفائی، سال ۱۳۲۲ در خاندانهای کارگری در سنگسر به دنیا می آید. پس از طی دوره ابتدائی در بندر ترکمن و دوره متوسطه در ساری، با عنوان شاگرد اول در استان مازندران، دوره دبیرستان را به پایان می رساند. سال ۱۳۴۹، به دانشکده پلی تکنیک تهران راه می یابد و در سال ۱۳۴۵ در رشته مکانیک فارغ التحصیل می شود



در دوران دانشکده، در امور صفی و دانشجویان مشارکت فعال دارد و مسئول کتابخانه دانشجویان است. پس از پایان تحصیلات به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره جامعه فارغ التحصیلان پلی تکنیک برگزیده می شود

رفیق ناصر سیف دلیل صفائی، به اجباری می رود و پس از پایان دوره «اجباری» در کارخانه تولید ابرو مشغول به کار می شود

آغاز فعالیت منسجم و تشکیلاتی رفیق در سال ۴۶ با «گروه جزئی - ظرفی» است که پس از بازگشت رفیق علی اکبر صفائی فراهانی، در گروه شهر به اتفاق رفقا، فاضلی، مشیدی و اسماعیل معینی خراسی در جهت تدارک عملیات مسلحانه فعالیت دارد

رفیق ناصر فرزند طبلر و رزمنده خلق، در تاریخ ۱۲ بهمن ۴۹، بازداشت و پس از شکنجه های بسیار در سحرگاه ۲۶ اسفند به دست رژیم سرسپرده امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود

دوره دوم زندگی مبارزاتی رفیق همکاری با گروه «ستاره سرخ» در سالهای ۴۸-۴۷ است. در این دوره از زندگی، مهدی به ساختن خود از جامعه تکامل می بخشد و مطالعاتش بعد تازه ای می یابد

فعالیتهای خستگی ناپذیرش در گروه «ستاره سرخ» ادامه می یابد تا این که گروه ضربه می خورد و مهدی زندگی معنی را برمی گرداند. دوره سوم زندگی مبارزاتی رفیق آغاز می شود و با هرگز خود رجم ساتی همراه با سایر رفقای گروه سیاهکل دست به فعالیتها نرین می زند

فعالیتها تازه رفیق پس از پذیرفتن مشی سیاسی - نظامی و پیوستن به گروه سیاهکل اوج تازه ای می گیرد و از شهریور ۱۳۴۹ در جنگهای شمال آغاز می شود

در بهمن ۴۹، پس از شرکت در خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، در جریان حمله شگرف سیاهکل، به دست رژیم سرسپرده امپریالیسم آمریکا شهید و در سینه خلق مبارز ایران و رزمندگان راه رهایی طبقه کارگر جاودانه می شود

رفیق غفور حسن پور اصل، سال ۱۳۲۱ در لاهیجان به دنیا می آید. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همان شهر می گذراند و سال ۱۳۴۱ به دانشکده پلی تکنیک راه می یابد. او یکی از پایه گذاران مبارزه صفی - سیاسی دانشکده است. سال ۴۴ رفیق به بخش سیاسی - صفی «گروه پیشواز جزئی - ظرفی» می پیوندد پس از ضربه خوردن و دستگیری رهبری گروه، به بخش سیاسی - نظامی می پیوندد غفور با پشتیباری خستگی ناپذیر سب احیای گروه می گردد



سال ۱۳۴۸ (پس از دستگیری عده ای از مبارزین که به فلسطین می رفتند و بعدا به «گروه فلسطین» معروف شدند) غفور توسط پلیس شناسایی و پس از آن حساسیت پلیس به رفیق بیشتر و تحت تعقیب قرار می گیرد در ۲۳ آذر ۴۹ در رابطه با محظلی که با آن در ارتباط است، دستگیر می شود

پس از دستگیری رفقای تیم کره (سیاهکل)، همراه با ۱۲ رفیق رزم آوار خلق، در ۲۶ اسفند ۴۹ به دست عمل بلید رژیم سرسپرده امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود

مادر رفقای شهید، ناطقه، مصطفی و غفور حسن پور هنگامی که خبر تیرباران فرزندش را می شنود چنین می گوید: «انقلاب ایران مجبور درخت تاورنست که ریشه های قظورش در دل خاک وطن جای دارد پس من و نظایر پس من تنها شاخه های این درخت تاور هستند و دشمن تنها می تواند شاخه های این درخت را بزند ولی ریشه همچنان پارچاست و یا زهن هر شاخه، شاخه های بسیار خواهد روئید. پس من از مرگ فرزندم دلگیر نیستم، امید من به شاخه های جدید است»

رفیق عباس دانش بهزادی سال ۱۳۲۱ در شهرستان مین به دنیا می آید. پس از اتمام تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل به دانشکده دامپزشکی تهران راه می یابد. در دوره تحصیلات دانشگاهی یکی از فعالان مبارزه

آشنائی با جهان بینی علمی و مطالعه تاریخ مبارزات رهایی بخش خلفبای جهان راه تازه ای پیش پای او می نهد. از آنجا که معتقدات یک انقلابی می یابد هیای تجربه انقلابی باشد، بطور پیگیر اشکال متفاوت مبارزه را تجربه می کند. سال ۴۶، رفیق رحیم نسیاننده دانشجویان سال دوم می شود و می تواند در اعتصاب یک ماهه دانشکده اشتغال دانشجویان بیشتری را جلب کند. در همین سال، در مراسم هفتمین و چهلمین روز نهادهای قهرمان مبارز و ملی «غلامرضا تختی» از افراد فعال است.

سال ۴۷، یکی از ترتیب دهندگان تظاهرات ضد صهیونیستی است که در پایان مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل برگزار می شود

سال ۴۷ در تظاهرات خیابانی به عنوان اعتراض به گرانسی نرخ اتوبوسهای تهران تلاش فوق العاده ای می کند، و مأمورین رژیم فاسد رفیق را شناسائی می کنند.

رفیق سنانی، سال ۴۷، با رفیق حمید اشرف آشنا می شود و فعالیت معنی خود را در تیم کره آغاز می کند. سراسر تابستان ۴۸، در شمال پسر می رود و با دیگر رفقای تیم برای شناسائی منطقه و چگونگی عملیات همکاری نزدیک دارد تهیه لباس و آذوقه برای گروه جنگل از جمله وظایفی است که در سال ۴۹ انجام می دهد. رفیق سنانی، در ۱۵ شهریور ۴۹، با دیگر افراد گروه کره به جنگل می رود به فرماندهی رفیق صفائی، حرکت خود را در جهت آماده شدن کامل اعضاء تیم کره از جهت شرق آغاز می کند.

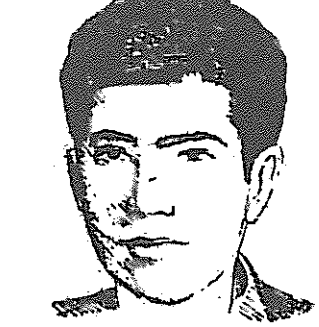
گروه جنگل، در نتیجه پیش بینی برخی اتفاقات، تاریخ آغاز حمله را از بهار ۵۰ به ۱۹ بهمن ۴۹ تغییر می دهد. حمله آغاز می شود و پس از یک درگیری نابرابر و خونین که از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند به درازا می کشد، دشمن می تواند، رفیق سنانی و رفیق اسحق را به شهادت برساند و هفت تن دیگر از تیم کره را نیز دستگیر کند.

رفیق حمید اشرف همواره می گفت: «رفیق سنانی یک انقلابی راستین است و در تحقن آرمانهای خلق همه گرفته فدکاری از خود نشان داد»

رفیق مهدی اسحق، سال ۱۳۲۴، در تهران به دنیا می آید.

زندگی او مانند هزاران کودک و نوجوان مبین شتمند ما، با دشواریهای بسیار رویاوست. در دوران تحصیل، سنجشش، خستگی ناپذیر، رفیق و کنجکار، با اراده و مسمد، صادق و تیزهوش است. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان جهان دانش مشهد به پایان می رساند.

سال ۱۳۴۵، وارد دانشکده شبیاز می شود از همان ابتدای ورود به دانشکده، فعالیتها صفی - سیاسی را آغاز می کند. در انتصابهای دانشجویی نقش فعالی دارد و سال ۱۳۴۶ به علت شرکت فعالانه در اعتصابهای دانشجویی ۶ ماه از تحصیل محروم می شود

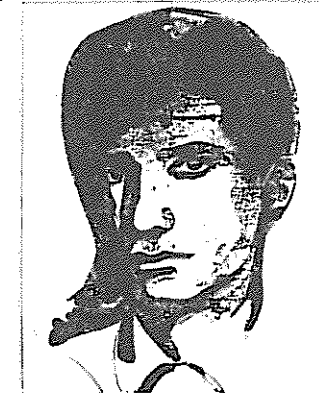


رفیق اسماعیل معینی عراقی، سال ۱۳۲۱ در اراک به دنیا می آید. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، سال ۱۳۴۱ به دانشکده پلی تکنیک تهران راه می یابد. سال ۱۳۴۵ رفیق در رشته برق فارغ التحصیل می شود اسماعیل سال ۱۳۴۶ به گروه پیشواز جزئی - ظرفی می پیوندد و در ارتباط با رفقای سیاهکل در گروه شهر فعالیت می کند.



۱۲ بهمن ۴۹، رفیق در محل کارش (شرکت سهامی تلفن) بازداشت و ۲۲ اسفند ۴۹ همراه با ۱۲ تن از همزمان حمله آفرین خلق، بدست رژیم سرسپرده امپریالیسم آمریکا، تیرباران می شود

رفیق محمد رحیم ساتی سال ۱۳۴۶ در تهران به دنیا می آید. سالهای اول دبیرستان او مصافح است با جنبش سالهای ۳۸-۳۷ و از این زمان است که فعالیت سیاسی او آغاز می شود و بطور پیگیر در مبارزات شرکت می کند. پس از کشتنار و حبسیانه مردم بی سلاح در بازنده خردا ۲۲ و شکست جنبش، کینه و نفرت رفیق نسبت به رژیم جلا و خونریز نژادش می شود



سرگرمی خورین ۱۵ خرداد ۴۴ و بهین بهست رسیدن مبارزات سیاسی، رفیق و بسیاری از رفقای دیگر را به این نتیجه می رساند: «فقر ضدانقلابی را با فقر انقلابی می توان پاسخ گفت»

رفیق محمد از سال ۴۴ به گروهی در علاقه پیدا می کند و عضو «گروه کوهنوردی کاوه» می شود این گروه توسط رفقا صفائی فراهانی، کلانتری، جلیل انصاری، اسکندر صادقی نژاد سازماندهی می گردد

سال ۴۵ وارد دانشکده پلی تکنیک می شود چندان نمی گذرد که با رفیق غفور حسن پور آشنا و به همراه او در فعالیتها صفی - سیاسی دانشجویان شرکت می جوید.



پانزده چکاوک خونبیا



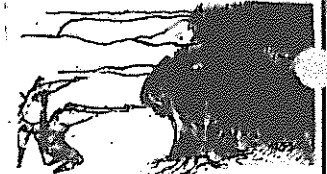
رفیق محمدعلی محدث قندچی، سال ۱۳۲۲، در تبریز متولد می شود تحصیلات متوسطه را در دبیرستان جلوه تهران به پایان می برد سپس به دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران راه می یابد. پس از گذراندن دوره دامپزشکی به اجباری می رود.

رفیق محدث قندچی از اعضای تیم چکل است که در حراگاه ۲۶ اسفند ۴۹ همراه با ۱۲ رفیق همساله آخرین خلق به دست رژیم سرسبز امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود.

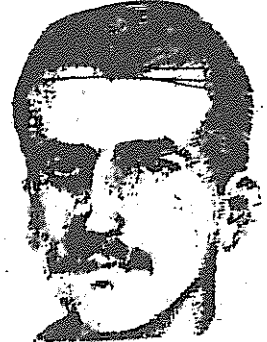


فعالیت می کند.

در جریان مصادره بانک ایران و انگلیس شرکت می جوید. و در ۱۲ بهمن ۴۹ در محل کار با زداشت و سحرگاهان ۲۶ اسفند ۴۹ تن از روزندگان راه رهایی طبقه کارگر به دست رژیم سرسبز امپریالیسم آمریکا، تیرباران می شود.



رفیق احمد فرهودی در سال ۱۳۲۰ در ساری به دنیا می آید. دوران تحصیل را در همان شهر می گذراند و سپس در اداره دارائی شهرستان ساری به کار مشغول می شود. رفیق پیش از آن که به گروه احمدزاده بپیوندد فعالیت های سیاسی پراکنده ای دارد اما در سال ۴۶ برای شکل بخشیدن به فعالیت های سیاسی - تشکیلاتی به گروه احمدزاده - پویان - متحاجی می پیوندد و پس از آنکه کمی سیاسی - نظامی مورد تأیید اعضای گروه قرار می گیرد رفقا احمد فرهودی،



رفیق محمد هادی فاضلی، سال ۱۳۲۲، در فیروزآباد فارس متولد می شود پس از پایان تحصیلات دبستان و دبیرستان، سال ۴۱ تشکله پلی تکنیک تهران راه می یابد. رفیق در دوره دانشکده از فعالان مبارزه صنفی - سیاسی دانشکده است. سال ۴۵ در رشته برق فارغ التحصیل می شود سپس به اجباری می رود پس از پایان یافتن خدمت اجباری در وزارت آب و برق استخدام می شود. سال ۱۳۴۶ به گروه پیشواز چری - ظریفی می پیوندد و در ارتباط با رفقای سیاهکل در گروه شهر

کاظم سلاخی، احمد زبیرم و حمید توکلی اعضای نخستین تیم روزندهای هستند که طرح مصادره بانک ونک را به اجرا در می آورند.

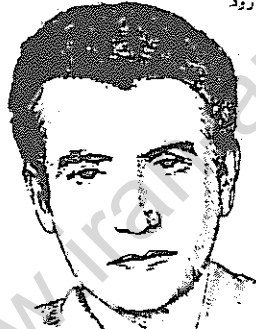
رفیق کبیر، حمید اشرف، در جمعیتی سه ساله می گردید. ... به هرحال، در نیمه اول بهمن ماه و رفیق فرهودی آماده حرکت به پروتستان شد. هفته جنگل در عرض عملیات شناسائی خود چهار عضو تازه پذیرفت که آخرین نفر آنها رفیق فرهودی از اعضای گروه رفیق سعزود بود.

گروه رفیق سعزود در بهائیز سال ۴۹، از میان تیمهای مثلث انفرادی برای تشکیل تیمهای شهری دور هم جمع کرد و تیمهای عملیاتی مرتق تشکیل داد یکی از این تیمها در بهائیز ۴۹ بانک ونک را مصادره کردند و وجه آن را به نفع جنبش ضبط نمودند که رفیق فرهودی یکی از آنها بود که به عللی شناخته شد و تحت پیگرد قرار گرفت و پس از چند ماه اقامت مخفی در تهران به دست جنگل پیوست.

رفیق احمد پس از دستگیری، در صبحم ۲۶ اسفندماه ۱۳۴۹، به دست رژیم سرسبز امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود.



رفیق هادی (کامران) بنده خدا لنگرودی، سال ۱۳۱۹، در لنگرود دنیا می آید. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر به پایان می رساند. سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده پلی تکنیک تهران می شود و در فعالیت های صنفی - سیاسی شرکت کرد و با ایسان به انقلاب و رهایی طبقه کارگر آغاز می کند. در اعتصاب سال ۱۳۴۶ فعالانه شرکت می جوید و چون از دانشکده اخراج می شود به اجباری می رود.



رفیق لنگرودی در جنگلهای سیاهکل دستگیر و ۲۶ اسفند ۴۹، به همراه ۱۲ تن از روزندگان دایر خلق ایران به دست رژیم سرسبز امپریالیسم آمریکا تیرباران می شود.



رفیق شعاع الدین مشندی، سال ۱۳۲۶، در ارتباط با رفقای سیاهکل در گروه شهر همراه با رفیق فاضلی، اسماعیل معینی عراقی در جهت تدارک مبارزه مسلحانه فعالیت می کند.



رفیق مشندی، ۱۲ بهمن ۴۹ پس از تحمل شکنجه بسیار، به دست رژیم سرسبز امپریالیسم آمریکا، در حراگاه ۲۶ اسفند ۴۹ تیرباران می شود.

رفیق شعاع الدین مشندی، سال ۱۳۲۱ در شهر رشت به دنیا می آید. سال ۱۳۴۰ در کنکور پلی تکنیک تهران شرکت می جوید و نامش به عنوان شاگرد ممتاز اعلام می شود.

سال ۱۳۴۴ در رشته برق از آن دانشکده فارغ التحصیل می گردد و سپس به اجباری می رود پس از پایان یافتن دوره اجباری خدمت در بخش فنی رادیو و تلویزیون مشغول به کار می شود و چندی بعد به استخدام شرکت مخابرات ایران در می آید.

رفیق، در دوره دانشکده، از فعالان مبارزات صنفی - سیاسی است و به عنوان نماینده صنفی دانشجویان پیگیرانه فعالیت می کند.



سال ۴۸، توسط رفیق غفور حسن پور، به عضویت گروه پیشواز چری - ظریفی - درمی آید و در بخش خارج از شهر، آغاز به فعالیت می کند. در شهریور ۴۹ همراه رفقای تیم کوه به فرماندهی رفیق علی اکبر صفائی فرادانی به جنگلهای شستال می رود و دوره شناسائی آموزشی را به مدت ۶ ماه به پایان می رساند.

گرامی باد یاد پرشکوه فدائی خلق رفیق شهید قاسم سیادتی

رفیق قاسم سیادتی عضوا در مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علی قیام ۲۲ بهمن وقتیکه پیشاپیش مردم برای آزاد کردن رادیو تلاش میکرد بدست مزدوران حکومت نظامی شاه به شهادت رسید. رفیق در سال ۱۳۲۵ در خانواده ای تهیهدست در تبریز متولد شد. به همین دلیل زندگی رفیق آمیخته ای از رنج و مبارزه بود. باوریکه به جرم مبارزه در دوره تحصیل بارها توسط ساواک دستگیر و

در جریان یکی از درگیری ها در تهران هرفیق مینا البزانه شوشترو همسر و همرزم رفیق سیادتی به شهادت رسید. سیادتی در جریان اون گیری مبارزات توده - عالیله رژیم شاه تفتن فعالی ایفا نمود. رفیق در چند یورش فرمانده عملیات بود و سرانجام خون پاکش را در راه نابودی سرمایه و هموار کردن راه سوسیالیسم نثار کرد.

بهمن سرخترین ماه جنبش خلق مبارک باد ویژه قیام

انقلاب شکل می‌گیرد

با گسترش بحران اقتصادی و سیاسی رژیم شاه و سیستم سرمایه‌داری وابسته در سال ۱۳۵۵ و عقب نشینی ارتجاع پهلوی و حامیان بین‌المللی آن در رفع بحران سیاسی - اقتصادی موجود بار دیگر نطفه‌های حرکت توده‌های بسته شد. محروم تریسم توده‌های زیرستم که طی یک دهه گذشته در نتیجه برنامه‌های فرم امپریالیستی با اصطلاح "انقلاب سفید" عسرتی و نیستی خود را در دروستاها رها کرده و برای لقمه نانی آواره شهرها شده بودند در جهت دستیابی به ابتدائی ترین حقوق پایمال شده خود سر به عصیان نهادند و در مقابل سرکوب خونین ارتجاعی با کانه دست به مقاومت زدند. این توده‌ها که در حاشیه شهرهای بزرگ خون تهران در بدترین شرایط گذران میکردند جنبش معروف به خارج از محدوده را بوجود آوردند.

همزمان با آغاز جنبش توده‌های خارج از محدوده روشنفکران انقلابی و دانشجویان مبارز در دانشگاه‌ها برای به میدان مبارزه وسیع بدل ساختند. شب‌های شعور و سرود خوانی، شب‌های سخنرانی اولین تیزاب جنبش روشنفکر و آگاه جنبش در گسترش و حد ایستادگی توده‌های بود. رفیق فدائی خلق شهید سلطان‌نور شاعر و هنرمند انقلابی مردم این پیشگام روزم دیده در شبکه گاه‌های رژیم شاه ستاد پارتی در خنشان در هدایت سیاسی این برنامه تیزاب بود. علیرغم کوشش محتالانه روشنفکران بزدل و تیسری لیبرال‌های خشکین از دیکتاتوری شاه و تیسری از انقلاب توده‌ها، سعید محیط حاکم بر این محافل با بیرون آتش‌فروزی مشتعل ساخت. بیاد دارم که در ۱۳۵۶ اجتماع ۱۱ هزار نفری دانشگاه صنعتی که برای استماع سخنرانی سعید سلطان‌نور تشکیل شده بود چگونه به اولین تظاهرات قهرآمیز خیابانی دوران انقلاب بدل شد.

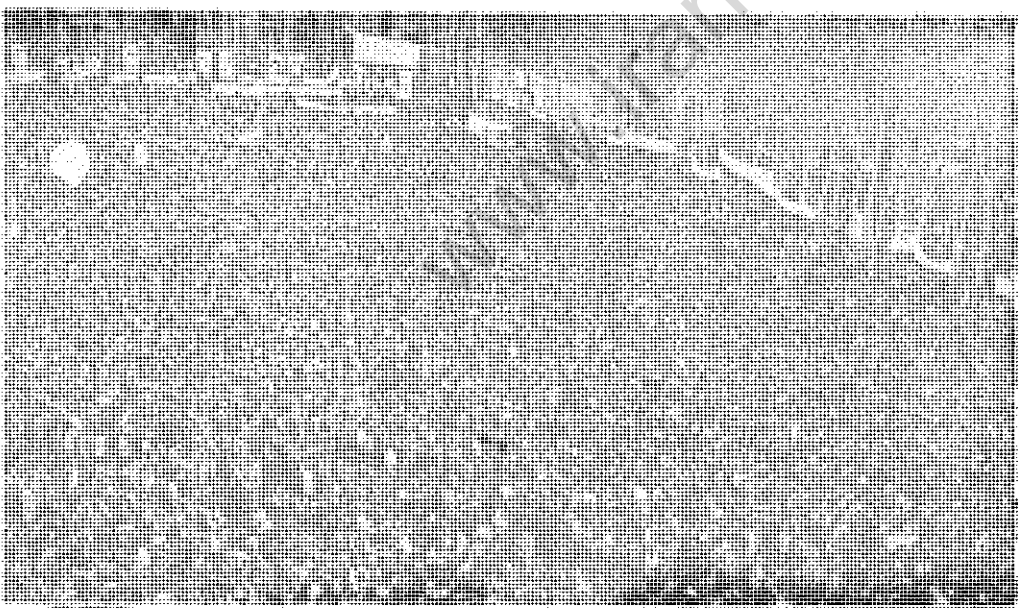
جنبش شکوفه زده در تهران، در شهرهای دیگری چون قم و تبریز به بار نشست، خشم توفنده زحمتکشان

در این دو شهر اولین مراکز ستم شاعی را به آتش کشید. در قم طلاب محروم مبارز با مزدوران ارتش شاه به مقابله پرداختند و در تبریز خشم فروخته مردم قیام شکوهمند ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ را برای جنبش خلق به ارمغان آورد و بدنیال آن در اصفهان قیام مسلحانه مردم فراز بالاتری از جنبش را نوید ده. توده‌های محروم و ناگناه، نسل سی سال سکوت و خفقان، نسل تسلط سیستم و فرهنگ، وابسته به دین تشکیلات و سازمان مبارزه را آغاز کردند. جنبش کمونیستی علیرغم کوشش‌ها و جانفشانی‌های فدائیان خلق و دیگر گروه‌ها هنوز بسیار ضعیف بود. کارگران فاقد تشکیلات خود بودند دهقانان مایور از همه چیز بی تفاوت، اربابگر صحنه‌های خونین شهرها شدند. روحانیت حیل‌گر، ایمن رویه صفنان یوزی گویا با سو استفاده از خلا رهبری و اعتقادات مذهبی مردم بر اوج جنبش توفنده خلق سوار شدند. بحزب‌بخش کوچکی از روحانیت بقیه تا مقاطع اوج گیری جنبش و حصول اطمینان از سرنگونی

وجهه مذهبی خود و از طرف دیگر بدلیل خلا حاصل از فقدان سازمان گسترده انقلابی توانست رهبری انقلاب را بدست گیرد و بدنیال آن انقلابی را که میرفت بساط سیستم سرمایه‌داری وابسته با امپریالیسم را از ریشه براندازد به انحراف و سازش بکشانند. امپریالیست‌ها که خود از اوج گیری مبارزات مردم غافل گیر شده بودند بوحشت افتاده پس از یک دوره آزمایش و خطا سرانجام از حمایت شاه دست کشیده به سراغ رهبران سازشکار جنبش شتافتند تا از نابودی تک سیستم وابسته با امپریالیسم جلوگیری نمایند.

سازشکاران وارد صحنه میشوند

در روزهاییکه جنبش به اوج خود رسیده بود، در روزهاییکه صبرهای درباری از حقه خشم و نفرت مردم می‌گریختند، در روزهاییکه خلق مسلسل می‌طلبید تا بساط ننگین سیستم وابسته را نابود کند، در روزهاییکه توده‌ها بیش از ۱۰۰ الی ۲۰۰ شهید برجای می‌-



روزم نشاند، حوزة تهران سیستم سرمایه‌داری وابسته بود. با روشن شدن جهت رشد یابنده و غلبه‌کننده جنبش هم‌کم مرتجع‌ترین عناصر مذهبی کسانی که خود دیر بازی بود که در آستان شاه جیره خواریزم بودند ناگهان جرخ‌خوردند و جنبش را گرفتند. خمینی با استفاده از سابقه مبارزاتی اشرفیاد دیکتاتوری شاه

روزم نشاند، حوزة تهران سیستم سرمایه‌داری وابسته بود. با روشن شدن جهت رشد یابنده و غلبه‌کننده جنبش هم‌کم مرتجع‌ترین عناصر مذهبی کسانی که خود دیر بازی بود که در آستان شاه جیره خواریزم بودند ناگهان جرخ‌خوردند و جنبش را گرفتند. خمینی با استفاده از سابقه مبارزاتی اشرفیاد دیکتاتوری شاه

ویژه قیام



BOAF

شمعیرای برهنه را از روی لبادهای گشاد خود بستند تا برق آن ترسو و وحشت را بیشتر از پیش بالا برد. فرمان جاسوسی مردم علیه یکدیگر از سوی خمینی صادر شد. خونخواران جمهوری اسلامی و ملایان انگل صفت، شکنجه گران ساواک، فرماندهان مسزور ارتش شاه همه و همه متحد شدند تا سرنوشت انقلاب را یکسره کنند.

ملایانیکه تا دیروز وظیفه‌ای جز فریب مردم از طریق اطلاع و ترویج خرافات نداشتند امروز بطور مستقیم با چنگ و دندان کینه‌های دیرینه خود را نسبت به آزادی، دموکراسی، ترقی و استقلال به نمایش گذاشتند. حکام دادگاههای شرع چون سگان عار و گرگان زخم خورده روزه کشیدند به مردم یورش برده سعیت و مساوت و کینه نوزی را نسبت

به کودکان، زنان حاطه و خانواده زندانیان سیاسی تا بحالی پیش بردند که روی شاه و دیگر دیکتاتورهای تاریخ را سفید کردند. شکنجه، ترور و اعدام جزو مسائل عادی زندانیان خمینی شد. در شرایطی که رژیم خونخوار خمینی در اوج بیدادگری خود عریان ترین شیوه‌های ترور و اختناق و سرکوب خلق را پیشه کرده بود سوسیال رفرمیستهای "اکثریت" و خائنین حزب توده چون مزدوران بی مواجی به مناظره گری رژیم پرداختند و به توجیه حرکات ارتجاعی آن دست زده و مبارزات بحق توده‌ها را تخطئه نمودند. این خائنین برای خون آلود آئین ارتجاع از هرگونه حملات کینه توزانه نسبت به فرزندان خلق کوتاهی ننهادند تا بدائیکه این نوکران بورژوازی حاکم در روزالت وستی گری سبقت از یکدیگر روده به آستان بوسان ارتجاع حاکم بدل شدند. مابه یقین میدانیم که تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حیات سیاسی این فرصت طلبان حرفه‌ای پایان خواهد پذیرفت.

در آستانه ۳۰ خرداد در شرایطی که رژیم ناتوان از مهار کردن رشد و گسترش مبارزات مردم و نفوذ بیشتر سازمانهای انقلابی در بین آنان بود و از طرف دیگر میرفت که در انزوای بیشتری قرار گیرد زمان را مغتنم شمرده سعی نمود که نبردی زودرس را به جنبش خلق که هنوز خود را نسجم نکرده بود تحمیل کند تا بحیال خود کار را یکسره گرداند. عکس العمل نیروهای سیاسی مختلف در چنین وضعیتی یکسان نبود. در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با تحلیل مشخص از حرکت رژیم قصد او را بخوبی باز

درون حکومت را نیز گسترش داد. این بار جناح بورژوازی لیبرال حکومت بدور بنی صدر حلقه زدند. در حالیکه روحانیت این نماینده و متحد بورژوازی تجاری زخرده بورژوازی سنتی مرفه در تلاش بود که سیاست را تابع مذعوب گرداند، لیبرال‌ها این نماینده بورژوازی صنعتی خواهان عدم دخالت مستقیم روحانیت در امر سیاست و تولید بود تا بتوانند بازاری سازی سیستم سرمایه‌داری وابسته را میسر گردانند. تد اوم کسکش بین این دو جناح اصلی درون حاکمیت ارتجاع سیاسی جمهوری اسلامی، سرانجام با طرف کامل لیبرال‌ها از حکومت و فرار بنی صدر از کشور پایان پذیرفت. دیگر بار توده‌هاییکه به فتوای روحانیت به بنی صدر رای داده بودند به خیابانها گشاده میشوند تا برای اعدام جناح دیگر حاکمیت علیه جناح بنی صدر تظاهرات کنند. بسادگی شعار "سلام بر خمینی، درود بر بنی صدر" بدل به شعار مرگ بر بنی صدر میشود و برای چندین بار توده‌های ناآگاه توهمنده نسبت به خمینی و مذعوب و روحانیت باز بیجه دست آنها میگردند.

۳۰ خرداد نقطه عطفی دیگر

بدنبال سرکوب خونین ۳۰ خرداد موج ترور و اختناق بیش از آنچه که تصور میرفت بالا گرفت. انقلابیون در بند به پای جویه‌های دار برده شدند. یورش همه جانبه آغاز شد. جبهه‌های پنهان در زیر پوشش مذعوب ماهیت ارتجاعی خود را نشان دادند. خمینی که تا دیروز دست خود را در جنایات رژیم پنهان میکرد آشکارا جبهه جلا داد خود را بنمایش گذاشت فرمان کشتارهای بی دریغی انقلابیون را صادر کرد. دشمنان رژیم

و بست‌های مهم سلطنتی را بآنها سپرد. عناصر وابسته به امپریالیسم چون قطب زاده و یزدی با استفاده از ارتباط با امامشان در صدر حاکمترین مقام‌های حکومتی حوز وزارت امور خارجه و رادیو و تلویزیون قرار گرفتند. این مبره‌ها اگر چه از ابتدا مضمور مردم بودند و مردم هرگز آنها را از خودشان ندانستند لیک خمینی این خائنین به خلق و انقلاب با حيله و ترفند این مرتجعین را تحت عنوان اینکه من سالها این افراد مومن را میشناسم و آنها اطمینان دارم تطهیر کرده به توده‌ها تحمیل نمود.

تضاد درون غاصبین قدرت با لا میگیرند
اما چیزی نگذشت که تضاد در درون خود به قدرت خریدگان مرتجع بالا گرفت و در جریان این کشمکش‌ها باند لیبرالی بازرگان - یزدی از قدرت بزیر کشیده شد و باند دیگری بر بهری بهشتی مضمور در رأس امور قرار گرفت. پس از شکست بازرگان در بازاری سازی سیستم سرمایه داری اینک نوبت به بنی صدر این مهره بزرگ بورژوازی لیبرال رسید. اوکه چون دیگر مهره‌های حکومتی برای مردم زحمتکش ایران بیگانه‌ای پیش نبود، قادر شد با نقش زیرکانه‌ای که طی این مدت بازی کرده بود زیر چتر حمایت مستقیم شخص خمینی اکثریت توده‌ها را بفریبد. بطوریکه در انتخابات ریاست جمهوری بطور چشمگیری از رقبای لیبرال و غیر لیبرال خود پیشی گرفت و بست ریاست جمهوری را اشغال نمود. اما بنی صدر این رئیس جمهوری با اصطلاح منتخب مردم و در اصل منتخب خمینی همچنان اسلاف لیبرال خود نه قادر شد. رقبای در قدرت را به جای خود بنشانند و نه توانستند از توده‌ها حرکت انقلاب مردم حلوگیری نمایند. کشمکش بین انقلاب و ضد انقلاب ادامه یافت. رژیم حتی با استفاده از اعتقادات مذعوبی مردم نتوانست بخش آگاه مردم را وادار کند تا به خانه‌های خود بازگردند و چون بردگانی مطیع از اوامر آنها پیروی نمایند. خمینی نتوانست توده‌ها را محروم از قانع کند که انقلاب نه برای رفع ستم و استثمار و پایان دیکتاتوری و زندان و شکنجه و سبب بود وضع زندگی توده‌ها که برای به حکومت رساندن روحانیت بوده است. که برای ایجاد ولایت فقیه بوده است که برای اسلام بوده است. ادامه کشمکش بین صفوف انقلاب و ضد انقلاب تضاد



ویژه قیام

شناخته و همچنین از کم و کیف توان نیروی خود و دشمن
ارزیابی عینی و صریحی داشت بلافاصله بدون آنکه
بدام رژیم بیفتد بدون اینکه خود را غافلگیر سرگردان -
و متحیر بیابد با آرایش کامل کمونیستی موضع تعرضی
خود را حفظ کرده و با تحلیل درست تمام نیروها را -
علیه حاکمیت حزب جمهوری اسلامی متوکل نمود و بد رستی
اعلام نمود که :

" رفقا زمان نبرد قطعی هنوز فرا نرسیده
است، اما رژیم با توسل به جنین جنایات
هولناکی و خون اعدام‌های بی دریغ و -
سنتجعی می‌خواهد مارا به‌عرضه نبرد
قطعی بکشد. با درک عمیق و مسئولانه
از موقعیتی که در آن قرار داریم و مقابل
چنین جنایاتی به احساسات لحظه ای -
تن ندهیم. دچار هیجان زدگی و عصبانیت
نشویم. آرامش خود را حفظ کنیم. ما اکنون
آنقدر تجربه آموخته‌ایم که اسیر تحریکات -
رژیم نشویم. ما آنقدر تجربه کسب کرده ایم
که در نبردی که دشمن زمان و مکان آنرا
معین میکند شرکت نکنیم، بلکه زمان و مکان
قطعی نبرد را ما باید تحمیل کنیم. -
بنابراین آرامش خود را حفظ کنید و خونریز

به مبارزه ادامه دهید و با ایمان به طبقه
کارگر تکیه بر «نشر اعتلا» یابنده تودمها
به امر تبلیغ ترویج سازماندهی و تسلیح
و آموزش توده‌های ببرد ازید. " کار ۱۱۷ ص ۱۳
اما سازمان معاهدین خلق ایران با ارزیابی نادرست
از وضعیت جامعه و توان دشمن و قدرت خود از یکطرف
بجای نزدیکی هرچه بیشتر با بلوک انقلابی، به ائتلافی
نامیون با لیبرال‌هایی چون بنی‌صدرست زد با این
یقین که ائتلاف معاهدین - بنی‌صدر قدرت سیاسی
را بدست خواهد گرفت و با این عمل به پروسه تنگی‌سب
حیبه انقلابی خلق ضربه وارد نمود. و از طرف دیگر -
با اتخاذ تاکتیک‌های نادرست و سنجیده قیامی
زودرس را آغاز کرد و بدامی افتاد که رژیم خمینی برای
«نشر تدارک دیده بود. سازمان معاهدین خلق
به نادرست می‌پنداشت که لحظه تعیین سرنوشته‌فرا -
رسیده رژیم را ناتوان از مقابله با خود دیده و سه
بنی‌صدر و لیبرالها پیش از حد بها داده و بدنیال
این ارزیابی غلط از هواداران خود خواست تا با امر
آنچه در توان دارند به مقابله با رژیم بپردازند. این
حرکات سنجیده با وجود بزرگترین دلایلها فداکارها
و جانفشانیها از طرف هواداران معاهدین خلق -
ضرب به ضایعات و عواقب منفی بسیاری در جنبش خلق
شد. و معاهدین با گذاشتن اولین خشت‌کج در -
بنای راه انقلاب یعنی سازش با لیبرال‌هایی " نظیر
بنی‌صدر در دور باطلی افتادند که امروزه شاهد -

نتایج تاسف‌بارتر و ملیور تر آن هستیم. تا بدانجا که
رهبری معاهدین خلق نه تنها قادر نشد تغییری
در سیاستها و تاکتیکهای سازشکارانه و انحرافی خود -
دهد بلکه بیش از پیش از متحدین طبیعی، تاریخی و
انقلابی خود دور شده در دام بورژوازی گرفتار آمدند.
سیر تهرانی حرکت معاهدین تبلور خود را در پیش
برنامه بورژوا - رفرمیستی شورای ملی مقاومت نمایاندن
خصلت‌های ضد کمونیستی خود نشان داده است. ما
معتقدیم همانطوریکه بسیاری از هواداران معاهدین
نه در گذشته‌های چندان دور فریب شعارهای میان -
تهی خمینی را خورده خود را حامی او و سیاستهای -
او می‌پنداشتند لیک در عمل از او فاصله گرفتند امروز
نیز در جریان عیان شدن سیاست‌های راست و لیبرالی
رهبران معاهدین سرانجام راه بنیانگذاران سازمان
معاهدین خلق را که راهی جدا از راه رهبران کنونی
آنهاست انتخاب خواهند کرد.

" دست‌آورد های رژیم جمهوری اسلامی

در شرایطی که پیر از گذشت ۵ سال از عمر -
حکومت جمهوری اسلامی چیزی جز تهاوی و ویرانی و
درمندی عاید مردم نشده است، در شرایطی که -
کشاورزی یکی از ارکان ثبات جامعه‌ای چون ایران -
به ورشکستگی کامل در غلطیده است، در شرایطی که -
صنایع تولیدی بیش از ۵۰ درصد از حجم تولید خود
را از دست داده‌اند، در شرایطی که گرانی مواد غذایی
بیشتر در صفحه ۲۴



تاج‌همن

این تیره، این عبوس مقرنس
این تدک چشم یا نه
این آسمان پیر
در ظهر آفتابی خرداد
باهیچکس به خنده لبی نگشود
اما به پشتوارهای برفین بهمن اش
مارا امید توشه تواند بود
" جهان "

ویژه قیام

نسبت به دوران ننگین شاه چند برابر افزایش یافته است، در شرایطی که کمبود بودت زیست مردم را و میدارد که درصد های اولیه ساعت ها از وقت خود را که میبایست در امر تولید بکار گیرند تلف میکنند، در شرایطی که خزانه دولت تبدیل جوارل بی حد و حصر سرداران رژیم از پشتوانه ارزی خالی شده است، در شرایطی که طرانیکسال رژیم مریور است - برای حیران کمبود مایحتاج غذایی مردم آنهاهم بکسیر جیره بندی شده، پنج میلیارد دلار فقط عزمینه واردات مواد غذایی از کشورهای خارج بپردازد، در شرایطی که ۴ میلیون نفر از تهی دستان جامعه از بیماری و بیگاری رنج میبرند، در شرایطی که حتی خانمانسوز ارتداعی ایران برای میلیاردها دلار خسارسانی وارد کرده استعویب از ۲ میلیون نفر را آواره گردانیده است، در شرایطی که اکثر خانوادهها در نتیجه اعمال سیاست های غرضخلاق رژیم ایران اعم از سرکوب خلقها، ترورها و اعدامها و جنگ ایران و عراق دافدیده اند، در شرایطی که رژیم برای ادامه حیات خود مجبور به زد و بند های پنهانی با امیرالیست ها چون امیرالیست آمریکا شده است، در شرایطی که روز به روز توهم جنبش های آزاد ییختر و کشورهای شرقی نسبت به رژیم از بین رفته و سیاست بی تفاوتی نسبت با آن اتخاذ می کنند، در شرایطی که میروند تا جدال جناح های مختلف حاکمیت بر سر اعمال قدرت خود ابعادی تازه بخود بگیرد چگونه میتوان پنداشت که این رژیم توان ثبات و ادامه حرکت خود را خواهد داشت. مگر نه اینکه شاه با اعمال سیاستهای ارتجاعی خود مثلا در عرصه کشاورزی مجبور بود که تریب ۲/۵ میلیارد دلار صرف واردات مواد غذایی کند و حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی دو برابر آن یعنی ۵ میلیارد دلار باید بپردازد. مگر نه اینکه شاه با اعمال سیاستهای ارتجاعی خود توریس درحد ۱۰۰ درصد را در عرض چند سال به جامعه ما تحمیل کرده و حال رژیم جمهوری اسلامی حد و مرزی در این زمینه باقی نمانده است. مگر نه اینکه شاه با اعمال سیاستهای غرضخلاق خود قادر بود حداقل صنایع وابسته را به حرکت وادارد و حال رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۰ درصد همان صنایع را راکد نگهداشته است.

مگر نه اینکه شاه با اعمال سیاست های دیکتاتوری - اختناق و شکنجه و ترور و اعدام و اعمال سانسور و بستن حرایید شرقی نفرت مردم را نسبت به خود به حد اعلا رساند و رژیم جمهوری اسلامی نیز در عرض ۱/۵ سال ۲۰۰۰۰ نفر از فرزندان خلق اعدام و ۴۰۰۰۰ نفر زندانی سیاسی بجای گذاشته است سرنوشت شاه - به کجا انعامید ؟ آیا میتوان سرنوشت دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی جز آن تصور شد ؟ این چنین است که امروز با توجه به وضعیت - اسفبار و ورشکسته اقتصادی و با توجه به سرکوب و خفقان روز افزون رژیم در جامعه و با توجه به نفرت اکثریت مردم نسبت به حکام جمهوری اسلامی مری - آن دیر یا زود فرا خواهد رسید و حکومت - تباهی و جهل به دست یار توان خلق و راس آن - طبقه کارگر به زساله دان تاریخ سیرده خواهد شد .

در روز های قیام بهمن ۵۷ در جریان حمله مردم به زندان قصر وصیت نامه رفقا خسرو گلرخی و کرامت الله دانشیان دو مبارزی که در بهمن ۵۲ توسط رژیم شاه تیرباران شدند بدست نیروهای انقلاب افتاد این اسناد در تاریخ ۵۷/۱۲/۶ از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای آگاهی خلق رزمنده ایران انتشار یافت . ما بمناسبت سالگرد شهادت این رفقا و گرامیداشت خاطره آنها بار دیگر متن کامل وصیت نامه های مذکور را عیناً به چاپ میرسانیم :

وصیتنامه گلرخی

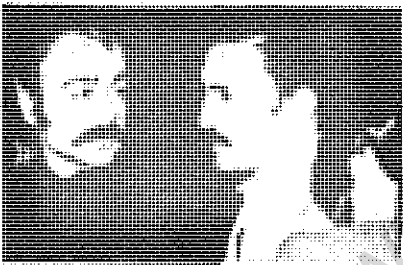
وصیتنامه غیرارتنی مندم خسرو گلرخی فرزند قدیر در سحرگاه روز ۱۳۲۹/۱۱/۵۲ من يك فدایی خلق ایران هستم شناسنامه من جزعقی به مردم چیزی دیگر نیست . من خونم رابه توده های گرسنه و با برخته ایران تقدیم میکنم شما آقایان فاتحیت ها که فرزندان خلق ایران را بدون هیچگونه مدرکی به تنگنا میفرستاید اینان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزندان خود را خواهد گرفت . شما ایمن داشته باشید از هر قطره خون ما مدها فدائی برمیخیزد روزی روزی قلب همه شما را خواهد شکافت . شما ایمن داشته باشید که حکومت غیرقانونی ایران که در ۲۸ سپتامبر داد به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شده در حال اختفاز است و دیر یا زود با انقلاب قهرآمیز توده های ستم کشیده ایران دور و وازگون خواهد شد . شاعر و نویسنده فدایی خلق ایران خسرو گلرخی دامضاء

و نسبتا یلتمده حلقه بلاتین (طلائی سفید) و مبلغ یکترارو دوست ریال وجه نقد به خانواده ام بازم بدهند . خون ما بیرون کارگران ، خون ما بیرون دهقانان ، خون ما بیرون سران ، خون ما بیرون خاک ماست .

فدائیه دانشستانی ارتش سرگرد قیامی فرمانده گردان زندان سروان حسن زاده
آفسر اطلاعات سروان جاویدنسب
قاضی عسگر صادق حقی
فدائیه شهربانی

جوینا سرد و باریکی بودم
در جنگلها و کوهها
و دره ها جاری بودم
می دانستم آبهای ایستاده
در درون خود می میرند
می دانستم در آغوش امواج
دریاها
برای جوینا ران کوچک
هستی تازه ای می یابد
نه درازای راه
نه گودالهای تاریک
و نه هوس با زماندن از جریان
مرا از راه باز نداشت
اینک بیوسته ام
به امواج بی پایان
هستی مان تلاش
و نیستی مان آسودن است

وصیت نامه های گلرخی و دانشیان



وصیتنامه دانشیان

وصیتنامه غیرارتنی مندم کرامت الله دانشیان در سحرگاه روز ۱۳۲۹/۱۱/۵۲ مردم ستم کش ایران همیشه فرزندان جان برکف خود را راه مبارزه بسیار از دست داده اند . این شرط هر مبارزه و جنبش است . فداکاری ها از جان گذشتگی ها، ملامت ها کس دشمن را خواهد شکست و این خام ترین خیال است که مدام فرزندان مردم در آن خیزانلایی کشت شوند . این خیال فقط دزدان دشمنان مردم می تواند وجود داشته باشد. جنبش او خواهد گرفت . همه گیر خواهد شد و کارگران ، کشاورزان و اشخاص تحت ستم زبده کی نوین و ساداتند را صاحب خواهند شد. مرگ ناچیزترین حدیما برای پیروزی مردم است. هر مرگ دریچه ایست که بروی تمامی ما پست میشود و هر مرگ دریچه ایست که بروی دودغ، فضاء ، فقر و گرسنگی پست خواهد شد و آنگاه دریچه های باز خواهد شد که از آن نور زندگی بتابد. باین نور تن بسیاریم . به این نور .

فدائی مردم
کرامت دانشیان
دامضاء

فدائیه دانشستانی ارتش سرگرد قیامی
فرمانده گردان زندان سروان حسن زاده
آفسر اطلاعات سروان جاویدنسب
قاضی عسگر صادق حقی
فدائیه شهربانی

مرثیه احمدی اسکوتی



آنتونیو گرامشی

نکست‌شورای کارخانه در ایتالیا - آندناکه گرامشی نیز خود در یادداشت‌های زندان تأکید نمود - عبارت بود از محدودیت‌های فزاینده آن به ناحیه صنعتی شمال ایتالیا و عدم پیوند سیاسی آن با مبارزه دیگر اقشار اجتماعی ویژه با مبارزه دهقانان و کارگران کشاورزی. در واقع گرامشی "تولید گرامشی" - فرمولبندی گرامشی از شوراهای کارخانه مانع از آن بود که پیچیدگی ویژگی‌های آرایش طبقاتی جامعه ایتالیا مورد بررسی قرار گیرد. و نیز این اصل به نراوشی سیرده شده بود که بواسطه "تائید نماندن توسعه سرمایه داری مناطق صنعتی شمال ایتالیا باید در ارتباط با مناطق عقب مانده کشاورزی در جنوب ایتالیا در نظر گرفته شوند.

گرامشی کارخانه‌های (Factories) و خلعت محلی شوراهای نیز نقدی که برای "حامل تکنیکی" در فرمولبندی گرامشی از شورای کارخانه بحکم محصور در سبب شد که تجربه تورین تعمیم نیابد. آنچه پیش از همه از قلم افتاده بود ماعت‌کنی روابط اجتماعی بود که سازمان تولید اجاب و باز تولید مینماید. در واقع فرمولبندی گرامشی بر این اصل محدود مینماید که طبقه کارگر بخاطر ریشه‌های که در کارخانه دارد بیک طبقه حاکم بدل میشود. این دیدگاه بعدها از سوی خود

"قبل از قبضه قدرت خرده بورژوازی باید از جامعه رانده شود بهمان نحو که آفت‌مالج از یک مزرعه نیمه ویران با پولاد و آتش رانده میشود. این خود سبب یاکیزه کردن فضای اجتماعی و رود رو ساختن کارگران بیک دشمن واقعی ایشان یعنی طبقه سرمایه داران خواهد شد.

توده‌های را سازماندهی کند. مهمترین نتیجه چنین دیدگاهی آن بود که جنبش کارگری ایتالیا در شرایط و موقعیت موجود در اوایل سالهای ۱۹۲۰ نتواند یک قیام توده‌ای را رهبری و سازماندهی کرده و جنبش

یکی از مهمترین دلایل شکست تجربه شورای کارخانه در ایتالیا، تأکید بر کنترل - دستگاه تولیدی بدون تأکید همزمان بر قبضه قدرت سیاسی بود. از اینرو در حالیکه کارخانه‌ها در شهر تورین توسط کارگران اشغال شده بودند، اتوریته سیاسی و نظامی همچنان بنحو استوار در دست بورژوازی باقی ماند. چرا که البته کارگر ایتالیا در آنزمان فاقد نیروی سیاسی خود به شکل حزب و میلیشیا نظامی بود. از همین رو جنبش شورائی بسادگی محاصره و سرکوب شد.

این تأکید بر تولید گرامشی و طبقه تولیدکننده و تفکیک جنبش کارگری از سازماندهی جنبش سایر زحمتکشسان بعداً در نوشته‌های "یادداشت‌های زندان" مورد انتقاد قرار میگردد.

تا اینجا تصویر کلی عبارت است از ستایش بر تولید گرامشی "طبقه کارگر بر پایه یک دستگاه صنعتی از قبل موجود حداسازی طبقه کارگر از دیگر اقشار متحد وی با تأکید وعده کردن فاصله بین طبقه کارگر

طبقه کارگر را با جنبش توده‌های پیوند دهد. مسلماً زمینه شکست تجربه شوراهای کارخانه در ایتالیا را نمی‌توان جدا از ارتباط بین فرمولبندی گرامشی از شورای کارخانه و دیدگاه وی درباره "استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر در مقابل با بورژوازی مورد بررسی قرار داد. استراتژی که گرامشی آنرا در نوشته‌های بعدی خود نیز خط می‌کشد و در واقع بخش تفکیک ناپذیری از بینر سیاسی و فلسفه نظری وی را تشکیل میدهد.

این انحراف که نیروهای تولیدی خنثی هستند و سترش آنها بطور عمودی منجر به برقراری سوسیالیسم میشود یکی از انحرافات دیدگاه "تکامل" گرامشی انترناسیونال دوم شمار میرفت

گرامشی نیز مورث انتقاد قرار میگردد. گروه نظام نو سازماندهی دیکتاتوری پرولتاریا در شورای کارخانه و ضمن انقلاب را ب مفهوم اداره بروسه صنعتی شدن توسط پرولتاریا و یا تکامل و پیشرفت اقتصاد در نظر میگرفت. "گروه" نه تنها ساخت توسعه سرمایه داری را مورد سؤال قرار نمیداد بلکه محتوای اجتماعی صنعتی شدن را نیز از نظر دور میداشت. از اینرو در فرمولبندی شورای کارخانه به سلسله مراتب سازمان کار سرمایه داری بعنوان سلسله مراتبی "طبیعی" برخورد میشد. بنا بر تحلیل ماریو تلو در تئوری گرامشی عیجگونه تصریحی درباره ارتباط بین مبارزه اقتصادی و سیاسی دیده نمیشود. تجربه روسیه نشان دهنده آن بود که تنها مدیریت توسعه نیروهای مولده توسط سوبیت‌ها می‌توانست از بحران جلوگیری کند حال آنکه شوراهای کارخانه در تورین و بیهومن (Biadmon) تنها هدف کنترل بروسه گسترش دستگاه تولیدی در یک سطح محلی را دنبال میکردند. این انحراف که نیروهای تولیدی خنثی هستند و گسترش آنها بطور عمودی منجر به برقراری سوسیالیسم میشود یکی از انحرافات دیدگاه "تکامل" گرامشی انترناسیونال دوم به شمار میرفت.

و انتشار نیمه پرولتر و پرولتاریای کشاورزی و دهقانان و نیز کیبمداری و پیروی از طرح شوراهای روسیه که خود متعکس کننده عدم تحلیل از ویژگیهای رشد سرمایه داری در ایتالیا بود. ماریو تلو تأکید می‌کند که گروه "مطمئن" ظاهراً بر آن بود که راه حل دائمی و نهایی رابطه بین طبقه کارگر و دیگر اقشار اجتماعی به پر از پیروزی سوسیالیسم در تکمیل و غلبه انقلاب بورژوازی موقوف خواهد شد. ۱۴ از اینرو گروه "کوچکترین تلائسی برای سازماندهی جنبش دهقانی و پرولتاریای روستا بعمل نیامورد.

بالاخره یکی از مهمترین دلایل شکست تجربه شورای کارخانه در ایتالیا تأکید بر کنترل دستگاه تولیدی بدون تأکید همزمان بر قبضه قدرت سیاسی بود. از اینرو در حالیکه کارخانه‌ها در شهر تورین توسط کارگران اشغال شده بودند اتوریته سیاسی و نظامی همچنان بنحو استوار در دست بورژوازی باقی ماند. چرا که طبقه کارگر ایتالیا در آنزمان فاقد نیروی سیاسی خود به شکل حزب و میلیشیا نظامی بود. از همین رو جنبش شورائی بسادگی محاصره و سرکوب شد. گرامشی خود از این تجربه نتیجه می‌گیرد که گروه "مطمئن" بواسطه انحراف سندیکالیستی اثر خود را در حد کارخانه محدود ساخته بود. ۱۴. اهمیت دیگر مسئله ارتباط بین حزب و جنبش طبقه کارگر بود غفلت قرار گرفته بود. همین باعث میشد که جنبش شورائی کارخانه نتواند از حوزه اشتراکی - اقتصادی فراتر رود و از انزوای سیاسی درآمده و یک جنبش انقلابی

در تئوری گرامشی نبرد موضع (The War of Position) نبرد در سنگر سیاسی است که بخاطر ماعت قدرت دولتی مدون ضرورت می‌یابد. این نبرد نبردی است در حیطه‌های گوناگون که نه تنها دولت بلکه تمامی وجوه و سازمان اجتماعی را شامل میشود. در این نبرد بیشترین تأکید بروی نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک گذارده میشود. از دیدگاه گرامشی تنها پیروزی در این حیطه است که پیروزی در نبرد جنبش (The War of Movement) را ممکن میسازد.

فرمولبندی گرامشی از "نبرد موضع" بنا بر تحلیل پری اندرسن (Perry Anderson) بر این پایه استوار است که استراتژی انقلابی را یک استراتژی طولانی غیر متحرک بین دو کمپ با مواضع تثبیت شده می‌انگارد. یکی کمپ پرولتاریا و دیگری کمپ بورژوازی. گرامشی وضعیت این دو کمپ را بشکل غیر متحرک می‌نگرد. از دید وی هر یک از این دو کمپ سعی دارد دیگری را از نقطه نظر فرهنگی و سیاسی مغلوب سازد. اندرسن تأکید می‌کند که گرچه قصد گرامشی بنحاضر می‌خواهد از طریق این فرمولبندی از خطر "آوانتوریزم" پیشگیری کند و به اتحاد ایدئولوژیک توده‌ها بعنوان موضوع اصلی مبارزه تأکید نماید اما عملاً از مقابله با مسئله قیام عاجز میماند و نمی‌تواند خلعت اوچگیری و شعله‌وری مبارزه توده‌ها و اصل نابودی ماشین دولتی را که از دیدگاه لنین و مارکس از انقلاب طبقه کارگر حدایی ناپذیرند در نظر آورد. فرمولبندی کردن استراتژی طبقه کارگر بعنوان نبرد موضع ب مفهوم بفراموشی سپردن ویژگی شعله‌وری موفقیت‌های انقلابی است. چه در واقع بخاطر فراموشی اجتماعی ویژه یک جامعه این موفقیت‌ها هرگز نمی‌توانستند برای مدت طولانی ادامه یابند از اینرو به سرعت عمل و تحرک بیش از اندازه بقیه در صفحه ۲۱



4-James Joll, "Gramsci", P. 40 .
 5-Antonio Gramsci, "Soviets in Italy" op. cit. P.15 .
 6-John Commett, "Antonio Gramsci and the Origin of Italian Communism", Stanford University Press, Stanford, 1976
 7-Carl Boggs, "Gramsci's Marxism", Pluto Press, London, 1976 .
 8-Ibid. P.92 .
 9-Ibid. P.92 .
 10-Ibid. P.93 .
 11-Mario Telo, "The Factory Councils" in "Approaches to Gramsci", Writers & Readers, London. 1982 P. P. 203-204 .
 12-Antonio Gramsci, "Political Writings", 1910-20, London, Lawrence & Wishart, 1977, P.135 .
 13-Mario Telo, "The Factory Councils" P. 205 .
 14-Carl Boggs, P. 97 .
 15-Perry Anderson, "The Antinomies of Antonio Gramsci", New Left Review No. 100, Nov.76-Jan.77, P. P.75-76
 16-Ann Showstack Sasson, "Approaches to Gramsci", London, 1982.
 17-Perry Anderson, "New Left Review", P.61 .

طبقه کارگر آلمان در مبارزه اش بر علیه سرمایه داری باید یک استراتژی فرسایشی (Strategy of Attrition) - مشابه با "نبرد وضعیت" گرامشی - و یک استراتژی سرنگونی (Strategy of Overturn) مشابه با "نبرد جنبش" گرامشی - را دنبال کند . کائوتسکی برای آنکه تفوق

امروزه همین فرمولبندی گرامشی است که بنحو گسترده ای توسط کمونیسم اروپائیشی (Eurocommunism) مورد استفاده قرار میگیرد . بنحویکه یورو کمونیستها گرامشی را تئورسین بیشتر از خود معرفی میکنند .

آنتونیو گرامشی و بکار گیری ابزار فوری و مستقیم برای اعمال تاکتیکهای نهامی دارند . مارکس و انگلس همواره تأکید کرده اند که قیام به هنر بی پروایی و جسارت است . در این هم چنین آنکه اندر سن نیز تأکید می کند فرمولبندی "نبرد وضعیت" گرامشی ارتباط ناگسستی با تحلیل سهم و ناروشن وی

از قدرت طبقه بورژوازی دارد . گرامشی نسبت به وضعیت را با هژمونی داخلی (Cultural Hegemony) بر می انگارد . از آنجائیکه گرامشی ساخت قدرت سرمایه داری در غرب را تنها متکی به فرهنگ و توافق میدانند فرمولبندی خود از وضعیت و عملکرد انقلابی یک حزب مارکسیستی را نیز اساساً عبارت از تبدیل ایدئولوژیک (Ideological Conversion) طبقه کارگر بسا تکیه بر آموزش فرهنگ و ایدئولوژی میدانند . در تئوری سوسیال نکترو و سرکوب دستگاههای دولت بورژوازی از یک سو و قیام طبقه کارگر از سوی دیگر حذف میشود . حال آنکه اصول تئوری مارکسیت لنینیستی حکم میکند که این در ماهیت دولت بورژوازی است که در نهایت با دستگاه نظامی سرکوب بیرحمانه دستگاههای ایدئولوژیک و پارلمانی را بپزند تا بتوانند موضع صلح در ساخت قدرت طبقه بورژوا را دوباره با شغال خود در آورد . بصیارت دیگر مانع سرکوب دولتی مانع نهایی بر سر راه انقلاب طبقه کارگر و تنها از طریق قهر شکسته خواهد شد . ۱۵

گرامشی "نبرد جنبش" (The War of Movement) را از نوع مبارزات انقلابی ۱۸۴۸ اروپا و ۱۹۱۷ - روسیه میدانند که مترادف با مقابله نظامی با دشمن و نابودی وی است . وی استدلال می کند که این نوع استراتژی در حای مناسب است که دولت و جامعه مدنی عقب افتاده باشند . قدرت سیاسی شکستنده است اتحادیه های کارگری و گروههای تفرقه و سازمانهای حزبی همسوز توسعه نیافته باشند . گرامشی استدلال میکند که "نبرد جنبش" یک استراتژی مناسب در شرایط بیجسته و وجود دولت های قدرتمند و سازمانهای توده های حوام سرمایه داری پیشرفته نباشند . یعنی حوامیکه در آنها انوریته به درجه ای از توافق توده های متکی است در اینجا نبرد جنبش یعنی مبارزه قهرآمیز ممکن است رخ دهد اما این نبرد به لحظه ای در درون استراتژی کلی نبرد وضعیت تقلیل می یابد . ۱۶ امروزه همین فرمولبندی گرامشی است که بنحو گسترده ای توسط کمونیسم اروپایی (Eurocommunism) مورد استفاده قرار میگیرد . بنحویکه یورو کمونیستها گرامشی را تئورسین بیشتر از خود معرفی میکنند .

اندر سن فرمولبندی "نبرد وضعیت" و "نبرد جنبش" گرامشی را با فرمولبندی کائوتسکی از استراتژیهای انقلاب مقابله کرده شباهتهای آنها را به تفصیل در مقاله اش مورد بررسی قرار میدهد . در سال ۱۹۱۰ کائوتسکی در محادلات و بحث هایش با روزا لوکزامبورگ چنین استدلال میکرد که

استراتژی فرسایشی را بر استراتژی سرنگونی نشان دهد دقیقاً همان محدوده تاریخی - جغرافیایی را که گرامشی (در بحث درباره نبرد وضعیت و نبرد جنبش) مورد استناد قرار میدهد در نظر می گرفت . از دیدگاه کائوتسکی استراتژی پراز شکست کون مغلوب نشد . اساس استراتژی فرسایشی بر مبارزات انتخاباتی و پارلمانی برای به اکثریت رساندن حزب سوسیال دمارکسی آلمان در رایشتاک (پارلمان آلمان) استوار بود . کائوتسکی چنین استدلال میکرد که باید بین حوام اروپای شرقی و غربی تفاوت قائل شد (شبهه استدلال گرامشی درباره دولت مدرن) . در روسیه (اروپای شرقی) بخاطر آنکه آزادی اجتماعات و مطبوعات وجود ندارد و نیز حکومت کاملاً منزوی شده است استراتژی سرنگونی هنوز امکان پذیر است و طبقه کارگر می تواند یک اعتصاب عمومی را برپا سازد . بنیاد بر توجیهات کائوتسکی بدین ترتیب استراتژی سرنگونی محصول طبیعی جامعه تاریخی عقب مانده روسیه است می توانست باشد و برعکس در اروپای غربی کارگران از نظر کمیت بسیار بیشتر و مناسب تر سازمان یافته اند و از آزادیهای مدنی برای مدت زمان طولانی برخوردار بوده اند . از اینرو با یک دشمن طبقاتی قویتری در مقایسه با روسیه روبرو هستند و در آلمان بویژه با یک ارتش و بوروکراسی منظم سرو کار دارند . کائوتسکی استدلال می کرد که ماشین دولتی پرولت در واقع قویترین ماشین دولتی در سراسر اروپاست و طبقه کارگر نیز در مقایسه با روسیه از دیگر طبقات منزوی تر است . از اینرو وقوع اعتصابات توده ای از نوع روسیه در غرب نامناسب و غیر محتمل است . پس استراتژی طبقه کارگر در مقابله با بورژوازی باید استراتژی فرسایشی (نبرد وضعیت) گرامشی باشد . ۱۷

لوکزامبورگ و لنین دو استراتژی کائوتسکی را بعنوان سازشکاری و فریبستی و پارلمانتاریستی بجهت درخشان ترین وجه در کارشان مورد انتقاد قسرا میدانند .

باتوجه به اهمیت نقش شوراهای در مرحله انقلاب دموکراتیک توده های ایران مطالبه تجربه شوراهای در ایتالیا و نیز روسیه میتواند به جمع بندی نقش شوراهای در چهاربند خوب ساخت اقتصاد اجتماعی جامعه ایران یاری رساند

1-James Joll, "Gramsci", Fontana press London, 1977, P.36 .
 2-Ibid. P.42
 3-Antonio Gramsci, "Soviets in Italy" Institute for Worker's control, Great Britan, 1974, P.1 .

حیدر عمو اوغلی ...

بقیه از صفحه ۲۴

داد . ولی بخاطر شرائط تاریخی - اجتماعی توفیق چندانی نیافت . به هنگام اوج گیری جنبش مشروطیت حیدر در تهران در کارخانه برق حاج حسین امین المضرب کار میکرد . در این هنگام حکومت مطلقه زیر فشار مبارزات اعتلا یافته توده های مردم در هم فرو می شکست . توده های مردمی یافتند که مبارزات مسالمت جویانه یا مستبدینی که مجهز به سلاحهای انگلیسی و روسی هستند غیر ممکن است . در این زمان حیدر در جهت تبلیغ توده ها فعالیت میکند . حیدر از تجارب شکست قیام ۱۹۰۵ روسیه برخوردار بود . او انتقاد منشویکها را پس از سرکوب قیام ۱۹۴۵ مبنی بر اینکه " نمی بایست سلاح بست گرفت " سخت مورد انتقاد قرار میدهد .

حیدر در تمام فعالیتها ی سیاسی خود نشان داد که به اصول " لنینی " مبارزه طبقاتی وفادار بوده و بر آشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقات متخاصم اعتقاد عمیق داشت . او یکی از پیروان صدیق راه لنین بود .

حیدر عمو اوغلی: چکیده انقلاب

در تاریخ جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران، نام "حیدر عمو اوغلی" بعنوان یکی از بنیان‌سوسال دمکراسی، انقلابی بزرگ‌مشروطیت‌زمانه‌ی برجسته و فدائی کبیر در خاطر خلق‌های قهرمان ایران برجای خواهد ماند. حیدر در سال ۱۲۵۸ شمسی در اورمیه متولد شد. او در خانواده‌ای روشنفکرپرورش یافت؛ سال‌های کودکی و جوانی حیدر، سال‌های تکوین انقلاب مشروطیت ایران است. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قفقاز به پایان آورد و در تفلیس در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. سال‌های



نوعی بازی - عکس از نوزه هنرهای معاصر تهران مردم شناسان میگویند که در بازی‌های کودکان میتوان انعکاس جو حاکم بر جامعه را یافت!

پیل ... پیام فیلم

بهر حال فیلم از آنجا که واقعیت تلخ زندگی زحمتکشان و قربانیان جامعه لیبقاتی را به نمایش میگذارد غمبار و - تاسف‌آور است. اما در حد ترازوی و تصویر غم‌ها باقی نمی‌ماند و به منفی بافشی و بوجی‌گرائی‌های روشنفکرانه یعنی فیلم‌ساز "چپ" در نمی‌غلطد. عنصر مبارزه همبستگی و عشق و شور زندگی و زینبلیتیهای طبیعت و عواطف پاک و زیبای انسانی در لایبذائی صحنه‌ها حضور همیشگی دارد. برخلاف فیلم - سازان روشنفکر اروپائی که تلاش دارند در حین داستان‌های فیلم، خیانت، ریا و عهد شکنی بورژوازی را نسبت به اجرای دمکراسی افشا کننده یلماز گونی هیچگونه توجهی نسبت به دمکراسی بورژوائی نداشته و میدانند که در جوامع تحت سلطه چنین مقولائی امکان تحقق نمی‌یابد. لذا در زیر سلطه رژیم سرکوبگر و فرهنگ‌ستبار پدسالازانسه، پتانسیل‌های موجود در نیروی خود مردم را جستجو میکند و آلترناتیوی هرچند گنگ و ناروشن اما ممکن را در بطن خود مردم یا تأور میشود. نمایش گوشه‌هایی از مبارزات



که حیدر در روسیه به تحصیل اشتغال داشت جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی انقلابی روسیه در حال اعتلا بود. او در جنبش کارگری روسیه شرکت نمود. حیدر در جریان آشنائی با محافل سوسیال دمکراسی روسیه به بلشویک‌ها گروید و با انقلابیونی نظیر نریمان نریمانوف، اورژنیکینزه و استالین آشنا شد.

در همین زمان حیدر عمو اوغلی در جریان قرارداد کارخانه برق بین ایران و روسیه بعنوان مهندس برق از قفقاز راهی خراسان شد. حیدر در خراسان با تعدادی از کارگران و روشنفکران همفکر خود، نخستین محافل سوسیال دمکراسی انقلابی ایران را سازمان

خلق کرد و پیوستن زندانی کرد به چریک‌ها یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین صحنه‌های فیلم است که بنوعی پیام کارگردان را بازگو میکند. با توجه به شرایط دشوار و محدودیت‌های سیاسی و امنیتی که فیلم در آن ساخته شده است، از لحاظ تکنیکی و فنی و زیبایی شناسی نیز از موفقیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مکت دوربین روی خطوط چهره بر از درد و رنج زحمتکشان در کابین‌ها، قطار و اتوبوس‌های ز شوار در رفته مافری پری و چهره‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان محله‌های فقیرنشین، صحنه مربوط به کودکان آوازه خوان دوره گرد، حرکت گل‌گوسفندان همراه با دخترک روستائی و تالو عشق و شور و زندگی در نگاه و چهره رنج‌کننده و مضطرب زندانی کرد به دخترک و تلاش برای حفظ زندگی در لایبذائی برق‌ها و سرمایه لاق‌ت فرسای توسط زنی که بدلیل بیوفائی به شوهر محکوم به مرگ شده است و نمایش جدال و کسمکش درونی شوهر او بین عواطف انسانی و علاقه‌اش به زن از یک طرف و - تعصبات و انتظارات محیط برای اجرای سنت و "حفظ ناموس" از طرف دیگر و چندین صحنه دیگر از زیباترین و اصیل‌ترین و انسانی‌ترین



ویژه اکسیون رفیق کبیر سعید سلطانپور



اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی

موضوع این شماره ویژه، فعالیت‌های سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در شهر بمبئی است. در این شماره به موضوع اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی، دستگیری رفیق کبیر سعید سلطانپور، و مبارزات مردمی در این شهر پرداخته شده است.

سرمقاله

موضوع این شماره ویژه، فعالیت‌های سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در شهر بمبئی است. در این شماره به موضوع اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی، دستگیری رفیق کبیر سعید سلطانپور، و مبارزات مردمی در این شهر پرداخته شده است.

در حاشیه بازیهایی آسیائی

تیم فوتبال ایران در بازی با تیم ملی هند در بمبئی شکست خورد. این بازی در روز ۱۰ فوریه برگزار شد و نتیجه آن ۱-۰ به نفع تیم ملی هند بود.

بقیه از صفحه ۱
با موفقیت کامل پیش رفت. این عمل تعرضی و افکارانه با نام رفیق فدائی شهید سعید سلطانپور نام گذاری شد. در زیر شرح کوتاهی از موقع از نشریه "ویژه اکسیون رفیق کبیر سعید سلطانپور" عیناً نقل میشود.

اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی

مرکز امیرالایم جهانی بسرکردگی امیرالایم امریکا و پایگاه داخلی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایسران
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق ۵۰۰۰۰ زندانی سیاسی آزاد باید گردند. درود بر فدائی و ۵۰۰۰۰۰ عسارهای بودند که چهارم نسامیر بر آخرین روز ایپهای آسیایی بر هرگوشه وکنار دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی نقش بستند. ۲۱ رفیق رزمیده طی چند لحظه ویا برنامہ ای دقیق و تقسیم بندی شده دفتر هوا - بیمائی را حدود یک ساعت به تصرف خود در آوردند. اشغال عیمی جلا د شکته عده تلفنهای قطع گردید و کارمندان به عیوه ای سلامت آمیز و بدنیا ل توضیح اهداف اکسیون به اطلاقی راهنمائی شدند و تا پایان حرکت نیز در آنجا محبوس ایودند. حرکت چنان برق آسا صورت گرفت که از پلیس محافظ و کارمندان کاری ساخته نبود. جمعیت انبوهی در بیرون دفتر تجمع کرده و خیابانهای اطراف مسدود شد. پس از بیست دقیقه کامیونهای پلیس به محل وارد شدند و نمی نمودند که اوضاع را به کنترل خوبی در آورند. این حرکت تحت عنوان اکسیون رفیق کبیر سعید سلطانپور تسبیل مقاومت عیبه است و ۱۰۰۰ این لذتی میبده جان و دان صورت گرفت تمامی مسائل امنیتی و فدائی این اکسیون چندین بار بررسی گشته و کوچکترین امکان بروز هرگونه حادثه از نظر گذشته بود ساعت ۱۰/۵۶ دقیقه صبح حرکت اشغال -

از بازیهای متعدد رفتهها به چهارتنزل بین المللی پول و به قیمت نقرس و بدبختی غیر قابل توصیف میلیونها کارگر و زحمتکش همبزیان با افتتار بازیهای بود صحت به تامل اقتاد و به بهانه نقی وقت موضوع را منکوت گذاشت تا اینکه نه شیخ سوخته باعد و نه کیاب. کمیته تلخی نمود گشته غیر این بهشتها به بهرون نرز بهفا نکند اما بالقره مطلع عد و بر برسی از روزنامهها نیز انکاس بافتت بازیهای نزدیک میند مقامات گومسه و کنار مطرح میگردند که صحت باید از ورزش دور نگه داشته عود طسرف این گفته بهختر نولت ایران بوده همه مهادتند که گروه اعزامی ایران نه برای مسابقات بلکه برای تبلیغات ضد انقلابی خود آمده اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز این مطلب را بنهان ننموده و به صراحت در روزی نامههای بسب آن اعتراف کرده بود. یک روز قبل از افتتاحیه مسئله مشکک دیگری پیش آمد و قرار بود در مراسم رژه اسم عر کشور را زنی در بهنابیش مسوف بازیکنان آن کشور حمل کند. این مصمم با تفکر سه الیضان در تضاد کامل بود. مگر امکان دارد به زرک در مملک پوسیده. رژیم به مشابه تجملات و زبور آلات است و جایگاهش بقیه در صفحه ۳۳

داگاه روزها نما میرتشکیل عنوان هر یک مبلغ ۵۰۰ روپیه ضمانت فردی و معرفی روزانه به پلیس خواسته شد که از سوی وکلای مارک گمت ۱۰ از این روی رفتارها به زندان مرکزی بمبئی منتقل نمودند و هنوز در بند میباشند. داگاه بعدی در روز بیستم نما میرتشکیل خوا - هد عد. اکسیون رفیق کبیر سعید سلطانپور انعکاسی بود از مقاومت و استواری جفیی و نهاتری بود در یاخگوشی بسب وظایلمان در قبال مبارزات اعتسلا. یابنده خلسق.

در حاشیه بازیهایی آسیائی

نهمین دوره بازیهای آسیائی از روز ۱۹ نوامبر در نعلی نو آغاز گشت مسما تن عمل خودنورفته رژیم از شهرهای مختلف هند به نعلی نو آمدند و بسب گروه ورزشکاران و به اصطلاح همراهان پیوستند. جدا از کانیکه در نمکده بازیهای آسیائی بسر میبردند هر عده بیش از ۵۰۰ غذا نر خانه فرهنگسرو میند. در میان همراهان حدود بیست تن ناقص العضو دیده میند که ظاهرا برای تبلیغات علیه جنگ آمده بودند. اما طبق اطلاعات موثقی که گب نموده بسب چند تن از آنان از اعضا بالایی سبب باسداران، ساواما و متخصصن عکسبه بودند که از آنجمله محافظ آیت را میتوان نام برد. فرصتهائی یافتیم که با چند تن از ورزشکاران در گوشه

بقیه از صفحه ۳۳

در حاشیه

رفیق!

در چارچوب محدود خانه میباید حسی را آن هم به این بزرگی اعطا کرد و این دیگر برای مردم نقطه انفجار بود. هرچند کوتاه اما انمکاسی واقعی از موقعیت زن در جامعه ایران در انعام نقیست. این بار با چشم خود میدیدند آنچه را که ما بارها توضیح داده بودیم. رسانه‌های خبری این موضوع را در سرلوحه اخبار خود درج نمودند و تنفر عمومی از رژیم جمهوری اسلامی مد چندان شد. مسئله در اینجا خاتمه نیافت محاربین در استادیم ۷۵ هزار نفری نیرو در روز افتتاحیه بازیکنان ایرانی را به تخریب گرفتند. در این روز بازیکنان ایرانی نیز میخواستند که عکس‌هایی جلاد را حمل کنند که با ممانعت شدید مقامات روبرو شدند. نکته جالب دیگر روز افتتاحیه خودداری از رژه تبسم ایران بعد از تیم عراق بود که بسر مبنی حروف الفبای هندی تنظیم شده بود. بالآخر اندونزی با نرمی نمود و بین دو تیم رژه رفت و بدین ترتیب مخممه پایان یافت.

درگیریهای متوالی بین دانشجویان مترقی با فالانوها و به اصطلاح بازیکنان رخ داد. یک روز پس از آغاز بازیها یکی از دانشجویان به دنبال یک درگیری لفظی دستگیر شد و چون مدارک لازم همراه خود نداشت به زندان نعلی منتقل گشت. روز ۲۲ نوامبر سه تن از رنقای ما با یکی از لیبین‌های خود فروخته به اسم ناصر فرمانفران، نووازه بیان تیم فوتبال و چند فالانوی دیگر درگیر شدند. پس از شکستی که از طبرف رنقای ما شد آنها را همراه مدیر تیم و چند عامل دیگر به پاسگاه پلیسی آوردند که پس از ساعت و با سردن سه هزار روبیه ضمانت برای هر یک آزاد شدند. روز بعد نیز رنقای ما با ضمانت آزاد گشتند. در این جریان رنقای ما شاکتی بودند اما طبق دستور مقامات بالای دولت آنها را یک روز در بازداشت نگهداشتند. از دولت‌ها هم انتظاری بیش از این نیست. شاکتی باید دستگیر شود و مجرم آزاد (روز بعد چهار تن از دانشجویان توسط فالانوها ربوده شدند و در خانه بون‌هنگ رژیم شدیداً مورد

برخی از رفیق
تفنگ به دست
به تجسم
کودکان گرسنه
بسیرون بکش
تاریخ را دوباره
ز زیر خروارها
واژه صنعت و تکنیک
سنام بمب
سنام ویرانی
سنام غیروئیم
برخی از رفیق
که سرزمین من سرشار از گرمی
بوسه‌های برهنه‌ی کودکانی است
که از کویر گذشته است
از بوسه‌های سرخین قدمهای غابرینی
که در گرد و میزهر بامداد
بسوی خرید نان
بسوی فروش کار
بسوی مزرعه و
مدرسه
گیسوان بلند جنگل را
در آغوش شبنم های صبحگاهی
نوازش میکنند.

برخیز رفیق
برخیز
سرزمین من
از بوسه های چرکین
بیزار است
از بمب‌سرمایه
بر آغوش قارنا
ایندرفاش
گریان است
برخیز رفیق
برخیز
که بر بستر سرزمین خود
بر این غبار گرفته‌ی فتر و مرگ چون بذر
رختی نوین
باید دوخت
که ناکجا آبادها
در تضاد واژه های خود
آنجا شود که باید شود
آنجا که دیگر اثری از باهای
برهنه نیست.
آنجا که دستها همگی
یکی است.
آنجا که انسان
و همه چیز
از بهر همه کسی
بر درفش سرخینی

که به رقص نسیم آزادی
در می‌آید
بافته عده است.
برخیز رفیق
که کرستان این سرزمین بمب
این قلب بر جوشش ایران
این شقایق سرخ
اینک بر بالین مرگ فرزندان
گریان است.
برخیز تفنگ به دست
بر واژه‌ی گندم گون شوراها
آوازه‌ی بلند توماج را
بر سرزمین ترکمن صحرا
بیفشان.
برخیز رفیق
برخیز
که بر نی لبیک صحرا
باید سوت بلند کارخانه را
نواخت
وقتی سرود ای رفیق
از هر کوچ و بزرگی می گذری
بگذار دشمن بباید
تفنگهای ما مهمان اوست
مرگ بر دشمنان خلق!

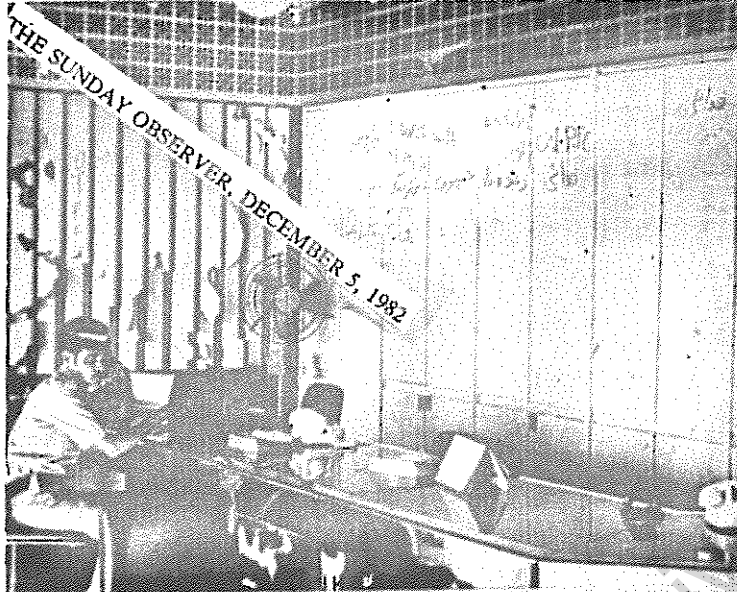
مردود نمره
چهارم نامیر همزمان با مراسم پایان
بازیها دفتر هواپیمایی ایران در
پمپتی به ایتالیا ۲۱ رفیق رزمنده درآمد
در اختتام نیز شبیه افتتاحیه اسم ابر
را یک مرد حمل میکرد و وقتی که سفوف
ایرانیها به مقابل جایگاه رسد شماری
رابیرون آوردند که نوشته بود «ایها
مسلطان برای مدت ۷۵ روز در زندان
بنگله هستند» جمعیت آنها را با
نریانهای خود به تفسر گشت رسانه‌های
مختلف از این حرکت به مثابه یک

دبوانگی سرنام بردند. براساس همه
جواب‌خواه فوق را میدانستند. آنان
قاتل و جناح‌تکارند.
بازیهای آسیایی نیز فرصتی بود تا
رژیم جمهوری اسلامی ایران ماهیت ارت
تجاری و ضد انسانی را خود به همگان
نشان دهد. در این مورد میتوان صلح
ها نوعت اما منت نمونه خروار است
در این میان ما به نوبه خود کوشی
نمودیم که چهره کره رژیم سرمایه
حاکم را بیخ‌افشا کنیم.





انعکاس خبر اشغال دفتر هما در مطبوعات هند



ALL QUIET AT IRAN AIR: A police constable on the telephone at the Iran Air office at Churchgate in Bombay, after 20 anti-Khomeini Iranian students seized it for over an hour on Saturday morning in protest against the violation of basic human rights in Iran. All the students were arrested. Some furniture in the office was damaged, but no one was injured. (See report on page 2)

Iranians sack airline office

By A Staff Reporter

Portraits of Ayatollah Ruhollah Khomeini adorning the walls of the Iran Air office in Bombay were smashed to smithereens and the office's staff held hostage for about an hour on Saturday morning by a group of 20 slogan-shouting anti-Khomeini Iranian students who barged their way into the office.

None was hurt in the incident, down from the walls of almost every room, the protesters took care not to destroy any other property. Police were, however, still determining whether any items had been stolen apart from the keys.

One of the female employees was stated to be pregnant, but was quite composed. As it was Saturday, only part of the about 20-strong staff was on duty.

The students belonged to the Iranian Students Organisation in India, supporters of the Organisation of Iranian People's Fedayee Guerrillas (OIPFG), an anti-Khomeini faction waging a battle against the ruling clergy.

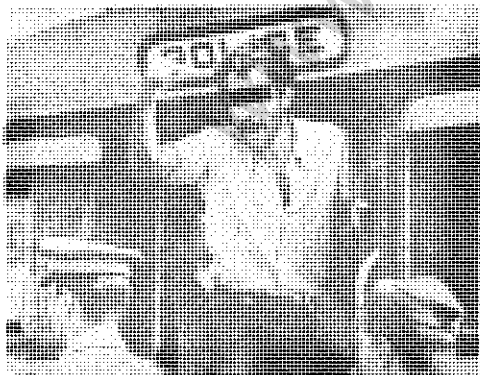
They signed their slogans on the wall with the initials 'OIPFG.' Written in bold red just behind the ticket issuance counter was the legend, "Down With World Imperialism led by US Imperialism and the Islamic Republic of Iran." Other slogans read "Down with Khomeini", "Viva People's Democratic Republic of Iran," "Down with the Islamic Republic of Iran" and

INDIAN EXPRESS

(SUNDAY EDITION)

Bombay, December 5 1982

Largest combined net sales among all daily newspapers in India



An Iranian student raising a slogan while being arrested outside the Iran Air office near Churchgate on Saturday morning. The arrests were a sequel to the siege of the office by Iranian students opposed to Ayatollah Khomeini.

THE DAILY Sunday December 5 1982

Iran Air ransacked

By The Daily Staff

TWENTY Iranian students belonging to the Iranian Students' Organisation today seized the Iran Air office at Churchgate and occupied it for about 40 minutes, shouting anti-Khomeini slogans.

and his deputy, Mr. Rusi Patel, into Mr. Baveja's room. All the staff-members stressed that no force was used by the agitators and they were merely requested to shift into the room. They were too shaken up to protest or resist.

Apart from the large portraits of the ruling mullah which had stared

white lettering by the time the police came and took away the group.

Sales Manager Jagdish Rai Baveja said two women had come into the office via the main entrance. They pretended to have some business and occupied a sofa. Soon after,

"Down with Anti-People Regime in Iran." Even the show-windows were cluttered with the protest statements.

Even while the agitation was in progress, an OIPFG representative called on the Indian Express office with a cyclostyled account of the hold-up, testifying that the action was well planned.

The statement explained that the action had been taken "to protest against the violation of the basic human rights of the Iranian people and the behaviour of the Iranian contingent during the Asian games currently being held in New Delhi."

"The atrocities of the Khomeini regime are too well-known in the world," the note continued. "Today there are 20,000 people executed and 30,000 political prisoners languishing in the torture chambers of Iran."

NEWSTREK'S ON THE SPOT ACCOUNT OF...

HIGH DRAMA

IRANIANS BRING THEIR WAR TO BOMBAY

JOY RAFAEL & ALVIN FERNANDEZ

of Sunday

1100-1110

1110-1120

1120-1130

1130-1140

1140-1150

1150-1200

1200-1210

1210-1220

1220-1230

1230-1240

1240-1250

1250-1300

Iran Air O

By A Staff Reporter

For half an hour on Saturday morning, 20 Iranian students, supporters of the Iranian People's Fedayee Guerrillas "seized" the Bombay office of Iran Air at Churchgate as symbolic protest

in spite of two un and bolted the do They cut the tel smashed up fram of the Ayatollah slogans on the wt no major damage dents were unarm

امریکا و سران جمهوری اسلامی در مقطع قیام بهمن ۵۷

خاطرات ویلیام سولیوان سفیر سابق امریکا در ایران

آنچه در زیر میخوانید ترجمه و تلخیصی است از بخشهای مختلف کتاب "ما موریت برای ایران" نوشته ویلیام سولیوان سفیر سابق امریکا در ایران. این کتاب حاوی نکات تاریخی مهم و افشاگرانه‌ای است درباره چگونگی سقوط شاه و زد و بندهائی که در جریان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی صورت گرفته بود. آن قسمت‌هایی از کتاب که آموزنده‌تر و مهم‌تر به نظر می‌رسد در چند شماره "جهان" درج می‌گردد.

صحیح حکومت آمریکا را که میتواند منافع حیاتی ما را در ایران حفظ کند تعیین کند اندکی بعد از اینکه از هاری به نخست‌وزیری انتخاب شده به این نتیجه رسیدم که استقرار حکومت نظامی نماندند آخرین شاه است. اگر حکومت نظامی نتواند نظم و قانون را برقرار کرده و تولید صنعتی را به حالت قبل برگرداند انقلاب قطعاً بی‌روز خواهد شد و ما باید نتایج آنرا بپذیریم. در نهم نوامبر ۱۹۷۸ تلگرافی مشتمل بر سیاست آینده ما تهیه کرده و توصیه های لازم را متذکر شدم. در این تلگراف مجدداً برخی از کلیشه های اساسی در مورد ایران را یادآوری کرده و تغییرات آنرا ارزیابی نمودم. مثلاً این امر را - متذکر شدم که ثبات در ایران بر دو رکن استوار است: حکومت سلطنتی و مذهب شیعه. در ۱۵ سال گذشته رکن مذهبی به میزان قابل توجهی مطلوب رکن دیگر یعنی حکومت سلطنتی شده است. تغییرات در نیروهای مذهبی آشکار بوده اما لازم بود آنچه بر حکومت سلطنتی میگذشت مورد مطالعه قرار گیرد.

مسلّم بود که حمایت توده‌ای از شاه به میزان بسیار قابل توجهی کاسته شده و تنها قدرت واقعی او ناشی از ارتش بود درحالی که قبلاً هر نظری شاه را رکن سلطنت است می‌شناخت. این تغییر کاملاً آشکار شده بود و این رابطه با استقرار حکومت نظامی

در تهران بخش سیاسی ما فعالیتها با نهضت آزادی تحت رهبری بازرگان در تماس بوده و از گرایش او در مورد انقلاب آگاه بود.

درست بموقع تماس ما با آیت‌الله بهشتی برقرار شد. واسه این تماس یکی از کارمندان فارسی زبان سرویس خارجی ما بود که قبلاً در تهران خدمت کرده و برای گسترش رابطه ما با گروه های انقلابی (روحانیون) توسط من به ایران فراخوانده شده بود. هر دو بازرگان و بهشتی شخصیت‌های جالبی بودند. علی‌رغم روابط نزدیک آمریکا با شاه، کلاً نسبت به ایالات متحد آمریکا گرایش داشتند. بنظر می‌رسید که ایندو این امر را تشخیص میدادند که تهدید اصلی برای آینده ایران از ناحیه شوروی است نه آمریکا و بر این امر اعتقاد داشتند که آمریکا علی‌رغم رابطه نزدیک با شاه برای مدتها می‌تواند نیروی برای پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران بوده است. ما بهر حال کاملاً مطمئن نبودیم که آیا گرایشی که آنها به ما عرضه میکردند همان گرایشی بود که در بین هواداران آنها وجود داشت و مخصوصاً در مورد گرایش‌های آن جوان‌های را دیگالی که فعالیت مخالفین را در خیابانها و شهرهای بزرگ رهبری میکردند، مطمئن نبودیم با توجه به این گرایش‌های متضاده سعی کردم از وضعیت ارزیابی کرده و عملکرد

تغییر یافته بود و وضعیتی را ایجاد کرده بود که نشان دهنده قدرت ارتش بوده. ارتشی که شاه را حمایت میکرد. من احساس میکردم که این وضعیت جدید ما را ملزم میکند - رابطه عملی و بالقوه بین ارتش و مذهبپون را بررسی کنیم...

... من وضعیتی را پیشنهاد میکردم که بر اساس آن نه تنها شاه بلکه اغلب افسران عالی‌رتبه ارتش میبایستی کشور را ترک کنند و توافق بر سر ماهیت رژیم آیند بین رهبران مذهبی و رهبران نظامی انجام شود. در این توافق‌ها آیت‌الله خمینی میبایستی دولتی به رهبری چهره های لیبرال مثل بازرگان و میناچی تشکیل میداد و بدینوسیله از تشکیل حکومتی از نسوع "ناصر - نذافی" که فکر میکردم و بیشتر خویش می‌آید برحذر می‌ماندیم. این امور میبایستی طی یک سری انتخابات برای مجلس مؤسسان، قانون اساسی جدید و بالاخره پارلمان انجام میشد.

به نظر من رهبری مذهبی از جمله خود خمینی با این طرح موافقت میکردند زیرا اهداف اصلی آنها را که شامل حذف شاه، جلوگیری از خوشریزی و داشتن ارتش برای استقرار نظم به نفع رژیمشان بود در بر میگرفت.

این طرح از نقطه نظر ما هم رضایت بخش بود زیرا مانع هر هرج و مرج شده و یکبارگی ایران را تامین کرده، استقرار رهبری تندرو را غیرممکن ساخته و تسلط شوروی بر خلیج فارس را عمیقاً مسدود میکرد. در این معامله چیز عمده‌ای که ما از دست میدادیم عبارت میشد از کاهش در روابط نظامی و امنیتی، تغییر موضع ایران از طرفداری از اسرائیل به ضد صهیونیسم و تا اندازه‌ای وفقه در روابط و معاملاتمان. گرچه چنین قراردادی در مقایسه با - قراردادهائی که در زمان شاه از آن سود می‌جستیم کمتر به مذاقمان خوش می‌آمد.



امریکا و

سران جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۳۶

اما این طرح مسلماً بهتر از آن بود که يك انقلاب نوریس به پیروزی برسد و یکبارچگی نیروهای مسلح از بین برود. از اینرو من پیشنها کردم که به آنچه باور نکردنی بود فکر کنند و برای این امر ممکن آ ماده شوند. از گزارش های بعدی چنین نتایجیم شد

... من انتظار ناعتم که پیشنها نم تر - واغنگتن جدی گرفته شود و به من رهنمود عمل بدهند. اما واغنگتن هیچگاه به ایسن تلگراف باخی نداد.

نوامبر را پشتسرگذاخته و وارد ماه سامبر میشدیم بدون آنکه دستورالعملی از وزارت خارجه یا واغنگتن بطور کلی دریافت کنیم. سخنگوی وزارت خارجه و خود رئیس جمهور مرتباً حمایت خود را از شاه اعلام میکردند. این حمایت آنچنان مرتب و بی-

شده بودند. فرصت برخوردار سیاسی که ممکن بود سرنوشت رژیم شاه را تعیین کنند با استفاده از ظرفیت سازش پذیری ایرانی از دست (مردم) خارج شد.

مشکلات قدیمی همچنان برجای باقی ماند اعتماد بیون مناطق نفتی، هوا بیمائی، برق و دیگر بخش های عمده صنعتی فعالیت خود را از سر گرفتند. کاهش مواد سوختی، گازوئیل و سایر وسائل حیاتی گسترش یافت. شورش مخصوصاً در اطراف دانشگاه تهران از سر گرفته شد. استقرار نظم توسط دولت از هاری امید بخش نبود.

بیستم سامبر شب در خانه بودم که از هاری تلفن کرد و از من خواست بدیدنش بروم.

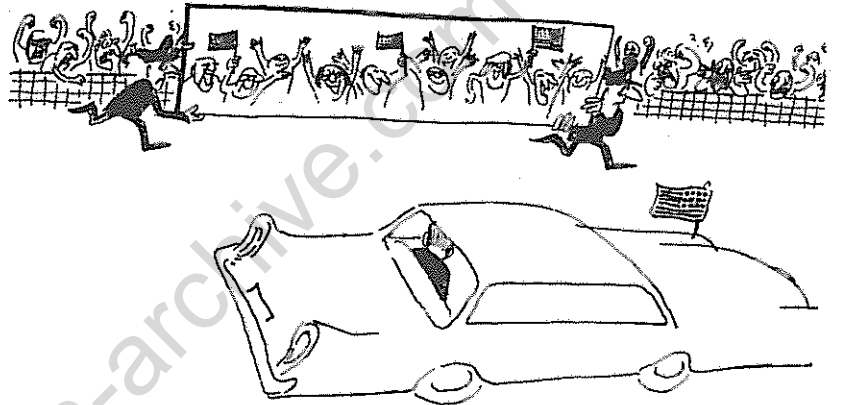
ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۶ سامبر بملاقاتش رفتم. وقتی وارد اتاقش شدم، با کمال تعجب مشاهده کردم که در گوشه اتاق چراغی روشن است و از هاری در حالیکه پیژامای راه راه پوشیده زیر يك بتوی ارتشی روی برانکاری دراز کشیده است. این منظره

من را بیاد مصداق انداخت که معمولاً مقامات دولتی و مطبوعات را در همین وضعیت به حضور می پذیرفت. بعد از اینکه کنارش نشستیم گفت بیماریش خیلی جدی نیست و بزودی کارش را مجدداً از سر خواهد گرفت. در مورد مشکلاتی که برای استقرار نظم و قانون داشت برایم گفت و درباره دستورات مکرری که از شاه برای اداره حکومت نظامی به او میرسد توضیح داد. میگفت که نظامیان تقریباً نزدیک به چهار ماه است که در خیابان ها هستند و شدیداً روحیهشان تضعیف شده است. اینکه فقط مجازند در مقابل هرگونه فناری فقط تیر هوایی شلیک کنند آنها را در وضعیت شوک قرار داده است.

سپس چنین ادامه داد که: "ما با یستی اینرا بدانید و به دولت خودتان هم اطلاع بدهید که این مملکت از دست رفت بخاطر اینکه شاه قادر نیست تصمیم بگیرد" دستش را فشردم و از او خدا حافظی کردم.

سپس چنین ادامه داد که: "ما با یستی اینرا بدانید و به دولت خودتان هم اطلاع بدهید که این مملکت از دست رفت بخاطر اینکه شاه قادر نیست تصمیم بگیرد" دستش را فشردم و از او خدا حافظی کردم.

بقیه در صفحه ۹



که این تلگراف در واغنگتن موجب مقداری توهم و ناراحتی شده بود. توهم و ناراحتی نه بخاطر پیشنها ذات من بلکه بخاطر اینکه اولین بار بود که رئیس جمهور از این امر مطلع میشد که شاه ممکن نیست دوام بیاورد و رفتنی است. تا آن موقع یا

رئیس جمهور آنقدر سرگرم مسائل کمپ دیوید بود که فرصت پرداختن به مسئله ایران را نداشت یا اینکه گزارش دهندگان امنیت ملی (منظور جناح برزیلنسکی است) نخواستند او را با مسائل ایران نیز درگیر کنند.

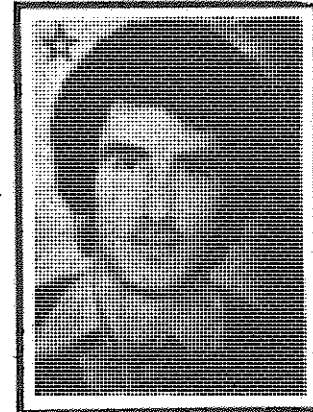
در هر حال کارتر بعد از دریافت تلگرام من، یادداشت های دست نویسی به مایروس و ونس، برزیلنسکی، براون و ترنر رئیس سیا نوشت مبنی بر اینکه چرا در مورد وضعیت ایران به او گزارش (دقیق) داده نشده است. بنا بر دلائل مرموزی که به رهبری کاخ سفید مربوط میشود بعد ها این یادداشت های دست نویسی به خارج کاخ سفید نفوذ کرده و در مطبوعات چاپ شدند.

در پی اعلام میشد که بین رسانه های گروهی آمریکا بصورت جوك درآمده بود. حتی خود شاه بمن میگفت که از تکرار بی دربی این امر خجالت می کشد. میگفت این امر او را آلت دست آمریکا معرفی کرده و به اعتبار و استقلالش لطمه میزند !!

... تظاهرات روز عاشورا مسالمت آمیز بود. بین دولت از هاری و نمایندگان گروه های اپوزیسیون توافق شده بود که در روزهای تاسوعا و عاشورا برخوردی ایجاد نشود. بهر حال هجوم مردم به خیابان ها غیر قابل اجتناب بود. اردشیر زاهدی که با هلیکوپتر راهپیمایی را مشاهده کرده بود جمعیت را ۴۰۰ هزار نفر تخمین میزد در حالیکه

را دیو بی بی سی جمعیت را دو میلیون نفر اعلام کرده، ولی مطابق بهترین تخمین سفارت در این دو روز هر روز يك میلیون نفر به خیابان ها آمدند. بطور کلی، علیرغم مراسم عزاداری، مردم نسبتاً آرام بودند. پلیس و ارتش از مسیر راهپیمایی دور نگهداشته

و ارتش از مسیر راهپیمایی دور نگهداشته



فدایی شهید
رفیق شاهرخ میثاقی

دوره بر فدائی خلق رفیق شاهرخ میثاقی اولین شهید جنبش دانشجویان خارج از کشور

اولین سالگرد شهدا در رفیق شاهرخ میثاقی را گرامی داریم

۱۴ ژانویه امسال اولین سالگرد رفیق شاهرخ میثاقی، عضو فعال تشکیلات هوا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مانیل (فیلیپین) بسمت مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میباعد. بیروزیهای درخشان جنبش دانشجویی در افشای چهره ددمنش و ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی در نظر جهانیان، مزدوران رژیم را برآن داشت که با گسترش دامنه ترور و آدمکشی به خارج از کشور، بخيال خود بخواهند جو ارباب و وحشت را بر جنبش دانشجویان مترقی مستولی ساخته، ایستادگی و مبارزات آنها را در هم بزنند. اما دانشجویان متعهد، بویژه ادامه دهندگان راه فدائی خلق شاهرخ میثاقی، حتی تا پای تقدیم چند شهید دیگر به جنبش خلق، پیش رفته از بیمودن راه زحمتکشان سست نگردیدند. بنذار تمام دانشجویان مبارز نماندند که تاسرتگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ویا برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان راه شاهرخ ادامه دارد و یا دش گرامی و جاودان است.

امریکا و ...

بقیه از صفحه ۹

اعتقاد و علاقه ای به مبارزه مسلحانه در جریان انقلاب ندا شدند چنین احساس میکردند که توافق با نیروهای مسلح قبل از مراجعت خمینی به ایران ضرورت خاصی دارد.

۵- اکنون دیگر مراجعت خمینی تقریباً قطعی بود. رسماً اعلام شده بود که شاه آماده است پس از انتصاب بختیار بعنوان نخست وزیر و تشکیل شورای سلطنت، برای یک مرضی طولانی ایران را ترک کند. برای اغلب ایرانیان این تحولات بعنوان بزرگ انجیری بود برای خروج آبرومندان شاه و خنده ناز کردن پیروزی آیت اله و انقلابش. بنا بر این مقدمات مراجعت آیت اله و همکارانش به تهران برای اوائل سال سیحی بطور جدی در دست تهیه بود.

...
...

۱۶- همچنان که بیایان سال نزدیک میشدیم اوضاع در ایران تغییر می یافت. شاه تصمیم گرفت بختیار را بعنوان نخست وزیر انتخاب، اعضای شورای سلطنت را پهنصوب کرده و کشور را ترک کند. در حال او - اصرار داشت که این مراحل دقیقاً مطابق

نظریکی از مسئولین نفت ...

این جریان (وحدت کمونیستی) در هندوستان آمده از ۶/۵ میلیون برولتاریای ایران بیش از ۲ میلیون نفر آنرا برولتاریای صنعتی تشکیل میدهند. غایده و من فکر میکنم یقیناً رفقای عزیز وحدت کمونیستی کارگران بخش خدمات را هم جزو کارگران صنعتی آورده باشند. صراحتاً بگویم که برولتاریای نفت که بیشترین بخش کارگران ایران است و قلب پرولتاریا برولتاریای ایران محسوب میشود نه تنها از آگاهی ذهنی لازم برخوردار نیست بلکه بسیاری از آنان در بخش حفاری و کارگران بیمانی (که تعداد آنان ۱۲۰۰۰ نفر میباشد و در مقابل تمام کارکنان نفت که ۶۵۰۰۰ نفر میباشد رقم کمی نیست) منشاء روستائی دارند. ای کاش نویسنده مقاله حداقل برای مدتی کوتاه در میان این کارگران می زیست و دچار ذهنیت مغشوشی نمی گشت.

(این نوشته بهیچ وجه قصد تشریح و بررسی وقایع مربوطه را نداشته است.)
با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان از مسئولین نفت

بعنوان مشاور در مسائل ایران به کاخ سفید فراخوانده شد. جرج بال سابقه طولانی در مسائل ایران داشت. او اخیراً بعنوان عضوی از حرکت سرمایه گذاری برادران - له من از ایران دیدن کرده و با من هم در مورد مسائل ایران صحبت کرده بود. بنظر من عقایدش قابل اعتبار بود. ۱۸- هنگامی که بال برای مذاکره دعوت شده بود، ایران در حال از هم گسیختگی بود. شاه انواع فرمولها را امتحان میکرد تا شاید بتواند همچنان در قدرت باقی بماند یا اینکه لافلسله بیلوی حفظ بشود. او ضمناً دریا فته بود که سلسله ۹- بقیه در صفحه ۳۸

قانون اساسی انجام شود و اصلاً عجله ای به خرج نمیداد (در حالیکه آمریکا خیلی عجله داشت که مبادا جنبش را دیگالیزه شود). وضعیت نیروهای مسلح متشنج شده بسود متاوران نظامی ما گزارش میداند که حالت ابهام و ناامیدی مخصوصاً در بین افسران جوانتر بروز کرده است. در ایران نیروهای مسلح به شاه، میهن و خدا - با همین ترتیب - گوگرد یاد میکنند. رفتنی شدن شاه موجب نگرانی در مورد وفاداری نیروهای مسلح شد و در صورتیکه آنها اطمینان داده نمیشد ممکن بود دست به اقداماتی بزنند.

۱۷- جرج بال، معاون سابق وزارت خارجه



سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد



روز اول ژانویه مصادف است با بیست و چهارمین سالگرد انقلاب کوبا. در چنین روزی در سال ۱۹۵۹ بود که نیروهای مسلح تحت رهبری فیدل کاسترو وارد هاوانا پایتخت کوبا شدند. این پیروزی، نتیجه سه سال تهور و شجاعت و پیگیری مبارزاتی بود که ممصم به شکست دیکتاتوری و فساد و استثمار حکومت وابسته با ایستا بود.

علیرغم کوشش‌های امپریالیسم آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب کوبا در سطح بین‌المللی و نابودی آن با هر وسیله‌ای که در دست داشتند، مثل حملات متعدد نظامی، اقدام به ترور رهبران، از بین بردن محصولات کشاورزی، نامن زدن به جنگ میکروبی، محاصره اقتصادی و بالاخره تبلیغات سیاسی علیه مردم و رژیم کوبا، انقلاب کوبا پیروز شد.

انقلاب پیروزمند کوبا نمونه بارزی از سلسله انقلابهای دموکراتیکی است که در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم به ثمر رسید و به سوسیالیسم گذار کرد. امروز کوبا مثال زنده برتری نظام سوسیالیستی نسبت به سرمایه داری است. قبل از انقلاب مردم کوبا در فقر و بدبختی و زیر فشار استثمار موسسات و شرکت‌های آمریکائی زندگی میکردند. با وجود تمام فشارهایی که از طرف امپریالیسم آمریکا مستقیم و غیر مستقیم روی کوبا اعمال میشود، امروز کوبا در زمینه پزشکی، مسکن و کار از سایر کشورهای آمریکائی لاتین پیشرفته تر است.

در روز اول ژانویه ۵۹ بدنبال اعلام اعتماد عمومی در کوبا فیدل کاسترو خطاب به مردم و بویژه طبقه کارگر کوبا گفت: "دیگر هیچ چیز و هیچکس نمیتواند جلوی پیروزی انقلاب را بگیرد." و برآستی که تا بحال هیچکس نتوانسته است مانع پیشروی انقلاب کوبا گردد.

هر جا که قلبی برای آزادی می تپد، مردم برای همبستگی با انقلاب و مردم قهرمان کوبا این روز را جشن میگیرند.

ختم کارگران و زحمتکشان رژیم بدآئین اسلامی را نیز همسین حکومت پهلوی کند، رژیمی که نه تنها با ورزش و استعداد های ورزشی، بل با هر چه که توان رویش و بالندگی دارد از بن دندان کینه میورد. یاد جهان پهلوان تختی قهرمان ملی گرامی باد

تختی ...

کرد و به جهان کنتی روی آورد و با پیروزیهای بی مانندی که بزودی در صحنه های ایران و جهان بدست آورد، از سوی توده ها، جهان پهلوان نامیده شده، نامی که برآستی او را زینبند بود.

اهمیت جهان پهلوان نه تنها در اهتراز اندام ورزیده اش بر سکوهای افتخار جهانی، بل در وفاداری استوارش به آرمانهای سوده ها بود. جهان پهلوان تجسم زور و آشتی ناپذیری زحمتکشان بود. ژرفسای فروتنی اش با مردم و صلابت گردنکسی اش در برابر دولتمردان شخصیتی بی همتراز به او میبخشید و حقیقتاً همین تنغرو رویگردانی اش از حکام وقت بود که او را با موج اقبال توده ها روبرو میکرد.

تاریخ همواره مایه هراس سردمداران حکومت ننگین پهلوی بوده، و این هراس سرانجام آن فرومایگان را برآن داشت که به شهادت دست یازند.

رژیم منفور پهلوی از بیم ختم توده ها شهادت تختی را "خودکشی" اعلام کرد. با اینهمه خبر "خودکشی" جهان پهلوان موج عظیم اعتراضات توده ها را برانگیخت. در برگزاری مراسم "هفتم" و "چشم تختی" توده های وسیع مردم فعالانه شرکت کردند و این مراسم عملاً به تظاهرات بزرگی بر علیه رژیم پلید پهلوی تبدیل شد. در تظاهراتی که در رابطه با شهادت جهان پهلوان در دانشگاه تهران برگزار شد، صدها دانشجو دستگیر شدند.

تختی نهادی از استعداد شکوفان توده های زحمتکش بود، که از میان مردم برخاسته با آنان زیست، و هرگز از آنان نگست. اگرچه رژیم منفور پهلوی پهلوان را چون هزاران مبارز دیگر راه آزادی بسه شهادت رسانیده، اما سرانجام توده ها برخاستند و آن رژیم منفور را به مزبله تاریخ فرستادند. دیر نیست روزی که توفان

نظریکی از مسئولین نفت....

بقیه از صفحه ۴۸

میباشد ولی نقش تعیین کننده در اقتصاد جامعه ایفا نمیکند چنانکه در اعتصابات قبل از قیام علیرغم آنکه این بخش از کار افتاده رژیم هیچگاه بطور واقعی دچار کمبود مواد نفتی نگردید. زیرا از يك طرف قسمت "پروسی" (بخش تقطیر و تصفیه) برای رژیم قابل کنترل بود (بدلیل اتوماسیون پیشرفته تولید و کمی پرسنل مورد نیاز) و از سوی دیگر ولواینکه این قسمت هم از کار می افتاده تأمین مواد نفتی مورد نیاز مصرف داخلی از خارج سهولت صورت میگرفت. کما اینکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تعطیل پالایشگاه آبادان (در حقیقت از دست دادن ۶۵۰۰۰ بشکه فرآورده نفتی از مجموع حدود يك میلیون نیسان داخلی) امروز سهولت قادر به تأمین مواد مورد نیاز مصرف داخلی از خارج میباشد.

بخش صادرات که نقش پراهمیت و تعیین کننده ای در اقتصاد تك محصولی جامعه ایفا میکند. بدلیل عدم تمرکز و تجمع کارگران در این بخش از لحاظ سیاسی - صنفی اهمیت چندانی ندارد. کارگران این بخش از نظر سیاسی عقب مانده تر از بخش تولید و تصفیه میباشد و اگر حتی تمامی کارکنان این بخش به اعتصاب کشیده شوند، بدلیل بالا بودن اتوماسیون دستگاه ها که الزاماً پرسنل کمتری مورد نیاز آن میباشد برای رژیم قابل کنترل است. چنانکه در دوران اعتصابات قبل از قیام عده کمی از کارکنان این بخش به اعتصاب پیوستند و رژیم شاه با گماردن پرسنل فنی نظامی و پرسنل خودفروخته نفتی بجای آنها از پس این مشکل خود برآمد. طبق گزارشات زیادی که بعد از قیام به سازمان داده شد و همچنانکه تمامی نفتگران بخاطر دارند، تا آخرین روزهای سقوط شاه نفت همچنان صادر میشد و قسمت "پروسی" پالایشگاه آبادان بکار خود ادامه میداد.

بهررور، پس از ۲۸ مرداد (فاجعه آتش سوزی سینما رکس آبادان) و جمعه خونین ۱۷ شهریور که شرایط نهنی برای سرنگونی رژیم شاه بسیار آماده بود و موقعیت انقلابی حاکم بر جامعه تمام توده ها و بخشهای وسیعی از کارگران را بعرضه مبارزه گشوده بود تا مهرماه ۵۷ بجز تك جوشهایی که عمدتاً بطور قانونی (مثلاً نامه نگاری به مقامات) در نفت حرکتی نبود. اولین حرکت سازمان یافته توسط بیش از ۵۰ تن از کارمندان دون پایه یکی از بخش های پالایشگاه آبادان در ۱۵ مهرماه آغاز شده که به دلیل آماده نبودن بسیاری از معین عده قلیل با وعده و وعید مسئولین ظاهراً به خاموشی گرائید. يك هفته بعد همین تعداد و کمی بیشتر مثلاً حدود ۷۰ تن اعتصاب دوباره را از سر گرفتند. پس از سه روز یعنی ۲۴ مهرماه با یورش نیروی دریائی، شهرپائی، نیروی زمینی و ساواک آبادان منجر به دستگیری و اخراج تمامی اعتصاب کنندگان شد. هم زمان با این دستگیری و اخراج تمام کارکنان پالایشگاه آبادان در اعتراض به این عمل نسبت از کار کشیدند و این آغاز اعتصاب گسترده و با شکوه نفتگران آبادان و گسترش آن در سطح خوزستان گردید. اما موضوعی که دقیقاً مشهود بود نقش متزلزل کارگران در این اعتصابات بود (اگرچه یکبار گزارش کامل وقایع روزانه اعتصاب تهیه شد و به سازمان ارائه گردید و يك نسخه آماده چاپ آن در - حمله به ستاد آبادان مفقود گردید. سعی خواهم کرد در فرصتی مناسب تا آنجا که وقایع بخاطرمان مانده بطور مفصل توضیح هم. در این رابطه از سایر رققای نفتگر که در جریان امر بودند خواهش میکنم دانسته های خود را تنظیم و در اختیار سازمان قرار دهند.)

اعتصاب در آبادان، هوازه ماه مهر و آغاز جاری عمدتاً توسط کارمندان جوان هدایت ورهبری میشد. و اما پس از قیام "شورای کارکنان پالایشگاه آبادان" که شامل "شورای کارمندان" و "شورای اسلامی کارگران" بود نه تنها امور پالایشگاه را بلست نگرفت حتی نتوانست به

بازداشت عسکران انقلابی
محرکین کمین

سالگرد شهادت شکراه پاکتراد مبارز خستگی ناپذیر گرامی باد

اعدام جنایتکارانه شکراه پاکتراد

شکراه پاکتراد یکی از مبارزان برجسته و خستگی ناپذیر مبارزان آزادیخواه و انقلابی ایران بود. او در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی و در دوران تبعید در خارج از کشور، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت. او در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت.

شکراه پاکتراد در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت. او در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت.

شکراه پاکتراد در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت. او در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، با فعالیت های گوناگون در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سهم بسزایی در تحولات ایران داشت.

امریکا و ...

بقیه از صفحه ۳۸

پهلوی رو به انقراض بوده و لازم است بصا يك نوع مکانیسم انتقالی عناصر میانه رو سیاسی، انقلاب را غصب کنند.

۱۹- در تهران فقط من از نظر بال آگاهی داشتم زیرا او از وزارت خارجه خواسته بود که چند تلگراف به سفارت بزنند و در مورد شخصیت های سیاسی که ممکن بود بتوانند نقش واسطه را در این مکانیسم انتقالی بازی کنند جستجو کند. ما به این درخواست جواب دادیم ولی مطمئن نبودیم که ایسن

بقیه در صفحه ۴۱



نظریکی از مسئولین نفت ...

تصفیه و پاک‌سازی مزدوران رژیم شاه و اعتصاب شکنان نست‌بزند. علت این امر آن بود که "عورای اسلامی کارگران" تماماً از عناصر متزلزل تشکیل می‌شد که با روی کار آمدن رژیم جدید از بروز هرگونه حرکت مترقی مسانعت بعمل می‌آورد. تنها یک عنصر مترقی در درون این عورا بود که هم اکنون وی در ارتباط با مجاهدین مخفی می‌باشد. "عورای کارکنان" که مترقی بود با وجود موانع فراوانی که در پیش رو داشت قادر به انجام کارهای مهم و اساسی نبود (البته این بیان بهیچ وجه بمعنای نفی حرکات مترقیانه و انقلابی این عورا نمی‌باشد). در مورد هیئت‌های بازرگان، نماینده امام در مورد تولید نفت که قبلاً از قیام رفسنجانی، بازرگان، صباغیان و دو تن دیگر به پالایشگاه آب‌آبادان آمدند. بازرگان تلاش نمود که با میکرو حیل کارگران را تشویق بکار نماید. اصل قنیه این بود که بازرگان مدعی بود که یک کنتی حامل مواد دارویی در اسکله باید تخلیه شود. در کنتی از مبادا بارگیری مقداری نارو در پائین‌ترین انبار جای داده شده بود و آهن آلات، مواد غذایی (برنج) و وسائل نفتی را در انبارهای فوقانی جای داده بودند. بازرگان هم تحت بهانه مواد دارویی و نیاز مبرم به آنها سعی می‌کرد که حتماً کنتی تخلیه شود. این عمل بمعنی کار انداختن بسیاری از بخش‌های اعتصابی بود. یعنی اگر تخلیه صورت می‌گرفت، اداره حمل و نقل (برای بارگیری و تخلیه)، انجین شاپ Engine Shop (برای تعمیرات ماشین‌های حمل و نقل) و اداره انبارها (برای تحویل اجناس) بکار می‌افتادند. این حیل بازرگان رو شد و کارکنان با خودداری از این عمل نقش او را بر ملا کردند. تولید مواد نفتی مورد نیاز مصرف داخلی که بخش اعظم آن (حدود ۶۰۰۰۰ بشکه در روز که در پالایشگاه آب‌آبادان تهیه می‌شد) از کار نیافتاده بود که کسی تلاش کند آنها را بکار برگرداند و تولید نفت نه تنها کاهی نیافتاده بود، چه رسد به آنکه قطع شده باشد. تلاش‌های کارکنان نفت خسارک برای جلوگیری از صدور نفت در آخرین روزهای نزدیک به قیام مؤید این واقعیت است.

اما اینکه نویسنده مقاله مدعی است که نفت‌گران "با جمعیت حقوقدانان و نمایندگان بیخ خارجی رسماً مذاکره کردند" در پاسخ به این ادعا فقط می‌توانم بگویم که بجز انعکاس اخبار اعتصابات نفت در سطح جهانی هیچگونه مذاکره‌ای بین نمایندگان نفت‌بسا جمعیت حقوقدانان و نمایندگان بیخ خارجی صورت نگرفت و تنها آقای گیانوری در یک کنفرانس مطلوبوعاتی در خارج از کشور مدعی شد که ۹۰٪ کارکنان نفت به "فرمان" او دست به اعتصاب زده‌اند. اگر منظور نویسنده مقاله از آوردن چنین گزارشات غلوآمیز اینستکه پیش از پیش کارگران را آگاه به منافع تاریخی - طبقاتی خود جلوه دهد، تا به تبیین تئوریک نظرات خود بپردازد (همچنانکه وحدت کمونیستی برای جا انداختن تئوری سوسا - لیستی بودن مرحله انقلاب، متوسل به نفی واقعیات عینی و بزرگ‌جلوه دادن کمیت و کیفیت بخشی از نیروهای مولد که همانا پرولتاریاست می‌شود. در نشریه "جریس" ارگان هواداران بقیه در صفحه ۲۸

یادنین برای همیشه در قلب و مغز زحمتکشان جهان زنده خواهد ماند.



در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ ولادیمیر ایلیچ - لنین، رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی کبیر و آموزگار بزرگوار پرولتاریای جهان درگذشت. کمونیست کبیری که ۲۷ سال تمام با تلافی خستگی ناپذیر در کنار و پیشاپیش طبقه کارگر و زحمتکشان روسیه و جهان بر علیه اردوی سرمایه و ارتجاع برزمید و در این راه پیگیرانه و بی‌گشت با تمام انحرافات و کجرویهای درون جنبش انقلابی روسیه و جنبش کمونیستی جهانی مبارزه کرد و سرانجام در این روز دیده از جهان فرو بست.

مرگ رفیق لنین گرچه کارگران، زحمتکشان و انقلابیون کمونیست سراسر جهان را در اندوهی بزرگ فروبرد اما میراث عظیمی که از او بجای ماند در کنار آثار تاریخی رفقا مارکس و انگلس چراغ راه - نمای پرولتاریای جهان در نبرد علیه سرمایه داری و برای رهایی همه بشریت پیشرو گردید.

یاد لنین در قلب پرولتاریای جهان و نام عزیز او بر درفش سرخ اردوی کار و زحمت جاودانه خواهد ماند.

☆☆☆

هرگز به سفارت نرسید. بعداً در ملاقاتهای خصوصی که با جرج بال داشتیم از پیشنهادهایش مطلع شدیم.

۲۱- همچنانکه جریان‌ها به پیش می‌رفت، مذاکرات ما با آیوزیسیون روشن تر می‌شد. اعضاء نهضت آزادی این امر را برای ما روشن بقیه در صفحه ۶

امریکا و ...

بقیه از صفحه ۴۰
افراد در این شرایط بحرانی چقدر می‌توانند مؤثر واقع شوند.

۲۰- در تحلیل نهایی این امر چندان اهمیتی نداشت زیرا کاخ سفید گزارش جرج - بال را رد کرد. نسخه‌ای از این گزارش



اطلاعیه درباره شماره ویژه

هیئت تحریریه "جهان" در نظر دارد که شماره ویژه‌ای به مناسبت سومین سالروز فاجعه خونین ۱ اردیبهشت (روز دانشجو) در اردیبهشت ماه ۶۲ انتشار دهد. این امر مهم بدین جهت است که بتواند نمایانگر گوشه کوچکی از فجایع خونین دانشگاههای ایران باشد با ما همکاری کرده هرگونه سند، عکس، فیلم، طرح، شعر و یا نوشته‌ای در این رابطه در اختیار دارند برای ما (به آدرس "جهان") ارسال دارند. باشد که با همکاری و همیاری شما بتوانیم با انتشار این مجموعه خاطره شهدای این روز تاریخی را زنده داشته و گوشه‌ای از دین خود را نسبت به آنها ادا کنیم.

هموطنان مبارز!

بمنظور بزرگداشت ۲۲ بهمن سالروز قیام مسلحانه خلق و ۱۹ بهمن سالروز ستاخیز سیاهکل

در مراسمی که از سوی

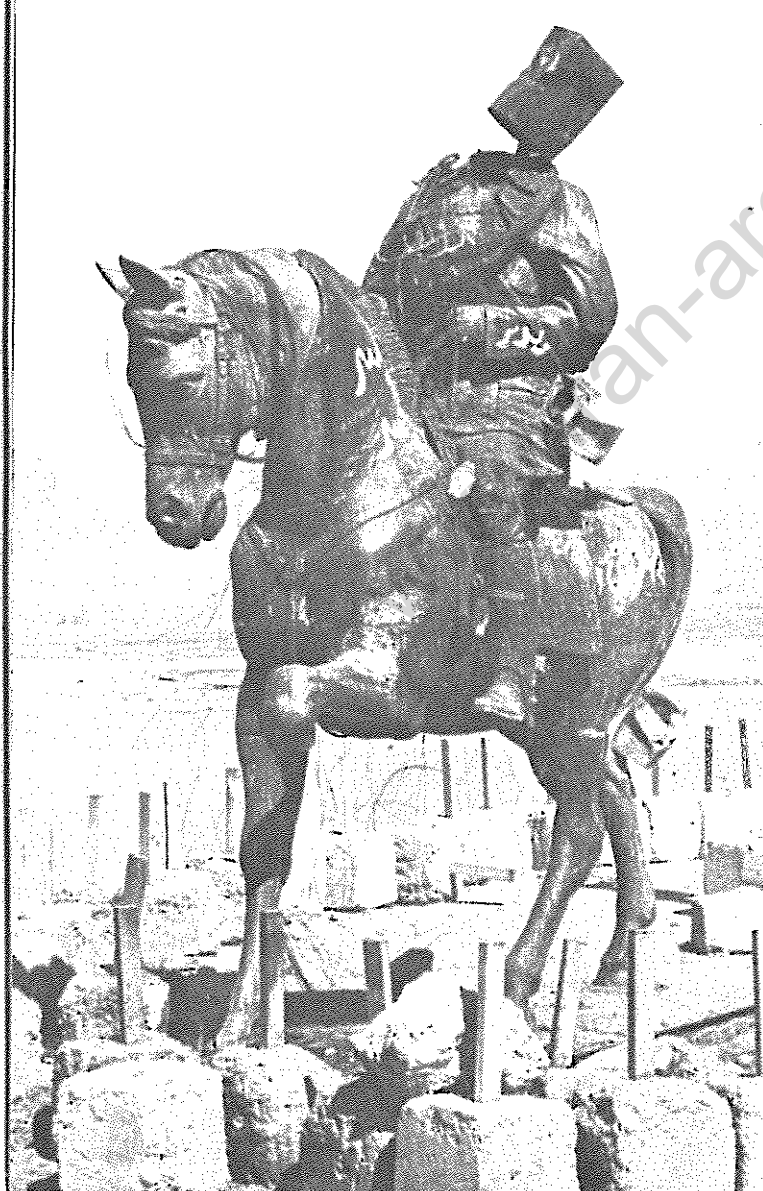
سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
برگزار می شود شرکت کنید.

Saturday FEB. 5 7:00 PM
U.S.C. - Tapers Hall **لوس آنجلس**

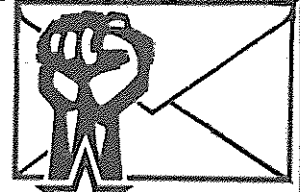
Friday FEB. 11 8:00 PM
J.C. Berkeley, Wurster Hall Room #170 **برکلی**

Sunday FEB. 13 6:00 PM
2257 West Lemoyne Street
(North Ave. & California Ave.) **شیکاگو**

Sunday FEB. 19 6:00 PM
Community Church of New York
40 East 35th Street
(Between Madison & Park Ave.) **نیویورک**



از خوانندگان



سعی میشود در این ستون شمارا از دریافت نامه ها و مطالبات مطلع ساخته و در صورت امکان به سوالات و انتقادهای رسیده پاسخ دهیم از شما میخواهیم که در غنا بخشیدن به محتوای "جهان" در تهیه مقالات، بحث های مربوط به دیدگاهها، ترجمه مطالب مفید در باره جنبش ها و انقلابهای خلقهای دیگر، شعر و قطعات ادبی کوتاه، نقد فیلم، داستان کوتاه، نقد و معرفی کتاب، معرفی جبهه های انقلابی، اخبار، طرح، عکس، کاریکاتور و . . . ما را یاری رسانید.

رفیق نبادر: شعر ارسالی شما رسید. ضمن تشکر بوقوع از آن استفاده خواهیم کرد.

رفیق - از کلمبوس: مطلب شما درباره معرفی یک نویسنده رسید. ضمن تشکر کتباً نظر خود را برایتان ارسال خواهیم داشت.

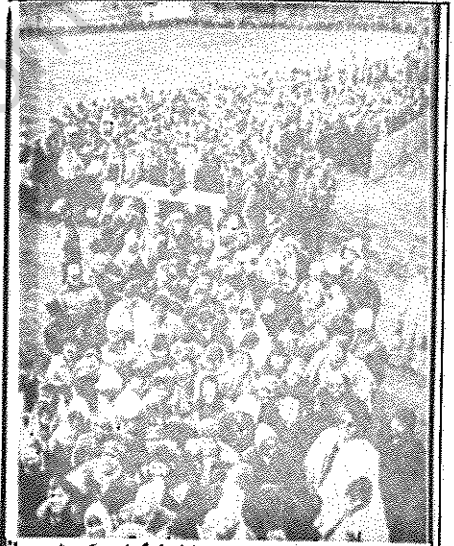


اخبار

بین المللی

۱۲ میلیون بیکار در کشورهای با زار مشترک

بنا به گزارش جامعه اقتصادی اروپا میزان بیکاری در ماه دسامبر ۸۲ در کشورهای با زار مشترک به ۱۰/۵ درصد رسید که مجموعاً ۱۲ میلیون نفر بیکار در این کشورهای وجود دارند. تعداد بیکاران در این کشورها نسبت به ماه نوامبر ۲۷۷,۰۰۰ نفر افزایش یافته است. کشور بلژیک یکی از



صاف جویندگان کار - درحالیکه گمان کمی نیست (کمبانی نفتی) در چتره بنیلوانیا فقط انجامش استخدام ۱۰۰ نفر را باعث حدود ۳۰۰۰ نفر متقاضی در یارکینگ کمبانی مذکور جهت تقاضای کار گرد آمده بودند.

کشورهای با زار مشترک با ۱۵ درصد بیکاری در رأس لیست قرار دارد. ایرلند با ۱۴/۷ درصد، هلند و انگلستان ۱۲ درصد، ایتالیا ۱۱/۵ درصد، دانمارک ۹/۹ درصد، فرانسه ۹/۴ درصد، آلمان ۸/۴ درصد، لوگزامبورگ ۱/۶ درصد و یونان ۲/۴ درصد میانگین درصد بیکاری زنان در این کشورها ۱۱/۵ درصد و جوانان زیر ۲۵ سال ۴۰ درصد است. کمیسیونر کار با زار مشترک پیش بینی میکند که تا سال ۱۹۸۵ میزان بیکاری در این کشورها به ۱۵ میلیون نفر خواهد رسید (۲۳ ژانویه ۸۳ / لوس آنجلس تایمز) تعداد بیکاران در کشور امپریالیستی آمریکا به مرز ۱۳ میلیون نفر رسیده است.

توطئه ضد انقلاب در نیکاراگوئه

دولت انقلابی نیکاراگوئه اعلام کرد که نیروهای دولتی یکی از بزرگترین توطئه های ضد انقلابیون را که با کمک و همکاری مستقیم CIA بر علیه حکومت انقلابی ساندینیست انجام میگرفت خنثی کرده اند. در این توطئه قرار بود سه واحد تعلیم یافته مزدوران شامل ۹۰۰ نفر با تجهیزات کامل و با کمک سیا به خاک نیکاراگوئه وارد شده و قسمتی از خاک کشور را در ۱۳۰ مایلی شمال ماناگوا به اصطلاح آزاد ساخته و مرکز توطئه های خود قرار دهند. در جنگهای ۵ روزه نیروهای انقلابی، مزدوران، این توطئه بکلی به شکست انجامید.
مانور نظامی

۲۵۰۰ تذاکدار آمریکائی همراه با نیروهای عمانی در یک مانور نظامی مشترک در منطقه خلیج فارس شرکت کردند.

آمریکا و پاکستان

ضیاء الحق دیکتا تورپاکستان بعد از ملاقات با ریگان در مصاحبه ای اعلام کرد که این ملاقات مثبت بوده است و خواهان دوستی و نزدیکی بیشتر با آمریکا شد. از طرف دیگر ریگان به ضیاء الحق اطمینان داد که آمریکا ۲/۲ بیلیون دلار کمک در عرض ۶ سال در اختیار پاکستان قرار خواهد داد.

السالوادور

بنا به گزارش یونایتد پرس انترنشنال روز شنبه ۲۲ ژانویه ۸۳، چریکهای انقلابی در السالوادور یک حمله ارتش ضد خلقی السالوادور را که مرکب از ۶۰۰۰ سرباز بود در نزدیکی مرز هندوراس دفع کردند. بنا به اعتراف افسران ارتش السالوادور، چریکها مواضع آنها را با توپهای دور زن ۱۲۰ میلیمتری مورد حمله قرار دادند و چندین پایگاه را آزاد نمودند. بنا به همین گزارش این اولین بار بود که در طول جنگ داخلی سه ساله السالوادور، انقلابیون سلاح های سنگین با برد ۳ مایل بکار میبردند. همین

گزارش حاکی است که جت های ساخت آمریکا مناطق آزاد شده را بمباران کردند. بنا به اعتراف افیک ارتش در این درگیری حد اقل ۹ سرباز ارتش کشته شدند. رادیو چریکهای السالوادور اعلام داشت که ظرف دو هفته گذشته، نیروهای انقلابی تعداد ۱۳۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت گرفتند. در عین حال سربازان ارتش اظهار داشتند که جمعه شب هواپیماهای نیروی هوایی بطور اختیاهی مواضع ارتش را در شهر ایسیدرولابرادو در ۴۸ مایلی شمال مرکزی پایتخت بمباران کردند.

پیل ...

بقیه از صفحه ۳۲

ستمبار موجود و ... قابل افتقاد است. بهر حال نقاظ قوت و موفقیت های -
فرخشان فیلم ضعف های آنرا تحت الشعاع قرار میدهد. دیدن این فیلم برای هرکس که عشق به توده ها، عشق به زندگی و زیبایی و اعتقاد به مبارزه علیه ستم و استثمار -
دارد، لذت بخش، آموزنده و فراموش نشدنی است. با دیدن این فیلم میتوان به اندازه خواندن چند کتاب درباره جامعه ترکیب و فرهنگ مردم آن چیزها آموخت.

نماهائی است که میتوان در بربرده سینما نقش بندد.
مسلاً فیلم پیل خالی از ضعف و نارمائی نیست. از جمله توجه اندک آن به زیربنای اقتصادی جامعه و تکیه دائمی بر ستم فرهنگی و بی توجهی به استثمار اقتصادی و عدم ارائه تصویری روشن از ارتباط عوامل زیربنائی با فرهنگ وروینای

"فضای باز سیاسی" امامانه

بقیه از صفحه ۳

جا افتادن سیاست "ائتلاف جدید" نبود. روشن است که با غلبه سیاست "ائتلاف جدید" منافع و خواسته‌های خرده بورژوازی سنتی که پایه توده‌ای رژیم را تشکیل می‌داده است

که مسئله عمده شان عدم وجود امنیت و نظم لازم برای حرکت سرمایه، هرج و مرج قضائی و فقدان آزادی‌های فردی و فضای لازم برای دنبال کردن فرهنگ‌گفوی سنن منطبق بورژوازی می‌باشد که با فرهنگ قشری و عقب مانده و تعصبات و محدودیت‌های قرون وسطائی رژیم

روشن است که رژیم موعود خمینی در حیطه رفع مزاحمت‌ها از سر خرده بورژوازی مرفه مدرن و جلب سرمایه داران فراری تکنوکرات‌ها و متخصصین ناراضی و لیبرال و وابستگان و خدمتگزاران رژیم سابق می‌باشد که مسئله عمده‌شان عدم وجود امنیت و نظم لازم برای حرکت سرمایه هرج و مرج قضائی و فقدان آزادی‌های فردی و فضای لازم برای دنبال کردن فرهنگ و ارزش‌های منطبق بورژوازی می‌باشد فضائی که با فرهنگ قشری و عقب مانده و تعصبات و محدودیت‌های قرون وسطائی رژیم در تعارض است.

به خطر می‌افتد. زیرا "ائتلاف جدید" بر آن است که بن بست اقتصادی - سیاسی کنونی را با بجزیران انداختن سرمایه های بزرگ و وابسته در ادامه راه دوران قبل از قیام و ایجاد روابط بوروکراتیک لازم آن خاتمه دهد. روابطی که در رژیم گذشته بنا بسه ماهیت خود، منافع خرده بورژوازی سنتی را نادیده گرفته بود.

بنظر می‌رسد در "رهائی" از بن بست کنونی، خمینی که خود همواره تلاش در پیاده کردن قوانین دگم اسلامی داشت، ولی جو جامعه را نیز همواره در نظر می‌گرفت، رضا داده است که موقتاً با نادیده گرفتن جزم‌های اسلامی و پذیرش یک روش - پراگماتیستی با اصطلاح مجموعه رژیم را از خطر سرنگونی برهاند که البته محال است خمینی تلاش می‌کند بهر وسیله ممکن موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را حفظ نماید. شواهد نشان می‌دهد که فرمان اخیر او تقویت سیاسی است که نهایتاً بنفع "ائتلاف جدید" تمام می‌شود. رژیم موعود در خدمت چه کسانی است؟

۱- روشن است که رژیم موعود خمینی در حیطه رفع مزاحمت‌ها برای خرده بورژوازی مرفه مدرن و جلب سرمایه داران فپبراری و تکنوکرات‌ها و متخصصین ناراضی و لیبرال و وابستگان و خدمتگزاران رژیم سابق می‌باشد

درآمد داشته باشیم. شما اگر درست حرکت کنید تا قیامت در حکومت اسلامی غفلت، تجارت کاسبی، بقالی، عطاری، پارچه - فروشی و معدن داری و کارخانه داری و غیره نیز آزاد است."

موسوی نخست وزیر نیز به دنبال پیام خمینی اعلام می‌کند: "اگر ثابت شد افراد با وجود لغزش‌هایی ناشی از فرهنگ کثیف رژیم سابق قصد خدمت دارند با کمال گذشت با آنها رفتار شود. گروه‌های تحقیقات در صورت مشاهده لغزش در برونده خصوصی اشخاص نباید آنها را افشا نمایند"

همین خمینی که تا دیروز دستور داده بود مردم را به جرم نوشیدن مشروبات الکلی شایق بزننده و خلخال جلاش صفا نفر را در ارتباط با استعمال و بخش مواد مخدر تیرباران میکرد و ده‌ها نفر را به جرم فحشا و غیره سنگسار و اعدام کرده اند - امروز به یکباره چنین می‌گوید:

"موکداً تذکر داده میشود که اگر برای کشف خانه‌های تبیی و مراکز جاسوسی افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار وارد شدند و در آنجا با آلت‌لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کرده‌اند حق ندارند آنها پیش دیگران افشا کنند." آری عمده مواد پیام خمینی و به دنبال آن تبلیغات و تفسیرات سران رژیم حاکی از تلاش دیگر در جهت جلب سرمایه داران و خاطر جمعی به آنها دادن و ایجاد "فضای باز سیاسی و فرهنگی" برای افسار مرفه جامعه است.

۲- پیام ۸ ماهه‌ای خمینی موکداً و صریحاً نیروهای انقلابی و مبارز (به گفته خمینی گروه‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی) را در برخورداری از "مراحم" و "مزایای" آن مستثنی کرده است. او تلاش دارد حساب انقلابیون را از حساب کسانیکه فقط خواهان بقیه در صفحه ۵

فعلی در تعارض است. مطالعه دقیق ببندند پیام خمینی بخوبی نشان می‌دهد که قصد رژیم جلب نظر و رضایت چه کسانی است. خمینی با وقاحت تمام تصفیه عناصر وابسته به ساواک و رژیم سابق را ناشی از "اشکال تراشیده" جاهلانه که گاهی از تندروها "سرزده" میدانند و می‌گوید "میزان و حال فعلی اشخاص است با غرض عین از بعضی لغزشهایی که در رژیم سابق داشته‌اند" و بدنبال او رفسنجانی در خطبه نماز جمعه در قم مهر و تشویح "فرامین تاریخی امام" می‌گوید: "الان - دنبال ساواکی دیگر نگردید. ساواک مرد و ساواکی رفت... روی گذشته‌ها دیگر کم باید حساب بشود و یا نشود، روی آینده و فعلیت باید حساب بشود. مزاحمت‌های بی جا باید برطرف شود و ۱۰۰۰ آدمهای بسیاری را می - شناسیم که الان بسیار خادمند ولی اگر - میخواستیم گذشته‌شان را نگاه کنیم باید لگد به آنها بزنیم و آنها را بیرون بیندازیم، دیگر آنجور عمل نکنید... تصفیه کنه مواظب باشند امام با صراحت فرمودند یک کسی در زمان شاه یا در زمان بنی صدر یک خطائی کرده، حالا دیگر تا ابد نباید این جوب خطای آن زمان را بخورد... و بعد خطاب به خرده بورژواها، تجار و سرمایه دارها می‌گوید: "نگوئید که تعاونیها و فلان نمی گذارند که ما زیاد



"فضای باز سیاسی" امامانه

تستیابی به امتیازاتی هستند جدا کنند. در میان فرامین ما در شده حتی برای حفظ ظاهر هم که شده یک بند در جهت دعوی - اصلاحاتی به نفع زحمتکشان به چشم نمیخورد. چرا که رفیعی که بتواند اولین خواستهای کارگران، زحمتکشان و سازمانهای سیاسی آنها را مورد خطاب قرار دهد لازمهاش ایجاد تغییراتی هرچند سطحی و ناچیز در زمینه تار و معن، حق تشکیل سندیکا و اتحادیه، حق اعتصاب و تقسیم زمین بین دهقانان - آزادی بیان، قلم و اجتماعات، رفع تبعیضات ملی و قومی و جنسی (نابرابری زن و مرد) و ... خواهد بود. حال آنکه تمام فرامین اخیر خمینی از حد دعوی کم کردن فشار بر روی اقرار مرفه خرده بورژوازی مدرن و بورژوازی لیبرال تجاوز نمیکند. این وعده رفرم حتی در مقایسه، از "فضای باز - سیاسی" شاهانه نیزه سطحی تر و محدودتر و مسخره تر است. زمانیکه بحران سیاسی و اقتصادی و فساد و سرکوب و خفقان رژیم منفور بهلوی جامعه را به حالت انفجار نزدیک کرده بود و بر بستر آن تضادهای درونی حکومت شکل میگرفت و از طرفی هم سیاست "حقوق بشر" کارتر خواستار تغییراتی در چهره سرکوبگر و فاشیستی رژیم های وابسته از قبیل رژیم شاه شده بود، سیاست "فضای باز سیاسی" و مبارزه با فساد و دستگیری و محاکمه تعدادی از مهره های رژیم، بعنوان راه گشای بحران ارائه گردید اما نتایج حاصل از آنها دیدیم. حال باید دید "فضای باز سیاسی" امامانه در عمل چه میکند و حتی در همین محدوده خود چقدر به اجرا در خواهد آمد.

۳- گذشته از اهداف فوق رژیم سعی دارد با دعوی رفرم و جابجا کردن مهره ها و منکوب نمودن نهادها و عناصر تندرو و آنارشیزا و محدود کردن حرکت هیستریک خرده بورژوازی سنتی و روحانیت در اصرار به احیا و تحمیل سنت

و فرهنگ قرون وسطائی، چهره کریه و جنايتکار و ارتجاعی خود را در انظار جهانیان و در سطح بین المللی تغییر دهد و نوعی اعاده حیثیت نماید. و از طرفی نیز به امپریالیستها و بورژوازی جهانی نشان دهد که حاضر است بتدریج خود را با ضوابط و استانداردهای "حقوق بشر" بورژوازی منطبق سازد. پیچیده نیست که بسیاری از روزنامه های امپریالیستی در مقالات اخیر خود درباره ایران نسبت به پیام خمینی و اصول تغییرات جدید و شکل گیری يك "جناح پراگماتیست" در درون حاکمیت اظهار خوشبینی میکنند. کاتال تلویزیون فارسی زبان وابسته به بورژوازی بزرگ و طرفداران شاه در آمریکا نیز پیام خمینی را نویدی برای "فضای باز سیاسی" و حرکتی امیدوار کننده ارزیابی نمود.

نتایج احتمالی رفرم موعود

میتوان پیش بینی کرد که رژیم از يك طرف برای اثبات جدی بودنش در وعده های اصلاحی، احتمالاً تعدادی از مهره های منفور و جنايتكارش را از کاربرکنار و یا حتی دستگیر و محاکمه نماید. برکناری داستان قم و تبریز نمونه هایی هستند در همین رابطه. اما از طرف دیگر خود ایمن حرکت میتواند تضادهای درونی رژیم را

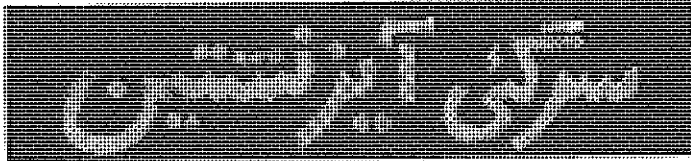
امروز رژیم جمهوری اسلامی از فرط ناچاری متوسل به "رفرم" شده است. اما از قبل بدیاست که سیاست سرکوب همه جانبه و وحشیانه رژیم با چند رفرم مشروط تغییر نخواهد کرد. مشکل رژیم بسیار اساسی تر از آنست که بتوان با کاهش توحش آنها حل نمود. جامعه ایران تنها با يك دگرگونی بنیادین میتواند از بحران اقتصادی و سیاسی فعلی بدرآید و اولین شرط این دگرگونی سرنگونی قهرآمیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

تشدید نماید و اعتراض و مخالفت "تندروها" و جرمی گراها را نسبت به این نوع "اصلاحات" برملا سازد. چنانکه رفسنجانی برای تخفیف بخشیدن به این نوع اعتراضات و مخالفتها میگوید که مفهوم دستورات اخیر امام همان چیزهایی که لیبرالها میگویند نیست هدف امام در مورد عدم سختگیری به معنای این

تشدید خواهد کرد. نتیجتاً رفرم خودبخود نفی خواهد شد. شدت یا بی دوباره سرکوب با توجه به نکات مطرحه در پیام خمینی که خود افشاگر سرکوب های قبلی رژیم است و اثرات خود را بر تمام اتحاد جامعه و دشمن اجتماعی و سیاسی باقی خواهد گذاشت.

بقیه در صفحه ۶

معرفی چهره‌هاگ ادب و هنر مرفی



کشتی‌های لنگرانداخته نیروی دریائی تزاری نزدیک میشود، ناریان کشتی‌های دیگر از تیراندازی بروی همقطاران خود سربیزی میکنند و به آنها اجازه میدهند که آزادانه بگریزند و این مظهر و کنایه‌ای از همستی مردم روسیه در - انقلابی نهائی بر ضد حکومت تزاری بسود. بملاحظه* این نکات، آیزنشتاین نقشه* سابق خود را کنار گذاشت و آن چنسد صحنه‌ای را که در ابتدا برای پلکان اوسا در نظر گرفته بوده، گسترش داد و بصورت یک فیلم شش حلقه‌ای درآورد و آنرا "بتمکین" نامید.

امروزه هم وقتی که "بتمکین" را تماشا میکنیم مانند تختین روزی که این فیلم در سال ۱۹۲۵ از کارگاه درآمد، آنرا گیرنده و بدیع میابیم. در هیچ فیلم دیگری یک حادثه تاریخی بعنوان یک سمبل کوچک از همه اجتماع بدین شکل ساخته ندهد است، و نیز هیچ فیلمی بدون ناغتن قهرمان یا داستان معین و مشخصی به این اندازه موثر و مهیج نبوده است. تاثیر بصری آن، نیروی تاوی و مهارت برش آن، همه قدرت و توانائی خود را برای اثر کردن در بیننده و به شگف آوردن او بکار میبرند. از - فصل اول فیلم، که امواج خروشانسی را نشان میدهد که به ساحل حمله میکنند و ختم آنها هر دم افزایش می یابد تا - آخرین صحنه* آن که تمام بدنه* کشتی که از بائین دیده میشود نمایانگر آنست. کسه آیزنشتاین

۱۹۰۵ باز د. آیزنشتاین در نظر داشت که وقایع مهم انقلاب وسیع ۱۹۰۵ و سرکوبی سبانه* آن بدست نیروهای تزاری را روی برده آورد. ابتدا چند صحنه در لنینگراد فیلمبرداری کرده و سپس به اوسا رفت تا چند صحنه* کوتاه از شورش معروف - جاشویان کشتی زره دار "بوتمکین" را تهیه کند. اما هنگام که پلکان عظیمی را که از مرکو اوسا تا اسکله گسترده بوده مشاهده کرده و به یاد آورد که روی همین پلکان قزاقان صدها تن از مردم شهر را که با جاشویان بوتمکسین ابراز همدردی میکردند، به گلوله بستند و از پای درآوردند، یقین حاصل کرد که قلب و کانون اصلی فیلم خود را یافته است. وی پلکان اوسا را سمبول کامل انقلاب ۱۹۰۵ تشخیص داد.

آیزنشتاین در همین یک صحنه، تصویر کاملی از نیروهای اجتماعی را که در - آن سال در سراسر روسیه بجوش آمدند، رسم کرده، بطوری که مبارزه طبقاتی و نفرت مردم از رژیم تزاری و ظهور رهبران - انقلابی سرخست همه در آن نمودار بسود. کشتار روی پلکان نشان دهنده* سرکوبی و خدبانه‌ای بود که پس از انقلاب در - سراسر روسیه انجام گرفت؛ و یکی دیگر از نمونه‌های نظر تحقیرآمیز دولت تزاری نسبت به مردم روسیه بود. اما علاوه بر اینها، برای تشدید اثر نمایش فیلم، - اشاره‌ای نیز به "بایان خوش" در فیلم دیده میشود.

هنگامی که کشتی "بتمکین" به -

سرگی آیزنشتاین در سال ۱۸۹۸ در ریگا زاده شد. مدتی در مدرسه مهندسی پتروگراد تحصیل کرد. از آنجا که علاقه* اصلیش به هنرهای بصری بوده به معماری روی آورد. به دنبال انقلاب به ارتش سرخ پیوست و مدتی به عنوان نقاش در زمینه* تبلیغات تصویری کار کرد و سپس با تئاتر پرولت - کولت (فرهنگ کارگری: Prolet Kult) مسکو به همکاری پرداخت. آیزنشتاین پس از چهار سال همکاری با پرولت کولت که تجارب فراوانی به دست آورده بود به این نتیجه رسید که محدودیت‌هایی هست که تئاتر را از واقعیت جدا میکند و برسر همین موضوع همکاری‌اش را برآن داشت که نمایش ماسک‌های گاز (Gas Mask) نوشته* ترتیاکوف را در محیط واقعی یک کارخانه* گاز مسکو اجرا کنند. او از پیش یک اصل را بیضا به راهنمای خود اختیار کرده بود و آن عبارت بود از اینکه "واقع‌گرایی را بخاطر واقعیت کنار بگذارد. استودیو و دکور را بخاطر مکان و شخص اصلی رها کن." اجرا ی نمایش در کارخانه گاز آیزنشتاین را مطمئن کرد که هنوز میان زندگی که بازیگران نمایش میدهند و محیط واقعی شکافی هست و معتقد بود که تنها سینما میتواند این شکاف را پر کند.

فیلم اعتصاب (Strike) اولین فیلم آیزنشتاین است که او را بعنوان یک کارگردان به عالم سینما معرفی کرد. دولت شوروی بعنوان قدرانی از توفیق آیزنشتاین در ساختن فیلم "اعتصاب" او را مامور ساخت فیلمی به یا انقلاب



معرفی چهره‌های ادب و هنر مترقی

بر قرار میکند و "جاذبه" تکان است که آنها را به هم پیوند میدهد و باعث میشود که ما نیز وحشت و بیچارگی آن - دانشجو را احسان کنیم. هر يك از این نماها با آگاهی از رابطه آن با نماها دیگر فیلمبرداری شده است.

ولی شاید بررگترین کشف آیزنشتاین در زمینه "پیوند" کشف اختلاف بین زمان بقیه در صحنه

گرامی یاد خاطره مجاهد شهید موسی خیابانی و همرزمانش



روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۶۰ مجاهد خلق موسی خیابانی یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران به همراه همسر و همرزمان مجاهد آذر رنایش و بچه‌ها شرف ربیعی بدنبال یورش - سیمانه پاسداران ددمنش خمینی به شهادت رسید. مجاهد موسی خیابانی مبارز خستگی ناپذیر دوران سیاه دیکتاتوری ما لیا از عمر مبارزاتش خود را در شکنجه گاهای دژخیمان شاه گذرانید و بالاخره در آستانه قیام خونین بهمن زمانیکه درهای زندان ها بدست توانای مردم گشوده شد آزاد و به صفوف فشرده خلق پیوست. بعد از قیام بهمن او مبارزه را علیه غاصبین مرتجع قدرت ادامه داد و سرانجام در راه آزادی و نجات میهنش از چنگال حکومت چهل و عقب ماندگی رژیم خمینی جانفشانی نمود. نثار خلق کرد. یادش گرامی باد.

کمتر میدهد. در عین حال که "پوتمکین" بر است از نمونه های عالی "جاذبه تکان" فن پیوند فیلم به هیچ وجه محدود و منحصر به همین یک شیوه نیست. از میان صدها نما که يك فیلم داستانی را تشکیل میدهند، فقط تعداد کمی را میتوان بدین صورت بهم پیوند داد، یعنی اینکه به وسیله اندیشه ای واحد به هم مربوط شوند و مطلبی واحد را بیان کنند. هنگامی که آیزنشتاین اسلوب "تکان" را در صحنه "شگفت آور" پلکان" فیلم "پوتمکین" بکار برده، برده را با تصاویر بسیار نیرومند پر میکرد و سرچشمه این نیرو عبارت بود از تداعی غریزی نهمین تماشاگران از مضمون و محتوی يك نما با مضمون و محتوی نما بعد از آن. در يك نما قزاقی شمشیر خود را به شدت فرود می آورد، در نما بعد درشت نما - (close up) چهره زنی است که عینک خرد شده و صورتش خونین است. يك نسته از قزاقان آتش میکنند و ما مادر جوانی را می بینیم که به شکم خود چنگ میزند و خون از لای انگشتانش جاری میشود. کالسکه بچه اش معلق زنان از پلکان سرازیر میشود و ما این جریان را از دریچه چشمان وحشترزده دانشجوئی تماشا میکنیم که پائین پلکان خم شده است و همچنان که کالسکه سقوط میکنند سر او به همراه آن میچرخد. البته آنچه ما می بینیم در حقیقت نماهای مستقلی است که جدا گانه برداشته شده اند. نما آتش کردن تفنگها، نما زنی که نقش تیر خورده را بازی میکند، نما کالسکه ای که از پلکان فرود می آید، و نما که سر خود را میچرخاند. پیوند این نماها است که در ذهن میان آنها رابطه

فیلم خود را بعنوان مجموعه ای از تصاویر به طریقی کاملاً تازه و انقلابی به هم پیوند میدهد. داده است. در نظر او همه چیز بستگی دارد به اینکه با - نماهای جدا گانه روی میز مونتاژ چه پیوندهائی میشود. این هم نماها یا در نظر وضع آنها در تمام فیلم برداشته میشوند اما نظریه ای که در این سبک نهفته بوده، خواست خود آیزنشتاین میباشد. آیزنشتاین این نظریه را "جاذبه تکان" (Shock Attraction) می نامد.

آیزنشتاین نظریه خود را در باره "پیوند فیلم با مطالعه خط هیروگلیفی ژاپنی فرمولبندی نمود. وی دریافت که تصویر کلمه "ژاپنی" "گره" ترکیبی از دو طرح "چشم" و "آب" میباشد و "اندوه" با تصویر "دل" و "کار" نمایش داده میشود و تصویر کلمه "آواز" از "نمان" و "برنده" پدید می آید. آیزنشتاین احساس کرد که با کنار هم گذاشتن چندین تصویر کاری صورت میگیرد که از جمع کردن ساده دو اندیشه قدم فراتر میگذارد. این کار آن دو اندیشه را "منفجر" میکند و از آنها مفهوم تازه ای پدید می آید که عبارت باشد از گره، اندوه، یا آواز. و چون سینما عبارت از ایجاد رابطه ای جدید میان تصاویر مستقل میباشد بنا براین موضوع در مورد ساختن فیلم نیز صادق است. در واقع آیزنشتاین اصرار داشت که این عمو در فن فیلم اهمیت اساسی دارد، زیرا که تماشاگر را بطور فعال در ادراک و اتمام مقاصد هنرمند شرکت میدهد.

با همه خشکی آیزنشتاین در بحث های نظری، باید دانست که وی هنگام عمل و کار کردن روی فیلم، جنبه جزمی اش بسیار

اخبار جنبش دانشجویی

هواداران مجاهدین

انحصارطلبی، تغییر سیاست و یا حسابگریهای کاسبکارانه؟! درشرا یبلی که جنبش نیا زمندا اتحاد هرچه بینتر علیه رژیم دد منش جمهوری اسلامی است، هواداران سازمان مجاهدین خلق با اتخاذا سیاست های غلط و انحصار طلبیانه مانع از دست یافتن چنین اتحادی میشوند.

در زیر سه گزارش از آکمیون مبارزاتی جنبش دانشجویی خارج از کشور نقل مینود. سه گزارش مذکور که از سه کشور مختلف تهیه شده است نشان دهنده سه نمونه از انحصارگری، حسابگریهای



پانزدهمین سالگشت شهادت تختی قهرمان ملی گرامی باد

مفعم دیماه مصادف بود با پانزدهمین سالگرد شهادت جهان پهلوان غلامرضا تختی، مبارز آزاده ای که از میان توده های زحمتکش برخاسته و تا پایان زندگی - افتخارآمیزش از آرمان توده ها روی بر نتافت زندگی نامه جهان پهلوان سرشار از شهادت و شجاعت است. او به سال ۱۳۰۹ در محله ی خانی آباد تهران در خانواده ای غرافتمند چشم بدنیا زد زحمتکشان گدوده و از همان روزگاران کودکی با محرومیت های زندگی آشنائی یافت. در جوانی تحصیل را رها

نظریکی از مسئولین نفت

در رابطه با مسائل مطروحه در "ترازنامه و چشم انداز" در مورد وضع کارکنان نفت - در بولتن مباحثات شماره ۱- مقاله "ترازنامه و چشم انداز" آمده است "چنانکه در فروردین ماه ۵۸ شورای کارکنان پالایشگاه آبادان" پدید آمد که امور پالایشگاه را را بست گرفته و یکماه بعد با ورود مدیران جدید منتخب دولت موقت و مورد تأیید خمینی، امور را بدانه سپردند و در جای دیگر آورده است: "نفتگران، به پیشنهاد بازرگان نماینده امام را در مورد تولید نفت رد کردند و با انصاری مدیر عامل نفت (رئیس سلطنتی) مذاکره کردند. بی توجه به تهدیدهای دولت، میزان تولید نفت را کاهش دادند و بعد بکلی قطع کردند. جلو صدور نفت را گرفتند. با جمعیت حقوقدانان و نمایندگان مجامع خارجی رسماً مذاکره کردند و برخی از مدیران را اخراج کردند." در اینجا وارد این بحث نمیشویم که نویسنده مقاله از آوردن چنین گزارشی غلوآمیز چه منظوری داشته است، اما با توجه به اینکه خود در متن تمام اعتصابات بودم لازم دانستم مطلبی را هر چند مختصر ولی ضروری جهت روشن شدن باره ای از واقعیات بیان نمایم. پس برای درک بهتر مطلب میبایست از چگونگی مکانیزم صنعت نفت آغاز کنم.

مکانیزم صنعت نفت به دو بخش اساسی قابل تفکیک است: ۱- بخش تولید و تصفیه، ۲- بخش صادرات. بخش تولید و تصفیه شامل شرکت های حفاری که مسئولیت حفر چاه و آماده نمودن آنها برای استخراج و پالایشگاههای ایران (آبادان، اهفهان، شیراز، تهران، تبریز و کرمانشاه) که مسئولیت تصفیه و تأمین فرآورده های نفتی مورد نیاز مصارف داخلی را بعهده دارد، میباشد. این بخش از نظر سیاسی بدلیل تجمع و تمرکز کارگران در آن دارای اهمیت فراوانی است و اگرچه تأمین کننده فرآورده های مورد نیاز مصرف داخلی

توسطه امریکا علیه نیکاراگوئه، خلیج خوکها تکرار میشود؟

آمریکا مسئول تدارك توسطه ای از نوع "خلیج خوکهای کوبا" در نیکاراگوئه میباشد برای امیریا لیستها بخصوص آمریکا وجود - دولت انقلابی نیکاراگوئه غیر قابل تحمل است. آنها نیکاراگوئه را به متابسه کانونی خطرناک برای گسترش انقلاب و جنبش های رها نشی بخش در آمریکا مرکزی و پشتیبان اصلی انقلابیون اللوالا دورتلقی میکنند.

از اواسا تا بستان ۸۲ به رهبری سازمان جاسوسی CIA و با همکاری دولت - های هندوراس، آرژانتین، کوستاریکا، اسرائیل و فراریان حامی سا موزا و بقایای "گارد ملی" توسطه های سیستماتیک تدارك دیده میشود تا از طرق مختلف ثبات دولت فعلی نیکاراگوئه را به خطر انداخته زمینه های سرنگونی آنها فراهم سازند. اخبار مربوط به این توسطه ها نه تنها از

بقیه در صفحه ۱۰

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده ها

بگذار خیمه‌ها مریخ اقتصاد را "مال خیر" بداند. اما تا مریخ گواهی
میدهد که خیمه‌ها نوزده امی و قوام ۱۳۰۷ و نه بدست صادران حکومت
ایلامی و بلکه از ریزه ها و اشیای تاریخی ها و اشیای تزیینات تزیینات
و سنجیدگان حاشیه نشین (خان ارضه نوزده) آغاز گردید. تا
فقر و استیصال و بیست هفت ماه روز هست. نه خلافت خیمه‌ها و نه کلیسای
باب و نه امیر طایفه سرما به هیچکدام قادر نخواهند بود حرکت تاریخی
را متوقف سازند.

